

نقش سازمان های بین المللی در تامین امنیت جهان

خلاصه :

مؤلفه صلح مفروضه و زیر بنای اصلی به وجود آمدن رشته روابط بین الملل بوده است. از تاسیس دانش روابط بین الملل موضوع صلح و مدیریت برخورد های نظامی یکی از دلایل اصلی بحث و مناقشه نظری و عملی در جهان بوده است. تا اکنون نظریه های زیادی در جهت شکل دهی صلح، ثبات و برقراری امنیت بین الملل در عرصه مطالعاتی روابط بین الملل به وجود آمده است و در زمینه های عملی نیز نهاد ها و سازمان های زیادی برای بسط صلح در سطح جهانی تاسیس شده است. به خصوص بعد از سال 1945 مساعی بی دریغ در زمینه ایجاد صلح جهانی چه در زمینه ی تئوریک و چه عملی انجام شده است که گاهی دست یازی به صلح ساده و گاهی هم دشوار بوده است. در این جا این سوال پیش می آید که سازمان های بین المللی چه نقشی در صلح پایدار و امنیت بین المللی به خصوص بعد از جنگ سرد داشته است به همین علت در این مقاله سعی می شود تا با استفاده از نگرش نهاد گرایی به این موضوع پرداخته شود.

واژه های کلیدی: صلح جهانی، سازمان های بین المللی، امنیت بین المللی، همکاری، نقش سازمان های بین المللی در...

مقدمه:

جنگ و ترس از جنگ به عنوان یکی از عوامل اساسی دگرگونی در روابط میان ملت ها و دول شناخته شده که این عامل به صورت انگیزه ای برای همکاری و همگرایی بین المللی به منظور رسیدن به صلح جهانی درآمده است. یکی از دلایل اصلی به وجود آمدن سازمان های بین المللی بعد از ختم جنگ جهانی دوم نیز، برقراری صلح، آرامش و امنیت بوده است. در این زمینه اقدامات سازمان های بین المللی برای حل و فصل منازعات و کشمکش های طولانی دارای اهمیتی حیاتی است؛ چرا که اکثراً این سازمان ها، به عنوان نهادهای فراملی و فراکشوری، توانایی و قابلیت ایفای نقشی تاثیرگذار و مورد پذیرش همگانی را در سطح جهان دارا می باشند. می توان صلح را زیر بنای اصلی به وجود آمدن این سازمان ها دانست.

بنابراین هدف اصلی، بررسی میزان کارکرد و رفتار سازمان های بین المللی در تامین صلح جهانی می باشد در این جا سعی خواهیم نمود به این سوال پاسخ بدهیم، که چگونه سازمان های بین المللی پس از پایان جنگ سرد، در تامین صلح جهانی، می توانند اثر گزار باشند. برای اینکه با وجود حقوق و وظایفی که سازمان های بین المللی در چهارچوب

قوانین خود، برای دولت‌ها وضع کرده‌اند، نقش تعیین‌کننده‌ای در تأمین صلح پایدار در جهان دارا می‌باشند (بیگ زاده، 1390: 12).

سازمان‌های بین‌المللی در کل به دو نوع می‌باشند؛ نوع اول مربوط می‌شود به سازمان‌های بین‌المللی دولتی که آن‌ها را دولت‌های ملی تشکیل داده و مدیریت می‌کنند. دومین نوع به سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی گفته می‌شود که دولت‌های ملی نقش مستقیمی در تشکیل و اداره آن‌ها ندارند.

نقش سازمان‌های بین‌المللی در...

شاخص‌ها و اهداف اصلی سازمان‌های بین‌المللی در قرن حاضر دست‌یازی به صلح جهانی و امنیت دسته‌جمعی بوده است که این امر در اساسنامه سازمان بین‌المللی مخصوص سازمان ملل متحد متبلور شده است. در واقع جنگ سرد باعث‌کننده و اختلال در روند سیستم امنیت بین‌المللی گردید. پس از ختم جنگ سرد نیز جهان وارد یک دوره انتقالی گردید و این وضعیت، فرصت را برای نزدیکی بیشتر ملت‌ها در جهت مدیریت بعضی معضلات فراهم کرد، و در نتیجه سازمان‌های بین‌المللی تمام‌هدف خود را بر این مساله متمرکز نمود که با تشکیل کنفرانس به راه‌حلی برای رسیدن به صلح، امنیت و همگرایی در صحنه جهانی دست پیدا کنند.

امروز در جهان، سازمان‌های بین‌المللی نه تنها در بخش‌های فنی، تجاری و صنعتی،

مدیریت جامعه بین‌المللی به شکل گسترده فعالیت می‌نمایند بلکه در امور مربوط به حاکمیت سیاسی مثل حفظ صلح، خلع سلاح و کنترل تسلیحات نیز قد علم کرده‌اند. بر این اساس سازمان‌های بین‌المللی که اساساً نهادهایی فاقد حاکمیت قلمداد می‌شوند از رهگذر توافق دولت‌ها به اعمال اختیارات حاکمیتی مختلف مبادرت می‌ورزند. پس نهایتاً یک سازمان بین‌المللی، اجتماعی از دولت‌ها می‌باشد. محل استیلا قدرت سازمان‌های بین‌المللی متغیر است ولی هر آنچه که در محدوده حیاتی امور داخلی یک کشور در نیاید آن را می‌توان تحت نفوذ این سازمان‌ها در جامعه بین‌المللی دانست (بیگ زاده، 1390: 14).

نهاد گرایان لیبرال نیز معمولاً دیدگاه خوش‌بینانه‌ای نسبت به نقش و اهمیت نهاد های بین‌المللی در ایجاد و توسعه همکاری های بین‌المللی و در نتیجه صلح دارند و معتقدند که از سازمان های بین‌المللی و توانایی آنها می‌توان برای افزایش یا

نقش سازمان های بین‌المللی در...

محکوم کردن و تنبیه جمعی متجاوز استفاده کرد (مشیرزاده، 1388: 59).

چهارچوب نظری:

سازمان های بین‌المللی در واقع بیانگر شکلی فدرالیسم جهانی هستند. در فدرالیسم جهانی ما شاهد تجمع‌هایی هستیم، که عناصر تشکیل دهنده آن (دولت‌ها) ویژگی و سرشت

دولت بودن خودشان را حفظ کرده اند و ضمن حفظ قدرت خودشان یک نهاد مستقل از خود ایجاد کرده اند. سازمان های بین المللی در اصل، نمادی بسیار شاخص و برجسته فدرالیسم جهانی می باشند که حیات مستقل و شخصیت حقوقی مستقل از عناصر خود را دارند. به طور مختصر، سازمان های بین المللی از یک دید شبیه دولت های فدرالی هستند که ما اکنون در جهان شاهد آنها می باشیم، از این دیدگاه که سازمان های بین المللی، مجموعه ای از نهاد ها هستند که با هم تجمع نموده اند و یک نهاد دیگری به وجود می آورند، شبیه فدرالیسمی است که ما میان دولت ها می شناسیم و هر کدام در داخل مستقل هستند اما در بیرون و سیاست خارجی خود، به خاطر بقای وحدت و رسیدن به یک امنیت پایدار در بین خود با یکدیگر تشریک مساعی و فعالیت می کنند.

با توجه به تحولاتی که امروزه در جهان رخ داده است، برازندگی سازمان های بین المللی غیر دولتی روز به روز از اعتبار و اهمیت بیشتری برخوردار می شوند و حضور این سازمان ها ابعاد وسیع تری به خود می گیرد و دلیل آن هم این است که تاسیس این سازمان ها نسبت به سازمان های بین المللی دولتی فوق العاده آسان است و در بررسی صلح در جامعه بین الملل نیز سازمان های غیر دولتی بیش از سازمان های دولتی به مولفه صلح اهمیت داده اند. حدود و ثغور قلمرو فعالیت های این سازمان ها از حقوق بشر تا مخاصمات

نقش سازمان های بین المللی در...

مسلحانه و محیط زیست می باشد که همه به نحوی صلح و امنیت بین المللی را هدف خود قرار می دهند (غفوری. 1383: 24).

در عصر حاضر زندگی بشریت در محیط بین المللی بدون سازمان های بین المللی اصلا امکان پذیر نیست، به مفهوم دیگر هیچ کشوری را بلا استثنا نمی توان پیدا کرد که عضو یک یا چند سازمان نباشد و این بیشتر از پیش مفیدیت برقراری رابطه و همکاری به منظور رسیدن به یک اجماع نظر و اتفاق نظر بین دولت ها را نشان می دهد. روی این اساس ملاحظه می شود که تا چه حد سازمان های بین المللی دولتی و غیر دولتی در زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی بین المللی از جایگاه مهمی برخوردارند. سازمان های بین المللی از دیر زمانی در ایجاد و حفظ صلح و امنیت تاثیر داشته اند و از روشهای گوناگونی به منظور حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات و کشمکش ها استفاده می کنند، که شامل روشهای سیاسی مانند مذاکره، میانجی گری، سازش و یا روشهای حقوقی مانند داوری و رسیدگی قضایی می شود.

هر زمانی که تغییر چشم گیر در جامعه بین المللی حاکم شده است، اهمیت و تاثیر دیپلوماسی و مذاکرات در سیاست جهانی مورد بازنگری مجدد قرار گرفته است. این موضوع در ابتدای قرن بیستم و در سایه دگرگونی های عمده واقع در آن زمان مصداق دارد و هم اکنون نیز در سال های اولیه قرن بیست و یکم تبارز یافته است. در قرن حاضر، علاوه

بر وجود عناصر و عوامل تکنولوژیک مدرن، در عرصه دیپلوماسی "دولت زدایی" شده است. این عنصر مهم و اثر گزار باعث گردید در مناسبات، صلح، جنگ و امنیت از میان برداشته شود. سازمان های بین المللی

نقش سازمان های بین المللی در...

در تلاش اند با گسترده کردن میزان فعالیت های دیپلماتیک خود در صحنه های بین المللی نقش آفرین باشند و محدودیت کارکرد دولت های ملی را در عرصه بین المللی و دیپلماسی برطرف سازند.

از دیدگاه نهاد گرایان با افزایش نقش نهاد های بین المللی ما شاهد گسترش همکاری های بین المللی در جهت منسجم ساختن بیشتر جامعه ی بین المللی می باشیم. برخی از نظریه پردازان این دیدگاه ادعا می کنند که جنگ را می توان از میان برداشت و صلح را به عنوان یک فرهنگ مساعد گزینه سازی نمود. اندیشه های کسانی مانند ویلسون بر پایه دیدگاه لیبرال ها در مورد موجودات انسانی و جامعه انسانی است، این که انسان ها موجودات عقلانی هستند و با توان عقلانیت به این مهم می رسند که با ایجاد مجموعه ای از سازمان ها، همه می توانند از فرهنگ غنی صلح دایمی و آرامش و امنیت حاصل از آن در روابط بین الملل سود ببرند. همه این مسائل پایه تاسیس سازمان های بین المللی از جمله جامعه ملل شد (ساعد. 1389: 16).

برداشت صحیح از مفاهیم صلح و امنیت در رابطه با سازمان های بین المللی امری مهم

پنداشته میشود، زیرا این سازمان ها از تأثیرات بسیار مهمی بر روند تحولات جامعه جهانی برخوردار بوده اند و به مرور زمان نیز بر اهمیت آنها افزوده می شود، از آنجایی که فرضیه های متعددی در پی شناخت و نقش و برسمیت شناختن این سازمان ها به وجود آمده اند، بدون این شناخت هرگز نمی توان به خوبی نسبت به میزان تاثیر گزار بودن این سازمان ها قضاوت کرد.

شکست های جامعه ملل بعد از سال های 1930 موجب تردید پیرامون وجود هماهنگی منافع

نقش سازمان های بین المللی در...

بین المللی ملت ها و حل و فصل منصفانه اختلافات، حقوق و سازمان های بین المللی با قدرتی کارآمد تلفیق شوند.

سازمان های بین المللی: پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و ختم جنگ سرد، ماهیت روابط بین الملل دستخوش دگرگونی های گردید. بارزترین رویدادهایی که به پیچیدگی مناسبات عصر حاضر انجامیده است گوناگونی های مراکز قدرت در جهان، رشد دانش و تکنولوژی خیلی پیشرفته، ایجاد و قدرت مند شدن نقش سازمان های بین المللی دولتی و غیر دولتی و موارد دیگر را شامل می شوند. پیدایش دانش نرم افزاری نظامی به عنوان ابزاری در خدمت سیاست خارجی قدرت های بزرگ و نفوذ پذیر شدن مرزهای کشور ها باعث شد که به اهمیت سازمان های بین المللی به منظور افزایش همکاری و همگرایی میان دولت

ها افزوده شود. امروز دولت ها از بابت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و حتی سیاسی و نظامی آسیب پذیر گشته اند و نمی توانند خود را از تحولات بین المللی برحذر داشته و به تنهایی در صدد کسب و حفظ امنیت سرحدات خویش برآیند.

بعد از ختم جنگ سرد «میخائیل گورباچف» اولین فردی بود که از جایگزینی همکاری به جای «تقابل» میان بلوک شرق و بلوک غرب سخن گفت و ضرورت دنیای جدید را به همگرایی در تمامی زمینه ها مطرح کرد (غفوری. 1383: 26).

پیدایش و ایجاد سازمان ها و نهاد های بین المللی به منظور ایجاد همکاری و تعاون بین دولت ها در زمینه های مختلف از جمله: مبادله اطلاعات و داده ها، اکتشافات و تجربیات یکدیگر می باشد تا کشور ها را در پاسخ به نیازهای عمده و اساسی و ارائه

نقش سازمان های بین المللی در...

سازمان ملل متحد نقطه مرکزی این سازمان ها بوده و نقش آن هماهنگ سازی ملت های در تمامی زمینه ها می باشد.

سازمان ها در مجموع در حوزه صلح فعالیت های زیادی داشته اند اما نقش سازمان های غیردولتی در تامین صلح و امنیت جهانی بیشتر قابل لمس می باشد. این نوع سازمان ها عمدتاً دارای هدف های بشر دوستانه بوده و می توانند به ایجاد ثبات و نگه داری صلح جهانی کمک نمایند. به منظور حفظ سیاست بی

طرفی، اغلب این سازمان ها، رویه بی طرفانه اتخاذ کرده و در خارج از چوکات دولتی مبادرت به همکاری و فعالیت می نمایند. تعدادی از این تشکیلات عبارتند از: سازمان های بین المللی مذهبی مانند: تشکل های اسلامی، سازمان های کلیسای کاتولیک و واتیکان، مذاهب دیگر در چارچوب فدراسیون های دینی، فدراسیون جهانی انجمن های طرفدار ملل متحد، اتحادیه بین المجالس، انجمن بین المللی وکلای دادگستری و سازمان بین المللی اتحادیه های کارگری. اما سازمان های نظیر آکسفام، در زمینه نجات کودکان و جامعه تا اکنون در کشورهای اوگاندا، کامبوج، سودان کمک های انسانی را انجام داده اند. از تاسیس سازمان های بین المللی تا حال با هزنوع مشکلی که امنیت جهانی را نقض کرده است برخورد کرده اند و راهکارهای مختلفی ارائه کرده اند، یکی از موارد تهدید آمیز صلح به خصوص در قرن بیست و یک در سطح بین الملل، بحث تروریسم است که در این میان بیشتر سازمان های بین المللی، به خصوص سازمان ملل قطعنامه های بسیاری صادر کرده اند. در واقع بحث تروریسم و دهشت افگنی یک تهدید جهانی است. اعمال تروریستی نظیر قتل، گروگان گیری، طیاره ربایی و تخریب اموال و ساختمان، حقوق بشر و آزادی های سیاسی را نقض کرده و روابط بین الملل را تحت تأثیر قرار داده است. ماهیت جهانی این مسأله، جامعه بین المللی را وادار به انجام

نقش سازمان های بین المللی در...

اقداماتی برای مقابله با هراس افکنی نموده است. گرچه اقدامات گوناگونی یکجانبه، دو جانبه و یا منطوقی برای مدیریت تروریسم صورت گرفته، اما در نگاه رویکرد نهادگرایی نولیبرال، اقدامات همه جانبه و مشارکت کلیه دولت‌ها در مبارزه با تروریسم امری اجتناب ناپذیر است و مناسب ترین مکان برای حل این مشکل جهانی، سازمان ملل متحد است.

ایجاد سازمان ملل متحد در سال 1945 در سایه همکاری قدرت های بزرگ، ایجاد صلحی پایدار را برای جامعه جهانی بشارت داد. این سازمان اولین نهاد مدافع صلح و امنیت پایدار در جهان معرفی می شود که برنامه های خود را بر چهار اصل استوار کرده است: حفظ صلح و امنیت بین المللی، توسعه روابط دوستانه بین ملت ها بر اساس احترام به اصل برابری حقوق و خود مختاری ملت ها همکاری بین المللی به منظور حل مسائل جهانی در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، بشردوستی و احترام گذاشتن به حقوق بشر و آزادی های اساسی برای همگان تاسیس گردید.

چنانچه ملاحظه می شود که پیدایش نخستین سازمان های بین المللی در جامعه جهانی مهم ترین مساله و نگرانی خود را صلح و امنیت و آزادی مطرح کرده اند. سازمان ملل متحد در مدت فعالیت خود اکثراً به منظور جلوگیری از وضعیت های خطرناک بین المللی که ممکن بوده است به جنگ بیانجامد، دو طرف متخاصم را به استفاده از شیوه های دیپلماتیک مانند مشارکت در مذاکرات به جای استفاده از

اسلحه ترغیب کرده است. بنابر این سازمان ملل متحد، تاکنون نسبتا نقش آرام بخش در بسیاری از مناقشات بین المللی ایفا کرده است. این نقش، بخصوص در بحران برلین (1949-1948) و کیوبا (1962) از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. یا به گونه مثال نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در سال 1967

بفرضای خروج سربازان مربور را از صحرای سینا نمود، بوضوح معلوم شد، زیرا پس از خروج این نیروها بلافاصله جنگ در گرفت. در تفکر نهادگرایی نئولیبرال، سازمان های بین المللی قادر اند تشریک مساعی دولت های ملی را در موضوعات جهان شمول تقویت نموده و مستقل از اراده قدرت های بزرگ در صحنه بین الملل عمل نمایند (بیگ زاده، 1390: 3).

با بیشتر شدن اعمال هراس افگنان، دولت ها به اهمیت سازمان های جهانی در مقابله با تروریسم پی برده اند. جدی ترین نتیجه پاسخ حقوقی جامعه بین المللی، انعقاد کنوانسیون هایی است که درصدد تنظیم یا توسعه صلاحیت کیفری دولت های عضو نسبت به اعمال مختلف تروریستی و مجازات متهمین به ارتکاب چنین به عنوان مهم ترین دلیل تهدید امنیت و صلح جهانی مطرح شد، و جامعه جهانی از طریق فعالیت های مشترک سازمان ها توانست از میزان این تهدیدات بکاهد و به منظور جلوگیری از وقوع حوادث دیگر شبیه به این موضوع، اقداماتی را انجام دهد. در حقیقت رفتار سازمان ملل و سایر سازمان های

غیر رسمی مدافع صلح، در آماده کردن افکار جامعه جهانی به هدف مبارزه با تروریسم بسیار تاثیرگذار بوده است.

تروریسم و سازمان های بین المللی:

ترور با انواع گوناگون اش با پیدایش بشر موجودیت یافت و در طول تاریخ انسان های زیادی را از صحنه گیتی حذف و جوامع انسانی را با وحشت و ناامنی روبرو ساخت. شاید محسوس ترین فرایند پدیده فوق، ایجاد بی ثباتی و تزلزل در روابط میان انسان ها و به تبع آن بی اعتمادی آن ها نسبت به عواطف

نقش سازمان های بین المللی در...

های مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی از عمده ترین انگیزه های این حرکت ضد انسانی می باشد که تا کنون نیز این گونه بوده است. بعد از شکل گیری سازمان ملل متحد و عضویت تعداد زیادی کشور های جهان و پذیرش منشور ملل متحد از سوی آنان، پیکار با تروریسم در سطوح بین المللی بر عهده این سازمان نهاده شد. همه کشور ها دریافته اند که تنها از طریق همکاری جهانی می توان به مبارزه علیه تروریسم برخاست، که تا کنون این همکاری مشترک با سازمان های بین المللی و محوریت سازمان ملل متحد در موارد متعدد به انجام رسیده است. در حیطه سیاسی، مجمع عمومی همه اعمال تروریسم بین المللی را به دفعات محکوم کرده است. کنوانسیون بین المللی علیه بمب گذاری تروریستی، که در سال 1997 در مجمع عمومی به تصویب رسید، بیان

میدارد که دولت‌ها متهمان به بمبگذاری

نقش سازمان‌های بین‌المللی در...

قرار دهند، یا آن‌ها را به صورت رسمی تسلیم کنند. اعلامیه در باره اقدامات برای رفع تروریسم بین‌المللی مصوب سال 1994 نیز حرکتی واقعی در زمینه اقدامات ملی و بین‌المللی است، که در مبارزه با تروریسم باید توسط دولت‌ها اجرا گردد. از دیگر سازمان‌های مدافع صلح در برابر تروریسم و جنگ سازمان عفو بین‌الملل و دیده بان حقوق بشر می‌باشد که در زمینه فعالیت‌های زیادی کرده‌اند. و اخیراً هم در میانمار فعالیت‌های گسترده‌ای را به منظور حفظ صلح انجام داده‌اند. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که بعد از وقوع حوادث یازده سپتامبر به دلیل مطرح شدن تروریسم به عنوان یک عامل تاثیرگذار و مختل‌کننده صلح و آرامش جهانی، سازمان‌های بین‌المللی نقش مهم‌تری را در ذهن افکار عمومی ملت‌ها به منظور حمایت از امنیت جامعه جهانی بازی کرده‌اند.

نقش سازمان‌های بین‌المللی در...

نداشتند، ایجاد اتحاد و همبستگی بین دول به منظور همکاری و صلح به آسانی امکان پذیر نبود. و این مساله با مقایسه قبل و بعد از ایجاد سازمان‌های بین‌المللی به وضوح مشخص بوده است.

صلح پایدار:

صلح پایدار مفهومی آرمانی و ایده‌آل از برقراری آزادی و صلح و خوشحالی در گسترهٔ

تمامی کشورهای جهان و یا در میان همه انسان‌ها است. صلح پایدار ایده جهانی برای پرهیز از خشونت است که ملل جهان راغبانه برای رسیدن به آن همکاری می‌کنند، چه داوطلبانه و چه به وسیله نظامی حکومتی که از جنگاوری ممانعت به عمل می‌آورد. این اصطلاح گاهی به از بین رفتن همه دشمنی‌ها و عداوت‌ها بین همه افراد اطلاق می‌گردد. برای مثال صلح جهانی یا پایدار می‌تواند پایانی بر همه جنگ‌ها و یا کشمکش‌ها بین برادر با برادر و خواهر با خواهر در نظر گرفته شود.

صلح پایدار در نظام حقوق بین الملل اساساً صلح بین المللی است که به دلیل انعطاف در معنی و مفهوم و اجزای صلح و ارتباط متقابل جوامع ملی با منافع جامعه بین المللی، ممکن است صلح محلی و ملی را نیز شامل گردد. عملکرد و تجربه کاری سازمان ملل متحد در اواخر قرن بیستم به خوبی نشان داده که با محدود شدن تدریجی صلاحیت‌های صرفاً ملی به نفع صلاحیت‌های بین المللی، برخی موارد خشونت در درون اجتماعات ملی و حتی علیه بخشی از اقشار جمعیت یک کشور ممکن است تهدیدی علیه صلح و امنیت بین المللی شمرده شوند. در اینجا مطرح می‌شود که صلح بین المللی نه صرفاً ناظر بر صلح در روابط بین دولت‌ها بلکه متضمن وضعیت بهینه در روابط دولت‌ها و ملت‌ها و همچنین در روابط بین انسان‌ها نیز هست. امروزه ارج و اولویت جامعه بین المللی

نقش سازمان های بین المللی در...

و نه تنها منطقه ای بلکه جهانی است، صلحی که همه بازیگران بین المللی و ملت ها و تمدن های جامعه بشری را تحت پوشش قرار دهد. باید بشریت و جامعه بشری را شاخص تعیین کننده دامنه ی صلح دانست (ساعد. 1389: 27).

جامعه جهانی در شرایطی دهه اول قرن بیست و یک را پشت سر می گذارد که هنوز با چالشهای خیلی جدی در زمینه دستیابی به صلح و عدالت اقتصادی و امنیت انسانی روبه روست. صلح پایدار در معنای جدید خود به معنای هماهنگی در فعالیت های انسان می باشد حالتی که در آن همزیستی مسالمت آمیز و شرافتمندانه وجود دارد و جز ارزشمندترین و اصولی ترین نیازهای بشری است که در آن زندگی اجتماعی در توازن وجود دارد. امروزه همزیستی مسالمت آمیز یک حق و یک تکلیف است و ترویج فرهنگ جهانی عدم خشونت، صلح و برابری اولویت دارد (سرمست. 1388: 7).

صلح و سازمان های بین المللی تجاری:

تصور که دولت، مهم ترین واحد مورد توجه در مطالعات امنیتی است، بیش از پیش مورد چالش قرار گرفته است. ارقام، احصائیه نشان می دهد که در حال حاضر ویروس اچ آی وی/ ایدز، منازعات قومی یا گسترش سلاح های کوچک و سبک بیشتر از جنگ های بین دولت ها آدمیان را به کام مرگ می کشد. از این گذشته، بازیگران غیر دولتی مانند سازمان

های بین المللی تجاری، رفته رفته در زمینه تامین امنیت و صلح به صورت مکمل دولت ها در می آیند. یکی از عوامل مهم ناکامی بشر در دستیابی به صلح، توزیع نابرابر منابع اقتصادی و دسترسی به امکانات بقاست. در حالی که توسعه ی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی به گونه ای این ناعدالتی را به عنوان اصل مهم صلح و امنیت جهانی ترمیم می کند و شکاف اجتماعی و فرهنگی را تقلیل می دهد و به همین اندازه نیز تنش و خشونت را خواه در روابط انسانی، بین ملت ها و تمدن ها و نهایتا بین دولت ها کاهش خواهد داد و در نهایت جنگ و درگیری نیز به حداقل خواهد رسید. از نظر رویکرد نهاد گرایی نولیبرال در جامعه بین المللی پیدایش سازمان های بین المللی تجاری و اقتصادی نه تنها به صلح کمک می کند بلکه با وجود مذاکرات کشور ها و تعاملات اقتصادی بین آنها و نیاز هر چه بیشتر هر کشور در زمینه های مختلف به کشور دیگر بحث وابستگی متقابل به وجود می آید که روند توسعه را نیز فزونی می بخشد. در این چارچوب آن چه که مهم است و اهمیت دارد بحث عدالت و رعایت نمودن آن از جانب سازمان های بین المللی است، از این نظر گفته می شود که تحقق عدالت از دغدغه های اصلی سیاستمداران و دست اندر کاران نظام های اقتصادی و اجتماعی است اما نکته اینجاست که هر گروهی و مکتبی راه رسیدن به عدالت اقتصادی و تحقق آن را به شکل خاصی عملی می داند. پس از نظر و جنبه اقتصادی

همکاری دولت‌ها در چارچوب سازمان‌های بین‌المللی تجاری می‌تواند به پیشبرد صلح جهانی کمک کند.

نقش سازمان‌های بین‌المللی در امنیت جهان

سازمان‌های بین‌المللی، سازمان‌های غیردولتی منطقه‌ای و جهانی از جمله بازیگران جدید در نظام بین‌المللی محسوب می‌شوند. تعداد از سازمان‌های بین‌المللی که در حوزه‌های مانند حقوق بشر، جنگ و صلح و ... فعالیت می‌کنند اثر گذاری بیشتر و ژرف‌تری در تحول مفهوم صلح و امنیت بر جای می‌

نقش سازمان‌های بین‌المللی در...

ی غیر دولتی تاثیر زیادی بر صلح و دگرگونی نحوه تامین آن دارند که رفتار آنها در برقراری صلح و امنیت تاثیر جدی دارد.

قابل ذکر است که سازمان‌های نظامی بین‌المللی مثل سازمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در حفظ صلح میان اعضای خود موفق بوده‌اند و احتمال دارد فعالیت آنها اهمیت بیشتری در تامین صلح و امنیت جهانی در سایر مناطق جهان ایفا کند. برای مثال: رهبران کشورهای عضو ناتو در سال 1991 «بیانه صلح و همکاری رم» را صادر کردند. در این بیانیه که به دنبال بیانیه لندن در 1990 صادر شد، بر این امر تاکید شده بود که در این زمان، تشکیل اجتماعی متشکل از ارزش‌های مشترک آزادی، دموکراسی و حقوق بشر در میان مردم آمریکای شمالی و مردمان تمامی کشورهای اروپایی میسر است. تاسیساتی که در آن وقت، مسئولیت

تشکیل چنین اجتماعی را بر عهده داشتند، شورای اروپا، جامعه اروپایی، اتحادیه ی اروپای غربی، سازمان امنیت و همکاری اروپا و ناتو بودند که می بایست در برابر ناتوانی و بی ثباتی های ناشی از اختلافات اقتصادی و منازعات ملی گرایانه، رهیافت های را ارائه می دادند. رهبران کشورهای ناتو، راه حل برون رفت از بحران های جدید را در به کارگیری همزمان سه راهکار «گفتگو»، «همکاری» و «حفظ توان دفاع جمعی» می دانستند.

از سال 1945 سازمان ملل متحد که جایگزین جامعه ملل شد، بزرگترین سازمان بین المللی است که نقش اساسی را در حفظ صلح و تامین امنیت بین المللی به عهده دارد. این سازمان که تبارزی از امنیت دسته جمعی است، سازمان بین دولتی محسوب می شود. این سازمان نقش تاثیر گذاری در برقراری امنیت و تامین صلح در جهان ایفا کرده است. برخی از این اقدامات مستقیم مثل تشکیل گروه های صلح بانی در مناطق بحران زده و برخی از آنها غیر مستقیم بوده است. مانند تشکیل سازمانهای حقوقی و داوری برای حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات، ایجاد ساختارها، رژیم ها، قواعد و هنجارهای بین المللی مناسب برای تبادل اطلاعات، شفاف سازی امور و کاهش ابهام، مقابله با رفتارهای ناهنجار بازیگران در عرصه بین المللی و بالاخره فراهم آوردن بستری مناسب برای مدیریت جمعی

منازعات به حفظ صلح و برقراری امنیت در جهان کمک می کند.

مطالعه و بررسی نظام های منطقه ای از ابعاد گوناگون دارای اهمیت می باشد که شناخت مسائل منطقه ای، تعاملات، جهت گیری و همکاری های منطقه ای به سیاست گذاران و تصمیم گیران در تدوین استراتژی های کشورها و همکاری های منطقه ای کمک همه جانبه می نماید. ارزیابی یک سازمان بین المللی و نهاد همگرا به نام اتحادیه آفریقا که بیش از چهار دهه از تاسیس ابتدایی آن با عنوان سازمان وحدت آفریقا می گذرد و به نوعی نخستین تجربه همگرایی در قاره آفریقا با استفاده از مدل منطقه و بهره گیری از الگوی نو کارکرد گرایی می باشد ما را در شناخت تاثیر نهادهای همگرا در قرن حاضر یاری می نماید. سازمان وحدت آفریقا در ابتدای کار فعالیتهای خود را بر اهداف سیاسی که در ماده دوم اساسنامه آن ترسیم شده بود، متمرکز کرد. در این چارچوب این سازمان نقش عمده در استعمارزدایی از قاره آفریقا، مدیریت مسالمت آمیز منازعات سرحدی، دفاع از حاکمیت ملی و تمامیت ارضی اعضا و مبارزه با آپارتاید ایفا کرد. امروزه دیگر نظریات و دکترین سیاسی به تنهایی نمی توانند ساختارهای نوینی در نظام جهانی ایجاد نمایند و این بازیگران متحد هستند که با بهره گیری از حاصل جمع قدرت واحدهای سیاسی می توانند در ماهیت سیاست های بین المللی نقش ایفا نمایند و

نقش سازمان های بین المللی در...

در افریقا بوده است و تا کنون توانسته با نگاهی عملیاتی گامهای موثری را در جهت اهداف استراتژیک خود که توسعه پایدار و تامین صلح و امنیت آفریقا می باشد گام بردارد.

بر این اساس می توان گفت تلاش های بسیار زیادی از جانب سازمان های بین المللی برای برقراری صلح در جهان انجام گرفته در بالا به ذکر تعدادی از آنها پرداخته شد.

نتیجه گیری:

همیشه برخورد سازمانی چه در قالب یک نهاد صنفی ملی و چه در حوزه سازمانی بزرگ بین المللی می تواند نقش بارز و ارزش مندی را در تامین صلی ملی و جهانی داشته باشد. این پژوهش سعی دارد به این موضوع بپردازد، که چگونه سازمان های بین المللی پس از پایان جنگ سرد، در تامین امنیت بین المللی، می توانند تاثیر گزار باشند. فرضیه مطرح شده در این مقاله این است که باوجود حقوق و وظایفی که سازمان های بین المللی در چهارچوب قوانین ملی، برای دولت ها وضع کرده اند، نقش تعیین کننده ای در تامین صلح جهانی دارا می باشند.

در قرن بیست و یک زندگی بشریت و دست یازی به صلح پایدار بدون سازمان های بین المللی اصلا قابل تصور نیست، یعنی هیچ دولتی را بلا استثنا نمی توان پیدا کرد که عضو یک یا چند سازمان نباشد و این بیشتر

از پیش اهمیت برقراری رابطه و همکاری به منظور رسیدن به یک اجماع نظر و اتفاق نظر بین دولت ها را نشان می دهد. پس از جنگ سرد، ماهیت روابط بین الملل دستخوش دگرگونی متعددی گردید. مهم ترین

نقش سازمان های بین المللی در...

جهان، ظهور علم و دانش نرم افزاری، ایجاد و تقویت نقش سازمان های بین المللی دولتی و غیر دولتی و موارد دیگر را شامل می شوند. سازمان های بین المللی به دو دسته ی سازمان های بین المللی دولتی و غیردولتی تقسیم می شوند، هر کدام از این سازمان ها در زمینه ی صلح فعالیت های زیادی داشته اند اما امروزه به وضوح شاهد افزایش نقش سازمان های غیردولتی در تامین صلح جهانی می باشیم.

بدون شک سازمان های زیادی در راستای حفظ و بسط صلح در جهان به وجود آمده اند که اقدامات با ارزش و موثری را در این راستا انجام داده اند، با توجه به مدارک و شواهدات تاریخی در این پژوهش سعی شده تا به این موضوع پرداخته شود و به عملکردهای بعضی از مهم ترین سازمانها مانند سازمان ملل متحد، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی، سازمان کنفرانس اسلامی و اتحادیه آفریقا که در زمینه حفظ و ثبات صلح اقداماتی را انجام داده اند اشاره شود.

جامعه جهانی در شرایطی دهه اول قرن بیست و یک را پشت سر می گذارد که هنوز با

چالش‌های جدی در زمینه دستیابی به صلح و عدالت اقتصادی و امنیت انسانی روبه روست. صلح در معنای جدید خود به معنای هماهنگی در فعالیت‌های انسان می‌باشد حالتی که در آن همزیستی مسالمت‌آمیز و شرافتمندانه وجود دارد و جز ارزشمندترین و اصولی‌ترین نیازهای بشری است که در آن زندگی اجتماعی در توازن وجود دارد. امروزه همزیستی مسالمت‌آمیز یک حق و یک تکلیف است و ترویج فرهنگ جهانی عدم خشونت، صلح و برابری اولویت دارد.

نقش سازمان‌های بین‌المللی در...

منابع:

- 1- بیگ زاده، ابراهیم. 1390. سازمان‌های بین‌المللی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- 2- ساعد، نادر. 1389. حق بر صلح عادلانه، تهران: نشر مجمع جهانی صلح اسلامی.
- 3- سرمست، بهرام. 1388. "بازیگران، جنگ افزارها و سرچشمه‌های جدید تهدیدات امنیت بین‌المللی"، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی. تهران: شماره هشتم.
- 4 - غفوری، محمد. 1383. "عملکرد سازمان‌های بین‌المللی در عرصه‌ی روابط بین‌الملل نوین"، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی. تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی.
- 5 - مشیرزاده، حمیرا. 1388. تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: نشر سمت.

ځير نوال حفيظ الله حداد

د دولتي مدیریت اهمیت

لنډيز: په دې مقاله کې لاندې موضوعات ترسپړني لاندې نيول شوي دي ،
مدیریت څه شی دی ؟ د دولتي مدیریت ماهیت څه شی دی ؟ نوی دولتي
مدیریت څه ځانگړنې لري ؟ او په افغانستان کې دولتي مدیریت او نوی
دولتي مدیریت په څه ډول وده کوي.

د اصطلاحاتو کلي : اداره ، سازمان ، مدیریت ، دولتي مدیریت ، نوی
دولتي مدیریت تصمیم او موخه .

سریزه : اداره له یوه اجتماعي خاص نظام څخه عبارت ده چی په دننه کې یی
یو شمیر انسانان د یولر موخو لاس ته راوړلو لپاره له یو او بل سره مرسته
کوي ، تصمیمونه نیسي او تصمیمونه پلي او ترسره کوي. په یوی اداري کې
لاندې ټکي اړین دي:

- اداره ډله بیزه کړنه ده چی په مرستو او همکاریو باندې ولاړه ده.
- د بیلا بیلو موخو او یا د ځانگړو موخو د مراتب سلسلې په کی شتون
لري.

- تصمیمونه کیداشی یوازی اجرائیوی بڼه ولری یا د سازمان ټولیزو(کلی) سیاستونو او تگ لاروپه اړوند وی او یا هم دواړه خواوی په بر کی ولری. (۱: ۱۶۳)

ډیر ځلی اداره او مدیریت یو د بل مترادف کارول کیری مگر اداره تر سازمان او مدیریت پوری ډیر پراخ مفهوم لری او دواړه مفهومونه یعنی سازمان او مدیریت په بر کی نیسی. الیور شلدن (AlureShildon) وایی :

د دولتي مدیریت اهمیت

اخلي . اداره موخې (اهداف) تعریفوی او مدیریت حاضر و موخو ته د رسیدو لپاره هلی ځلی او فعالیت کوی. سازمان بیا د مدیریت ماشین بلل کیری چی موخو ته د رسیدو لپاره د اداری له تعیین کیری. " (۸ : ۱) په دی مقاله کی لومړی "مدیریت" راپیژنو، ورپسی " دولتي مدیریت " او د هغه تکامل " نوی دولتي مدیریت " ته او په پای کی دولتي مدیریت په هیواد کی تر څیرنی لاندی نیسو. لومړی له مدیریت څخه په ټوله کی تعریف کوو.

مدیریت: مدیریت له مادی او انسانی منابعو څخه په اغیزمنه او گټوره توگه د کار اخیستنې لری څخه عبارت ده، چی د پلانجوړونی ، سازمانورکونی (سازماندهی) او منابعو او امکاناتو ته د لوری ورکونکی ، لارښونی او کنترول له مخی د سازمان موخی د ارزښتناکه نظام تر سیوری لاندی د منلو وړ گرځوی. په دی لری کی د کارکونکو کړنو ته د لوری ورکولو لپاره سر پرستی ، څارنی ، همغږی او لارښونی ته اړتیا لری. په دی توگه ټولی هغه دندی چی د سازمان کړنو ته د موخو په لور نظم ، سمون ، ځواکمنی او لارښونه ورکوی ، مدیریت نومیری. " (۲: ۲۵)

له همدی امله ټول رسمی سازمانونه د خپلو کړنو د پایښت او استمرار لپاره مدیریت ته اړتیا لری. د مدیریت د نه شتون په صورت کی د ناهمغږی، له موخو څخه لیری والی (انحراف) د وخت او انرژي دبی ځایه لږیدو سبب کیری او سازمان د گډوډیدو او شلیدو لوری ته بیایی. نو ویلای شو چی مدیریت د اقتصادی ژوندانه یو له خورا مهمو اړخونو څخه دی او له هغه چا سره کارلری چی په پانگونی او اقتصادی تشکیلاتو جوړولو باندی بوختیا لری. په بله وینا په هر ځای کی چی انسانی اړتیاوو پوره کولو لپاره هلی ځلی روانی دی ، هلته مدیریت اړین دی . ځکه مدیریت انسانی کړنی او منابع

همغری کوی او د متعادلۍ کولو له لاری سمون او بدلون په کی راولی. (۵ :
(۱۳۵)

اقتصادی پانگونه او یا تشکیل کیدای شی د یوی کورنی یا شرکت یا
فابریکی او یا هم سوداگریزی او اقتصادی موسسی په کچه مدیریت شی. په
دی ټولو ډولونو کی کاری او سوداگریزی ځانگیری او د مدیریت دندی یو

د دولتی مدیریت اهمیت

دی ، چی رمونډ ددی مقالی موضوع جوړوی.

دولتی مدیریت : د دولتی چارو اداره ډیره اوږده مخینه (سابقه) لری ، چی د
تمدن او دولت د مفهومونو له پیدایښت سره جوخت اړخ لږوی. گلادن (Gladden)
وایی : " د دولت له پیدایښت سره یو ډول اداری شتون درلوده.
ر هبر لومړی د ټولنی لیرد شونی کوی، سازمان ورکونکی یا رئیس هغه ته
دوام ورکوی او د چارو مدیریت د هر ټولنیز فعالیت منځگری او واسط دی.
وروستی ډیر مهم په نظر کی نه برینی ، ولی د ټولنی د پایښت او بقا اصلی
عامل دی." (۷ : ۲)

د دولتی مدیریت بیلابیل تعریفونه شویدی چی دلته یو شمیر یی د
بیلگی په ډول راوړو:

- دولتی مدیریت کیدای شی په یوی دولتی موسسی کی چی
بدلونونه په کی لږ او سیستم یی کوچنی دی په نظر کی ونیسو، دلته
دولتی مدیریت د یوه تکنیک په بڼه کی، لکه د سوداگری مدیریت په
پام کی نیول کیږی. دا د دولتی مدیریت ډیر کوچنی حد د تعریف
دی ، چی ددولتی مدیریت کوچنی سیستم (Sub System) هم ورته
ویل کیږی.

- دولتی مدیریت د یوه واحد دولتی سیستم په څیره کی په ټولنه
کی شتون لری. چی کاری ددغو سیستمونو همغری کول دی. په یوی
ټولنی کی د دولتی سیستمونو تر منځ د اړیکو له تنظیم سره ، دولتی
مدیریت یو بشپړ سیستم (System) کیږی.

- دولتی مدیریت د ټولنی د عمومی چارو د مدیریت مسوول
دی. خو د دولتی مدیریت تر څنگ، تعاونی او خصوصی برخی هم
شتون لری. دولتی مدیریت نه یوازی د دولتی برخی مسوول دی

بلکې، پرتعاونی او خصوصی برخو باندې هم بشپړه څارنه لری. په داسې حالت کې دولتي مدیریت یو لوی سیستم (Super System) جوړوی او لری یې پراخه ده.

- دولتي مدیریت ته کیدای شي د مدیریت حاکمیت نوم ورکړو. په اصولو کې د یوه ایالت یا ولایت حاکمیت تر دولت ځینی کوچنی

د دولتي مدیریت اهمیت

نن دولتونه د خلکو عمومي رضایت خپل کولو تر څنګ د اقتصادي ټولنيزې پراختیا دنده هم په غاړه لری. دولت د سیاستونو جوړولو په خوا کې له دولتي شرکتونو او موسسو څخه د پراختیا او عمومي سیاست لپاره ګټه اخلی. په پایله کې دولتي شرکتونه او موسسې د لویوالي له پلوه او د ترکیب له اړخه خورا وده کوی او ځانګړی ځای د هیوادونو د اقتصادي فعالیتونو په ساختار کې ځانته جوړوی.

په اوسني نړۍ کې په ځانګړي ډول د شلمې پېړۍ د پیل څخه تر نن پورې ، اداري بدلونونه د مدیریت په برخه کې لویه پیلامه ده ، چې پرمت یې د مدیریت د پوهې په محدودیتونو او ظرفیتونو او همدارنګه هغه لاری چاری چې د سازمانونو او په ټوله کې د اجتماعي سیستمونو مسلی په کې حل اولاس رسی ورته کیږی ، شونی کوی . په بله وینا د وخت په تیریدو سره مدیریت کې ډیر بدلونونه رامنځ ته شویدي. دغه بدلونونه تر ډیره بریده د ټولني د صنعتي څیړي بدلوني پوري تړاو مومي. یعنی د تکنالوژي اغيزي په افرادو ، د لو او سازمانونو باندې چې د مدیریت د علم پوهانو لپاره عادي مسله ده او تر یوه بریده پوري په سازمانونو کې د انساني اړیکو ژوروالي په وړاندې ، د انسان د پوهاوی کچې زیاتوالي څخه رامنځ ته شویدي ، خورا زیاتي دی. په پای کې دا ټول ددی لامل ګرځیدلي چې د نوی دولتي مدیریت زړی راوتوکیري او نښي نښاني یې راڅرګندی شي. دلته غواړم په نوی دولتي مدیریت باندې یو څه رڼایی واچوم .

نوی دولتي مدیریت :د نوی دولتي مدیریت زړی د شلمې پېړۍ له نیمایي څخه را په دی خوا راوتوکیري او د شلمې پېړۍ په وروستيو دوو لسيزو کې یې لمن پراخیري. نوی دولتي مدیریت د سنتي دولتي مدیریت د نیمګړتیاوی له

منځه وړولو په موخه رامنځ ته شوی او ورځ تر بلې پراختیا مومی او تراوسه پوری یی د دولتی ادارو په برخه کی پراخ بدلونونه رامنځ ته کړی دی. نوی دولتی مدیریت نه یوازی په پرمختللو هیوادونو کی لاره موندلی ده ، بلکی مخ په ودی هیوادونو کی یی هم نښی بر بندی شویدی.

د اداری دغه لړی له څلورو لویو پروسو سره یو ځای ده، چی هغه عبارت دی له ، " د کار کونکو د شمیر کم کول او لگښته نه لر کول ، د دولتی

د دولتی مدیریت اهمیت

خوا ته ، د اداری برخی انومانیک کی کونی لړی پراخول او د تولید، ویش د عمومی خدماتو په برخه کی ، د اطلاعاتی تکنالوژی څخه کار اخیستنه او حرکت د د اسی نوی مدیریت کارونی خوا ته چی هغه د ډیرو هیوادونو په دولتی برخه کی د گتی اخیستنی وړ وی. " (۸ : ۲)

دغه څلور پروسی له پنځو لاندی اصولو سره یوځای د نوی دولتی مدیریت فلسفه جوړوی:

1 - مدیریتی کونه (Managerialism) : په دولتی سازمانونو کی د سوداگری مدیریت اصولو کارونه.

2 - کوچنی کونه (Downsizing) : د دولت کچه او قلمرو رااندول.

3 - مرکزیت له منځه وړل (De Centralization) : د خدمت لاس ته راوړونکو ته د تصمیم نیولو قدرت لیردونه.

4 - دیوان سالاری له منځه وړنه* (De Bureaucratization) : د سازمان د نتایجو او لاس ته راوړنو او د کار سرته رسولو لارو ، قوانینو، مقررو، او داسی نورو... له مخی د دولت بیا رغونه.

۵- خصوصی کوونه (Privatization) : د دولتی برخی تصدی ډوله چاری پریښودل خصوصی برخی ته اود دولت تمرکز په لارښونه . " (۲۵۹:۳)

پورتتی اصول او عناصر یو پر بل تړلی دی ، تل هڅه دا ده تر څو د دولت د کړنو کچه راتیته او په څنگ کی یی یو شمیر ارزښتونه غښتلی شی لکه، د دولت اتباعو ته ځواب ورکول، د رویتوب کچه لوړیدل ، د دیوان سالاری ساختار نوی کیدل او کرنی یی زیاتیدل.

دولتی مدیریت وروسته له کال ۱۹۵۰ م څخه	دولتی مدیریت تر کال ۱۹۵۰ م
- علمی روش (تجربی)	- د آزمایش او خطا روش
- د بیلا بیلو هیوادونو په اداري روشونو کې ورته والی	- په بیلا بیلو هیوادونو کې د اداري روشونو توپیر والی
د دولتي مدیریت اهمیت	
والی	پلان نشتوالی
- له انسان او سازمان څخه ژور او خوځنده اخیستنه	- له سازمان او انسان څخه میخانیکي او ساده لوحانه اخیستنه
- بدلون (تغییر)	- ثبات
- د دولتونو رول د انسانانو (افراد) قدرت څخه پورته او د اقتصادي، اجتماعي، بد مختگ و سلب به توگه	- د موجوده وضع اود ځانگړو قشرونو او طبقو د گټو ساتندو، به توگه د دولت رول
د دولتي مدیریت اهمیت	
توگه او "انسان"	موجود په توگه
- د سازمان جوړښت (ساختار) بدلیدونکي او مسطح	- د لور او ثابت سازمان ساختار
- غیر مرکزی	- تمرکز
- اقتضایي (وضیعتي) اداري نموني	- د اداري ثابت او قطعي نمونوي مدلونه
- مدیریت او ډله بیزه رهبري	- مدیریت او فردي رهبري
- د سازمان او کارکونکو موخي	- د سازمان موخي
- ژوندي مدل	- ماشيني مدل
- سیستمي لید	- دوه گوني لید
- گټور	- سود
- کنترول، نظم او انضباط	- کنترول، بهرني نظم او انضباط
- مشارکتی مدیریت	- فردي مدیریت

د فرد مطابقت له سازمان سره	- د فرد مطابقت له سازمان سره
- د انساني سازمانونو مطالعه	- د سازمان مطالعه پرته له انسان څخه

دا چې په ټوله کې دولتي مدیریت واضح شو، اوس غواړم چې دولتي

د دولتي مدیریت اهمیت

په افغانستان کې دولتي مدیریت:

دولتونه د قدرت او ځواک د منبع په توګه او دا چې له طبقو څخه پورته د اجتماعي ګډو ارزښتونو ساتندویه او د ټولنيز اقتصادي پرمختګ مسوول دی ، په ټولو هیوادونو کې له هغه جملې څخه زموږ په هیواد کې شتون لري. زموږ هیواد کې دولت او دولتي سازمانونه تر هر وخت ځینی زیات او مخ په زیاتیدو رول په غاړه لري . په پرنسپ کې دولت غواړي چې د کار کچه یی راتیټه او ورسره جوخت د دندو کیفیت یی لوړ او زیات شی . ولی په عمل کې د هیواد دولتي مدیریت په ډیر عنعنوی شکل سره له کالونو کالونو را په دی خوا پر مخ بیول کیری . په پایله کې دولت نا انډوله او د ټولنی د اړتیاوو په پرتله نا مناسب تشکیل لا تراوسه لري . سربیره بیروکراتیکه اداره په داسی ډول په دولتي اړوند ه ارګانونو کې کاری ننوتته (تداخل) لري چې نشی کولای د خلکو ستونزی په خپل وخت او په سمه توګه حل کړی او هیواد د پرمختګ په لور لارښوونه کړی .

د هیواد اداری سیستم مرکزی دی، ولی په دغه مرکزی سیستم کې روابط پر ضوابطو داسی واکمن شویدی چې د اداری او مدیریت ډیره غوره اصل ، چې " کار اهل د کار ته سپارل دی " په ټوله کې له پامه غورځول شوی او د ستونزو په کچه کې یی زیاتوالی رامنځ ته کړی او په پای کې چاری په سمه توګه نه تر سره کیری . په همدی ډول اقتصادي، اجتماعي، سیاسي ، او کلتوري چارو کې د همغږی نه شتون بله ستونزه ده چې د دولتي مدیریت په وړاندی پرته ده.

په همدی ډول په هیواد کې د ګمارنی (استخدام) لپاره له څو ډوله سیستمونو څخه کار اخیستل کیری ، چې هغه له انتصاب څخه نیولی بیا تر

سیالی (رقابتي) سیستم پوری دی . وروستی سیستم په تیره لسيزه کی رامنځ ته شوی او د یوه کمیسیون له لاری چاری یی سنبالیری . دغه کمیسیون د " اداري اصلاحاتو او ملکی خدمتونو کمیسیون " په نامه یادیری چی ځانله اصول او د گمارنی سیستم لری . په دی سیستم کی چی د واز (خلاص) سیستم په نامه یادیری ، ظرفیت لرونکی کسان کولای شی په هر ځای کی

د دولتي مدیریت اهمیت

بحث نه غزوو . په هیواد کی د گمارنی د څو ډوله سیستمونو شتون د دی سبب شوی چی هر ارگان ځانله د گمارنی ، د موقف ټاکلو او معاش لپاره ځانگړی معیارونه ولری . کله چی کارکوونکی د کار په ډگر کی سره یو ځای کیږی بیا نو تفاوتونه رامنځ ته کیږی، دهمغزی ځای تقابل اود فرصت ځای ننگونه نیسی. (۵: ۱۶۲)

په دولتي اداره کی د فساد شتون بله هغه ننگونه ده چی دولت او هیواد یی له گواښ سره مخ کړی دی . په پای کی دا ټولی ستونزی د " دولتي مدیریت " په خاصه توگه " د نوی دولتي مدیریت " په وړاندی ننگونه او ان یو گواښ بلل کیږی ، چی له امله یی د هیوادوالو ربری او کړاوونه له یوی ورځی تر بلی پوری زیاتی او د پرمختگ له کاروان څخه بیرته پاتی کړی دی.

پایله:

څرنگه چی وویل شو نننی نړی د سازمانونو نړی ده ، ټولی چاری د سازمانونو په واسطه ترسره کیږی . انسان د خپل ژوند د اوږدی تجربی له مخی، سازمانونه د دی لپاره چی ټولنیزی اړتیاوی یی پوره شی د مهمو او اغیزمنو وسیلو په توگه رامنځ ته کړی دی . له همدی امله څومره چی انسانی ، اجتماعی ، مادی ، او روانی انفرادی اړتیاوی د کمیت او ډول له پلوه زیاتیری په هماغه کچه د بیلابیلو ډول ډول سازمانونو شتون ته لیدل کیږی.

د اصولو له مخی د علمی تشکیل په جوړښت کی ، د دندو سیستم ، د دندو طبقه بندی ، دصلاحیتونو او مسوولیتونوټاکل ، دتشکیلاتی واحدونو ترمنځ اړیکی ، دبستونو صنف بندی ، د منابعو تدارک ، دتشکیل ډول او دکارکوونکو د دندو ډول او کچه معلومول شامل دی ، چی زمونږ په هیواد کی ډیر لږ تر سترگو کیږی .سربیره د هیواد تشکیلاتی او اداري سیستم له یو

لږنورو ستونزو سره هم مخ دی . لکه ، د دندو په ویش کې د تعادل نشتوالی ، د ټولنی د اړتیاوو په پام کې نیولو څخه پرته د یوه تشکیل رامنځ ته کول ، د تخصص اصل ته غاړه نه ایښودل ، د دندو تکرار ، تشکیلاتی تورم ، د کار کوونکو تر منځ د حسنه اړیکو د شتون کمزورتیا ، بودجوی مناسب تخصیص ټاکنی کمزورتیا ، د دندو دځانگړو لایحو کمښت . د تشکیل په جوړونه کې سیاسي غوښتنې او هدفونه پوره کول او د اشخاصو لپاره د

د دولتي مدیریت اهمیت

مدیریت په وړاندی پرتی دی .

په همدی ډول په اوسنی شرایطو کې د هیوادنی چارو پر مخ بیولو لپاره د (۳۴) ولایتونو ، (۳۶۴) ولسوالیو او (۴۵) وزارتونو او مستقلو ادارو شتون ته اړتیا نه شته، د هیواد عایداتو ته په کتو اود چارو بڼه سنبالتیا لپاره یوازی یوه کوچنی اغیزمن او گټور تشکیلاتی جوړښت ته اړتیا ده . په ټوله کی اړینه خبره داده چی د هیواد د انسانی منابعو په بڼه شان مدیریت وشي. او د نوی دولتی مدیریت د اصولو او غوښتنو پلی کیدنی لری پیل شی.

وړاندیزونه

۱- د دی لپاره چی ټولنه خپل نورمال لوری پیدا کړی ، اړینه ده چی په ټولو هیوادنی چارو کی له اقتصادی ، ټولنیزی او سیاسی چارو څخه نیولی بیا تر کلتوری پوری همغږی رامنځ ته شی اود پرمختگ لپاره اړینه ستراتیژی جوړه شی .

۲- دولتی تشکیل باید د هیواد د اړتیاوو په پام کی نیولوسره عیار شی او له تشکیلاتی تورم څخه مخنوی وشي .

۳- په ټول دولتی نظام کی ، اداری غوره اصل چی ، کار باید اهل د کار ته وسپارل شی په کلکه مراعات شی .

۴- قانون ته درناوی اود قانونیت رامنځ ته کیدنه د ټولنی په ټولو برخو کی پلی شی .

۵- د دیوان سالاری نظام ته چی پراخه بیروکراسی په کی مسلط ده د پای ټکی کینودل شی اود بی ځایه لگښت او وخت ضایع کیدو څخه مخنوی وشي او په پای کی د نوی دولتی مدیریت زری وکرل شی او د ودی او پراخوالی لپاره بی اغیزمن کار وشي .

اخلاکونه او منابع

1. احمدزی ، ببرک، تیوری های رهبری و مدیریت علمی ، کابل ، انتشارات پامیر، ۱۳۹۱.
2. ستانکزی ، محمد ناصر، سیستم اداری و تشکیلاتی افغانستان معاصر، کابل، انتشارات سعید، ۱۳۹۲.

د دولتي مدیریت اهمیت

4. یعقوبی، نورمحمد، مدیریت دولتی (سیر اندیشه های نوین) ، تهران ، سمت ، ۱۳۹۳.
5. عباسزاده ، میر محمد سید ، مسایلی در مدیریت دولتی ایران ، تهران ، انتشارات دانشگاه ارومیه ، ۱۳۷۸ .
6. محمدی ، سخی ، اداره عامه ، کابل، انتشارات عرفان ، ۱۳۹۱.
7. قاسم زاده ، داود ، کارشناس ارشد مدیریت دولتی ، تشکیلات و روش ، davod19 blogfa.com
8. مظاهری راد ، حمید ، مبانی مدیریت دولتی ، ۱۳۸۹.

9<http://m-dolti.mihanblog.com/post>

*دیوان سالاری ،نظام حکومتی که در آن مقررات اداری و اصول سلسله مراتب به سختی و در حد افراط رعایت می شود(بیروکراسی) . فرهنگ فارسی صفحه ۱۰۳۱ غلام حسین صدری افشار و ...دانشگاه تهران ، ۱۳۹۱ .

د دولتی مدیریت او نوی دولتی مدیریت ترمنخ خانگیری په پرتله یز دول په لاندی دول بنودلای شو: (۵ : ۱۲)

پوهنیار شمس الدین نیازی

اهمیت روش تحقیق تاریخی در علوم تربیتی

The Significance of Historical Research Method in Educational Sciences

خلاصه

تحقیق تاریخی، به طور خاص، عبارت از روش منظم توصیفی، تجزیه و تحلیل و تفسیر گذشته براساس اطلاعات مبتنی بر منابع انتخاب شده را مورد مطالعه و بررسی قرار میدهد. تحقیق تاریخی از اینرو تحلیلی پذیرفته می شود که در آن تحقیق کننده گان قیاس منطقی را بکار می گیرند. اگرچه ممکن است در تحقیق تاریخی از روش های کمی استفاده شود و در حقیقت، تحقیق تاریخی، به طور کلی این تحقیق غالباً کیفی قبول شده است.

در این تحقیق بحث از مقدمه در باره روش تحقیق تاریخی، هدف تحقیق، روش تحقیق، اهمیت و ضرورت تحقیق، ارزش تحقیق تاریخی، منابع اطلاعاتی در تحقیق تاریخی، روش شناسی

تحقیق تاریخی، روش های کمی در تحقیق تاریخی، گزارش نویسی در تحقیق تاریخی،

اهمیت روش تحقیق تاریخی در...

منابع مآخذ می باشد.

به طور کلی مراحل روش تحقیق تاریخی به چهار مرحله تقسیم شده است، که عبارت اند از:

اولین مرحله شناسایی مسأله تحقیقی است که آغاز متداول برای هر تحقیق محسوب می شود. دومین و سومین مرحله عبارت است از جمع آوری و ارزیابی اطلاعات منابع و ترکیب این اطلاعات به صورت منظم. این مراحل کاملاً به یکدیگر وابسته است و ممکن است تداوم از نوشته و بازنگری فرضیه ها را شامل شود. مرحله نهایی عبارت است از تجزیه و تحلیل و تفسیر و نوشته نتایج تحقیق.

کلید واژه ها:

Historical Research: تحقیق تاریخی روش منظم جستجو برای واقعیت ها و سپس استفاده از اطلاعات برای توصیف، تحلیل و تفسیر گذشته است.

Method: راه و طریقه انجام دادن هر کاری را روش گویند.

Qualitative Research: تحقیق کیفی درک پدیده های اجتماعی است.

مقدمه

دانشمندان و علمای تعلیم و تربیه امروزی تحقیق را به صورت عموم به دو دسته کیفی و کمی (Qualitative and Quantitative) تقسیم می کنند. تحقیق های کیفی را نیز به دو دسته تقسیم

می کنند، که عبارت از تحقیق ساحوی و تاریخی (Field Research and Historical Research) می باشد. تحقیق های کمی هم را به سه دسته تقسیم می کنند، که عبارت از تحقیق آزمایشی (Experimental Research)، شبه آزمایشی

اهمیت روش تحقیق تاریخی در...

تحقیق کننده گان کمی بیشتر از تحقیق کننده گان کیفی به شیوه های استاندارد تحقیق و طرح های از پیش تعیین شده علاقمندی دارند. تحقیق کننده گان کیفی در تحقیق انعطاف پذیرتر اند. در تحقیق کیفی نسبت به تحقیق کمی از روش های بیشتر استفاده می شود. تحقیق کمی نسبت به تحقیق کیفی دارای طرح های فهرست وار بیشتری است. طبق نظر دانشمندان بنام های مک میلان و شوماخر (1989) واضح ترین فرق این دو نوع تحقیق برای خواننده شکل ارایه داده هاست. تحقیق کمی بیشتر بر نتایج آماری ارایه شده به وسیله اعداد تکیه دارد؛ در حال که در تحقیق کیفی بر توصیف های روایتی و تشریحی تأکید بسیار می شود. فرق اصلی بین تحقیق های کیفی و کمی تفاوت در هدف آنهاست. هدف از تحقیق های کیفی درک پدیده های اجتماعی است. تحقیق کمی برای تعیین روابط، علت ها و معلول ها انجام می شود. در این جا باید یاد آور شویم، سه نوع دیگر تحقیق های تربیتی نیز وجود دارد که عبارت از: تحقیق ارزیابی (Evaluation Research)، اقدام تحقیق (Action Research)، و تحقیق علی-

مقایسه ای (Ex-post facto). این تحقیق ها از نظر درجات کیفی و کمی با هم متفاوت است. این سه نوع تحقیق نه تنها بر درجات کیفی و کمی آنها بحث صورت می گیرد، بلکه بر کاربردهای عملی آنها در تعلیم و تربیت امروز تأکید می شود. در همین مقاله در مورد تحقیق تاریخی که یک نوع از تحقیق کیفی است، بحث صورت می گیرد.

«تحقیق تاریخی» روش منظم جستجو برای

اهمیت روش تحقیق تاریخی در...

توصیف، تحلیل و تفسیر گذشته است.

تحقیق تاریخی با رویدادهای گذشته و بیشتر با رویدادهای سرکار دارد که در موقعیت های طبیعی اتفاق افتاده است، نی در موقعیت های طرح ریزی شده. در تفسیر رویدادها باید شرایط آنها مورد تأکید قرار گیرد. تفسیر در تحقیق تاریخی اهمیت خاص دارد؛ زیرا رویدادها پیش از اتخاذ تصمیم برای بررسی آنها اتفاق افتاده اند. هنگام بدست آوردن اسناد نیز، مانند هنگام که داستان برای روز نامه نوشته می شود تفسیر دخالت دارد. و هنگام که محقق از اسناد تهیه شده استفاده می کند، مجدداً به تفسیر می پردازد. تحقیق کننده تاریخی هنگام جستجو در اسناد و دیگر منابع، داده ها را کشف می کند. این روش برخلاف تحقیق آزمایشی است که در آن محقق خود داده ها را ایجاد می کند.

ارزش تحقیق تاریخی

تحقیق تاریخی با موارد سروکار دارد که زمان آن گذشته است، پس چرا باید آن را انجام داد؟ دلیل این امر آن است که تحقیق تاریخی به دلایل متعددی در تعلیم و تربیت مفید است. برای مثال، تحقق درباره

اهمیت روش تحقیق تاریخی در...

آموزشی در دهه قبل و دلایل و هدف های تغییر نظام از جمله تحقیقات تاریخی است. این نوع تحقیق فراهم آورنده دیدگاه در زمینه تصمیم گیری های مربوط به مسایل تربیتی است و در درک این که چرا شرایط چنین است ما را یاری میدهد. بازنگری های تربیتی و حتی اجتماعی بیشتر محصول تحقیقات تاریخی است. با شناسایی دیدگاه تاریخی، موضوعات بهتر درک می شود و احتمالاً میتوان بهتر با آنها یکجا پروسه را تعقیب کرد. تحقیق تاریخی در پیش بینی روند های آینده نیز ممکن است مفید

اهمیت روش تحقیق تاریخی در...

با سبب آن تاریخی است که سروکار با شان تکرار آن اشتباهات است؛ بنابراین، با تحقیق تاریخی میتوان اطلاعات لازم برای اجتناب از اشتباهات گذشته بدست آورد.

دانشمند به نام گراهام (Graham) تأثیر تحقیق تاریخی در روش خط مشی سازی (Policy Making) را مورد بحث قرار داده است. خط مشی سازی اصولاً با دو سؤال سروکار دارد: «اقدام درست چیست؟» و «چه اقدام مؤثر واقع خواهد شد؟». جواب به این سؤالات یعنی نوشتن خط مشی- بیشتر از طریق نوع قضاوت و با این امید که تصمیم درست گرفته شود انجام می

گیرد. گراهام چنین نتیجه می‌گیرد: «من
براین باورم که تاریخ بیش از هر رشته علمی
و تحصیلی، اگرچه به صورت نسبی، سهم
ارزشمندی در پیشرفت داشته است. من براین
باورم که سهم تاریخ دو جنبه دارد. دیدگاهی
و پیش‌گیری» (3: 21-22).

تحقیق تاریخی در تعلیم و تربیت ما را
قادر می‌سازد تا واقعیت‌های تربیتی گذشته
را درک کنیم. دانشمندان کایستل این نقش
را «مزیت عظیم تاریخچه کمی تعلیم و تربیت»
قبول کرده است. توصیف تاریخی به ما در درک
موارد مانند عرضه و تقاضای معلمان، نقش
مکتب در اجتماع و اثر مکتب در فرد کمک می
کند. میتوان شیوه‌های رایج و اثر رهبران
تعلیم و تربیت زمان مورد نظر را باهم
مقایسه کرد. با این شیوه توصیف‌های تاریخی
ارزشمند تر می‌شود (3: 21-22).

منابع اطلاعات در تحقیق تاریخی

از آنجا که تحقیق تاریخی مستلزم ارزیابی
انتقادی و تفسیر بخش تعریف شده از گذشته
است، جمع‌آوری برخی سوابق دوران مورد
بررسی ضرورت می‌یابد. متداول‌ترین منبع
اطلاعات برخی اسناد نوشته شده قدیمی است؛
مانند کتاب‌ها، روزنامه‌ها، مجلات، دفاتر
خاطرات، یادداشت‌ها و نامه‌ها و گزارش
جلسات سازمان؛ بنابراین، صرفاً این اسناد
منابع اطلاعات نیستند، بلکه آثار و اشیاء
باقی مانده از گذشته نیز منابع احتمالی
دیگر شمرده می‌شوند. اطلاعات ممکن است از
طریق رسانه‌ها مانند سرودها و افسانه‌های

محلی، به صورت شفاهی انتقال یابد، و همچنین تصاویر، کست ها و دیگر رسانه های سمعی و بصری را نیز میتوان به منزله منابع اطلاعات گذشته مورد استفاده قرار داد.

هنگام تحقیق در باره تاریخ معاصر ممکن است با افراد که خود در بعضی رویدادها حاضر بوده و مشارکت داشته اند مصاحبه شود؛ برای مثال، تحقیق درباره اقدامات وزارت تعلیم و تربیه در زمینه تغییر نظام آموزشی در افغانستان در دهه قبل و دلایل و هدف های تغییر نظام از جمله تحقیقات تاریخی است که می توان در آن با افرادی که در زمان مورد نظر حضور داشته اند در مورد تجربیات شان مصاحبه کرد.

منابع اطلاعات تاریخی را معمولاً به دو دسته منابع اولیه و ثانویه تقسیم می کنند؛ **(Primary Source)** «منبع اولیه» عبارت از گزارش اصیل یا دست اول از یک رویداد یا تجربه است. «منبع ثانوی» **(Secondary Source)** گزارش از یک رویداد است که حداقل با یک واسطه بازگو شده است؛ برای مثال، صورت جلسه دادگاهی از یک محاکمه مثال است از منبع اولیه درباره بررسی شیوه محاکمات در گذشته؛ در حال که سرمقاله روزنامه در مورد مسأله مذکور منبع ثانوی به شمار میرود؛ برای مثال، کلیفورد **(Clifford, 1978)** در تحقیق در ضمن موارد دیگر، روابط بین معلمان و اعضای جامعه امریکا در قرن نوزدهم را بررسی کرد. او در این تحقیق از گزارش های معلمان در مورد زندگی با خانواده ها در آن زمان استفاده کرد. این

گزارش‌ها منابع اولیه شمرده می‌شود؛ در

اهمیت روش تحقیق تاریخی در...

دیویی (Dewey) منابع اولیه عقاید وی است، در حال که تفسیر شادگردانش از او منبع ثانویه شمرده خواهد شد.

«منابع اولیه» گزارش‌های دست‌اول از رویدادها یا تجربیات مورد بررسی است. «منابع ثانویه» گزارش‌های است که حداقل با یک واسطه از رویداد یا تجربه نقل شده است (2: 65).

روش‌شناسی تحقیق تاریخی:

دانشمند بنام ادسون (Edson) بدین نتیجه رسید که «روش واحد و تعریف شده برای تحقیقات تاریخی وجود ندارد» (7: 246). این نتیجه واقعیت دارد؛ زیرا رویکرد هر تحقیق‌کننده با دیگری متفاوت است. یک تعداد از افراد اطلاعات تاریخی را تا آنجا جمع‌آوری می‌کنند که به نظر می‌رسد، همه منابع به پایان رسیده است. آنگاه به سازمان‌دهی و تفسیر یادداشت‌های جمع‌آوری شده می‌پردازند. برخی دیگر در یک دوره «جستجو و نوشتن» از دو یا چند دیدگاه به موضوع مورد بررسی توجه می‌کنند. در هر یک از این شیوه‌ها نیز روش‌های بیشتر وجود دارد. تحقیق تاریخی تقریباً فرایندی کل‌نگر است که در آن بین فعالیت‌ها نقاط مشترک بسیار وجود دارد؛ برای مثال، نه تنها در خلال فرایند و هنگام قضاوت‌های ارزشی، سندیت منابع تفسیر

می شود، بلکه هنگام تصمیم گیری در باره مناسب بودن منابع نیز تفسیر صورت می گیرد. به هر صورت، برای درک بهتر روش تحقیق تاریخی، توصیف روش شناختی آن در چهار مرحله مفید خواهد بود. باید در نظر داشت که مراحل ممکن است نقاط مشترک زیادی با یکدیگر داشته باشند و اگرچه میتوان این

اهمیت روش تحقیق تاریخی در...

تاریخی باهم انجام میشوند.

اولین مرحله شناسایی مسأله تحقیقی است که آغاز متداول برای هر تحقیق شمرده می شود. دومین و سومین مرحله عبارت است از جمع آوری و ارزیابی اطلاعات منابع و ترکیب این اطلاعات به صورت منظم. این مراحل کاملاً به یکدیگر وابسته است و ممکن است تداومی از نوشته و بازنگری فرضیه ها را شامل شود مرحله نهایی عبارت است از تجزیه و تحلیل و تفسیر و نوشتن نتایج تحقیق می باشد (7): (246).

شناسایی مسأله تحقیق:

بیان مسأله تحقیقی میتواند چنان باشد که سؤالات با فرضیه ها همگام با مسأله تحقیق نوشته شود. اگر فرضیه ها نوشته شود، میتوان آنها را پاسخ های به سؤالات ضمنی (یا صریح) پذیرفته شود، یا این که مسأله تحقیقی را هدف تحقیق ذکر نمود و آن را بدون هر گونه فرضیه یا سؤالات واضح بیان کرد. مثال از مورد اخیر تحقیق است که دانشمندان بنام های لوین و های (Lewin and Hui) (1989) تحت عنوان «انقلاب فکری: عکس

العمل های آنرا بر اصلاحات تعلیم و تربیه سال 1989 چین» انجام دادند. هدف از این تحقیق بررسی رویدادهای تاریخی معاصر برای درک بهتر موقعیت های آموزشی زمان حال بود. این هدف به طور واضح در اولین پاراگراف گزارش آمده است.

هدف آن مقاله روشن کردن و ایجاد بینش در مورد اصلاحات تعلیم و تربیه است که در نتیجه تغییر شرایط در کشور چین بوجود آمده بود. این کار از طریق بحث در باره شرایط که در

اهمیت روش تحقیق تاریخی در...

اعلام اصلاحات آموزشی منجر شد، بیان خلاصه از جنبه های اساسی این اصلاحات، تجزیه و تحلیل انتقادی از آثار این اصلاحات در نظام مکتب، آموزش عالی و معلمان انجام شد.

در این تحقیق هیچ سؤال یا فرضیه بکار برده نشده است؛ ولی بیان مسأله بر چند سؤال دلالت می کند که از آن میان موارد زیر را میتوان بیان کرد:

دلایل اصلاحات تعلیم و تربیه سال 1985 چه بود؟

اصلاحات تعلیم و تربیه شامل چه موارد بود؟ وضعیت اجتماعی در زمان این اصلاحات چگونه بود؟

اثر این اصلاحات در نظام مکتب کشور چین چه بود؟

هنگامی که در تحقیق تاریخی فرضیه ها بیان می شود، اگرچه میتوان از اطلاعات آمار گذشته برای تأیید یا رد آنها استفاده کرد، معمولاً بیان آنها به شکل آماری نیست، بلکه

در این نوع تحقیق فرضیه‌ها حدسیات در باره خصوصیات، دلایل یا آثار موقعیت، موضوع یا پدیده‌های مورد بررسی است.

فرض کنید تحقیق در مورد کاهش برنامه‌های درسی علوم انسانی در خلال قرن‌های هفدهم و هجدهم در حال انجام است. بدون شک چنین کاهش به دلیل مجموعه‌ای از عوامل است. فرضیه اول ممکن چنین باشد: افزایش افراد عام و زبان عامیانه در حین انقلاب صنعتی اهمیت دانش انسانی را به منزله شاهره‌ای به سوی فرهنگ کم ساخت. فرضیه دوم ممکن است چنین باشد که پیشرفت‌های علوم برنامه‌های درسی را به طور نامطلوب تحت تأثیر قرار داد و این امر در علوم انسانی تعیین‌کننده بود.

باید توجه داشت که این فرضیه‌ها براساس واقعیت‌ها قرار دارد. یعنی برنامه‌های علوم انسانی در این دوره کاهش یافت. اگر چنین پیش‌فرض درست نباشد، فرضیه هیچ‌اساس نخواهد داشت. پس از این که تحقیق‌کننده پیش‌فرض‌های لازم (واقعیت‌ها) را مشخص و فرضیه‌ها را بیان کرد می‌تواند برای رد یا تأیید آنها به پیوند اطلاعات لازم بپردازد.

در مثال قبل، تحقیق‌کننده هنگام بررسی فرضیه اول به افزایش استفاده از زبان‌های محلی در مورد برنامه‌های درسی آن دوره توجه خواهد کرد. تغییرات متفاوت که در آن دوره به وجود آمد و روابط بین این تغییرات و دانش انسانی ممکن است مورد بررسی قرار گیرد. فرضیه براساس شواهد تأیید یا رد می‌شود.

مثال دیگر بررسی تحولات تاریخی تربیه معلم بخصوص در مورد مدیران مکتب های متوسطه کشور است. بی تردید در این بررسی چند فرضیه وجود خواهد داشت. یکی از این فرضیه ها ممکن است چنین باشد که گسترش پوهنجی های تربیه معلم نتیجه رشد معلمین عادی بود که اصولاً پوهنتون ها و پوهنجی ها قادر به تربیت معلمان به تعداد کافی برای آنها نبودند. آنگاه تحقیق کننده شواهد موجود درباره عوامل احتمالی مؤثر را گسترش پوهنجی های تربیه معلم را جمع آوری می کند. در مورد عرضه و تقاضای معلمان متوسطه و چگونگی ارتباط آن با تعداد معلمان تربیت شده در پوهنجی ها و پوهنتون ها نیز لازم است اطلاعات کسب شود (4: 7-8).

جمع آوری و ارزیابی اطلاعات منابع تحقیقی

جمع آوری اطلاعات تحقیقی از منابع صرفاً پیوند دادن همه اسناد موجود را که به نظر میرسد به مسأله تحقیقی مرتبط است شامل نمی شود. قاعده اساسی در تحقیقات تاریخی استفاده از منابع اولیه در هر زمان است که دسترسی به آنها ممکن باشد. تحقیق کننده باید تصمیم بگیرد که کدام اسناد اهله است

اهمیت روش تحقیق تاریخی در...

منابع است.

انتقاد بیرونی: مواد تحقیقی باید در معرض «انتقاد بیرونی» (External Criticism) قرار گیرند که وسیله است برای تعیین اعتبار آن اسناد. سؤال که باید جواب داده شود این است: آیا

سند اصیل و موثق است و چگونه به نظر میرسد؟

«انتقاد بیرونی» در تحقیق تاریخی اعتبار سند را ارزیابی می کند؛ یعنی تعیین می کند این سند در کجا، چه زمانی و بوسیله چه کسی تهیه و نوشته شده است.

تعیین اعتبار مواد تحقیقی شامل چند عامل احتمالی است که هر کدام از آنها ممکن است اسناد را اعتبار بخشند. درمورد مواد نوشته شده مقام و موقعیت نویسنده در رویداد و واقعه مورد نظر دارای اهمیت است. آیا نویسنده در وضعیت بوده است که از واقعه گزارش درست تهیه کند؟ اگر سند منبع اولیه به نظر میرسد، آیا نویسنده مشاهده گر مستقیم و بی واسطه بوده است؟ آیا عوامل مانند زمان و مکان با آنچه از رویداد میدانیم هماهنگ است؟

چون استفاده از نوشته های نویسنده گان ناشناس امری متداول است، ممکن است سند که نتیجه مشاهده مستقیم مشاهده کننده به نظر میرسد، در حقیقت منبع ثانویه باشد. نویسنده گان ناشناس ممکن است به طور غیر عمدی اعتبار اسناد را تهدید کنند. احتمال خطاهای غیر عمدی دیگر نیز وجود دارد. ممکن است اصطلاح اشتباه ترجمه شده یا در نوشتن یا تایپ اسناد اشتباه رخ داده باشد. گاه در مورد مواد تحقیقی که پیش از اختراع چاپ تهیه شده است، اشتباهات ناشی از باز نویسی و تکثیر آنها مشاهده می شود. اختراع چاپ،

امکان بروز چنین اشتباه ها را دور نکرده، ولی احتمال آنها را کاهش داده است.

انتقاد درونی: بخش دوم ارزیابی انتقادی «انتقاد درونی» (Internal Criticism) است که معنای مطالب تحقیقی را با توجه به میزان قابلیت اعتماد به آنها تعیین می کند. ممکن

اهمیت روش تحقیق تاریخی در...

وجوه مسترب وجود داشته باشد، ولی تفاوت تأکید این دو از خود مواد تحقیقی به منزله یک منبع به محتوای مواد تغییر می یابد. انتقاد بیرونی تا اندازه از نظر تسلسل از انتقاد درونی پیش بینی می کند؛ زیرا در صورت که سندیت مواد تحقیقی مورد تردید باشد، توجه به محتوای آن اهمیت چندانی نخواهد داشت. به هر صورت، به انتقاد بیرونی که مربوط به نویسنده سند به ظاهر تاریخی است توجه کنید. در تعیین مقام و موقعیت نویسنده، ممکن است ارزیابی محتوا نیز بسیار ضروری باشد. این عمل اساساً انتقاد درونی است.

«انتقاد درونی» در تحقیق تاریخی معنا، صحت و قابلیت اعتماد محتوای اسناد را ارزیابی می کند.

نویسنده عامل مهم در ارزیابی محتوا و همچنین تعیین قابلیت اعتماد سند شمرده می شود. سؤال مناسبی در انتقاد درونی این است که آیا ممکن است نویسنده به دلیل موقعیت یا عوامل دیگر به جای گزارش عینی از رویداد گزارش سوگیری شده ارائه دهد. شرح حال ها و زندگی نامه های شخص ممکن است

تأکید شان از رویداد به شخص مربوط شود. ممکن است نویسنده به دلیل برخی عوامل شخصی مطالب جعلی به گزارش افزوده باشد. نویسنده که مخالف یک خط مشی تربیتی است ممکن است به عوامل دیگری آنچه در آن زمان در موافقت با آن خط مشی مطرح است بپردازد؛ بنابراین، به دلیل این نوع موقعیت ها، مقام یا وضعیت نویسنده در اطلاق معنی به محتوای گزارش بسیار حایز اهمیت است. در انتقاد درونی تحلیل روش و توانایی نویسنده دارای اهمیت است. آیا نویسنده به زیبا سازی جملات اش از طریق عبارات فصاحت و فریبنده علاقمندی دارد؟ آیا نوشته به جای

اهمیت روش تحقیق تاریخی در...

مورد تمثیلی بودن یا واقعی بودن نوشته ها سؤال برای تحقیق کننده ایجاد شود، باید بتواند این دو را از هم تفکیک کند. آیا نویسنده بشدت تحت تأثیر اسناد همان زمان که اکنون نیز موجود است قرار دارد؟ در این صورت، آیا اسناد شامل بیان عینی از واقعیت هاست، یا این که تفسیر های خود نویسنده در نوشته هایش آورده شده است؟ مورد اخیر بسیار اتفاق می افتد. تحقیق کننده باید گزارش نویسنده را از نظر همسانی با منابع قدیم تر مقایسه کند. همچنین این روش باید بتواند بین وقایع و تفسیرها فرق قایل شود. توجه به دقت و صحت اساس انتقاد درونی (و نیز بیرونی) است. در مورد دقت نویسنده معینی و صحت گفته های وی دو سؤال مطرح

است: آیا نویسنده صلاحیت ارائه گزارش دقیق را داشته است؟ اگر چنین است آیا او به انجام دادن چنین کاری تمایل داشته است؟ گزارش دهنده شایسته ممکن است به دلایل گزارش تغییر و تبدیل شده را از وقایع ارائه دهد؛ پس در بررسی کارهای چند نویسنده ممکن است برخی ناهمسانی ها حتی در مورد عامل مانند تاریخ رویداد خاص ملاحظه شود. در چنین موارد تحقیق کننده باید شواهد را ارزیابی کند و تصمیم بگیرد که کدام گزارش دقت بیشتر دارد.

گاهی ممکن است سند واحد و حتی منبع اولیه به تنهایی کافی باشد. انتقاد درونی باید بررسی های مفصل مقایسه اسناد بی شمار را در برگیرد. اگر موارد معینی از یک گزارش حذف شده باشد، نباید چنین تفسیر شود که نویسنده از آن آگاهی نداشته یا این که اصولاً چنین وقایع اتفاق نی افتاده است. هر سند باید با توجه به وضعیت زمان خود یعنی با در نظر گرفتن اسنادی که پیش از آن وجود داشته و نه براساس اسناد پس از آن دوره ارزیابی شود. اگر چند منبع دارای اشتباهات یکسان باشد، احتمالاً همه آنها از منبع واحد نشأت گرفته اند. اگر دو منبع متضاد یکدیگر باشند، به طور قبول یکی از آنها اشتباه است؛ ولی این احتمال نیز وجود دارد که هر دو اشتباه باشند. تردید نسبت به یک گزارش آشکار اعتماد بر گزارش دیگر نیست. سند معین ممکن است از برخی جهات مسأله تحقیقی

ارزشمند باشد و به طور کلی از دیگر جهات غیر مفید تشخیص داده شود.

هر دو انتقاد درونی و بیرونی در تعیین اعتبار و مفید بودن منبع ضروری است. اگر منبع مورد اعتماد نباشد، نمی توان از آن استفاده کرد. حتی اگر قابل اعتماد نیز باشد، اگر محتوای آن به مسأله تحقیقی مربوط نباشد، بی فایده خواهد بود (5: 249-251).

ترکیب اطلاعات:

انتقاد درونی به مرحله سوم روش شناختی یعنی ترکیب اطلاعات انتقال می یابد. اکنون مواد تحقیقی بررسی شده و قابلیت اعتماد بر آنها، حد اقل در حد رضایت محقق، مشخص گردیده است و باید ارزش نسبی منابع مختلف مورد توجه قرار گیرد؛ برای مثال ممکن است منبع اولیه از منبع ثانویه مهمتر قبول شود. اگر گزارش ها ضد و نقیض باشد باید ناهمسانی آنها رفع شود که مستلزم گسترش یک زمینه بررسی برای رد یکی از نظرهاست.

اندیشه ها یا مفاهیم اصلی باید یکسان باشد و تداوم و ارتباط بین آنها بیان گردد. اگر در تحقیق دوره طولانی از زمان، برای مثال چندین سال، مورد نظر است، میتوان اندیشه ها و موارد را به صورت زمانی بکار برد. در حقیقت، نظم دهی زمان بیشتر مستلزم اجتناب از سردرگمی بین دلایل احتمالی و تأثیرات وقایع در یکدیگر است. میتوان گزارش های بی شماری از یک رویداد را جمع آوری کرد. اگر گزارش غیر مشابه

داشته باشند، از نظر تاریخی تأیید شده اند و تحقیق کننده میتواند اطلاعات این گزارش ها را با توجه به موارد که مطرح کرده اند خلاصه کند.

به نسبت که تحقیق کننده مواد تحقیقی را بررسی و اطلاعات را ترکیب می کند، ممکن است نوشتن فرضیه های دیگر یا تجدید نظر در فرضیه های اولیه ضرورت یابد. ممکن است شواهد بدست آید که فرضیه های اولیه را رد کند یا اطلاعات پیش بینی نشده فرضیه های جدید را تأیید کند، و همچنین مواد تحقیقی ممکن است سؤالات جدید را با توجه به مسأله تحقیقی مطرح سازد. اگر فرضیه ها و سؤالات رایج نشده تحقیق براساس بیان هدف های آن پیش میرود، رایج فرضیه ها هنگام ترکیب اطلاعات مفید خواهد بود. به هر صورت، فرضیه ها باید هنگام که مفید به نظر می آیند، بخصوص هنگام که جهت تحقیق را مشخص می کند و در ترکیب اطلاعات مفید اند رایج شوند.

تجزیه و تحلیل، تفسیر و نوشتن نتایج:
مرحله نهایی روش تحقیق تاریخی شامل تصمیم گیری در مورد مسأله تحقیقی است. تحقیق تاریخی عمیقاً بر تحلیل های منطقی اطلاعات بدست آمده از اسناد متکی است. در مرحله نهایی، نتیجه نوشته شده و فرضیه های از پیش بیان شده تأیید یا رد می شود؛ البته، تفسیر اطلاعات ضروری است و تحقیق کننده باید احتمال توضیحات دیگر نتایج را در صورت منطقی بودن این توضیحات بررسی کند. تفسیرهای که محتمل تر است باید مورد توجه

قرار گیرد، ولی اگر تفسیرهای دیگری نیز وجود داشته باشد، باید کم از کم شناسایی

اهمیت روش تحقیق تاریخی در...

پیوستگی بخش کامل در مورد نتایج مربوط به گزارش تحقیق تاریخی چندان مناسب نیست. این بخش ها معمولاً طولانی و مفصل است و گاهی باید در طول گزارش نتایج ها را گسترش داد (1: 252-253).

روش های کمی در تحقیق تاریخی

همان طور که اشاره شد، تحقیق تاریخی معمولاً نوع تحقیق کیفی به شمار میرود؛ ولی روش های کمی را نیز میتوان مورد استفاده قرار داد. در سال های اخیر به دلیل وجود کمپیوترها برای خلاصه کردن و کمیت بخشیدن به داده ها استفاده از روش های کمی تا حدی افزایش یافته است. همان طور که گفتیم، روش های کمی در بدست آوردن توصیف از واقعیت های تربیتی در گذشته مؤثر است. در این زمینه ممکن است در تحقیق، آماری ثبت نام ها، فارغ التحصیلان و دیگر داده ها کمی به صورت درصد، نسبت یا میانگین گزارش شود و حتی گاه روش های پیچیده تر آماری نیز ضرورت یابد.

تحقیق تاریخی اصولاً تحقیق با ماهیت کیفی قبول می شود، ولی روش های کمی نیز ممکن است به نحو مؤثر در برخی تحقیقات مورد استفاده قرار گیرد؛ بخصوص تحقیقات که شامل مجموعه از داده ها (مانند داده های

سرشماری) است و از طریق کمپیوترها قابل خواندن می باشد (8: 251).

گزارش نویسی در تحقیق تاریخی:

گزارش های مربوط به تحقیقات تاریخی، برخلاف گزارش های مربوط به تحقیقات آزمایشی یا زمینه یابی که معمولاً شامل عناوین پذیرفته شده است، بیشتر به صورت شرح حال های پیوسته است. در گزارش نویسی تحقیقات تاریخی، عدم تقسیم بندی گزارش برای بهبود تداوم اندیشه ها در آن آسان تر است. معمولاً

اهمیت روش تحقیق تاریخی در...

من باید کنده مشخص می شود. سوالات یا فرضیه ها یا قضیه پیشنهادی (که اساساً یک فرضیه است) نیز ارائه می شود، یعنی تأیید یا رد میگردد. سپس شواهد از طریق ترکیب اطلاعات منابع بیشتر بدست می آید. بلاخره، نتیجه ها بر طبق این شواهد ارائه می شود (6: 254).

نتیجه گیری

تحقیق تاریخی، مانند هر تحقیق دیگر، خصوصیات خاص خود را دارد. چون این تحقیق با گذشته سروکار دارد، تحقیق کننده تاریخی به جای ایجاد داده ها در جستجوی آنها خواهد بود.

تحقیق تاریخی روش منظم است که «تاریخ نگاری» نیز نامیده می شود و از شناسایی مسأله تحقیق تا نوشتن نتیجه ها را در برمی گیرد. این روش کاملاً منسجم است و با ترکیب اطلاعات منابع تاریخی مشخص میگردد. برای تعیین اعتبار مواد تحقیقی از انتقادهای

درونی و بیرونی استفاده می شود. تحقیق تاریخی در تعلیم و تربیت دیدگاه ها را برای موضوعات مهیا میسازد؛ از جمله اطلاعات برای جلوگیری از اشتباه می باشد. خط مشی سازان و تصمیم گیرنده گان تربیتی در هر سطح میتوانند از کمک های تحقیقات تاریخی بهره مند شوند.

مسایل تحقیقات تربیتی که در تحقیق تاریخی بررسی می شود ممکن است زمینه های گوناگون را در برگیرد؛ از جمله تاریخ عمومی تعلیم و تربیه، تاریخچه یک موضوع، تاریخچه قانون گذاری های آموزشی و تاریخچه مؤسسات. مسایل در تحقیقات تاریخی معمولاً با روش ها با اعمال و اقدامات سروکار دارد، و

اهمیت روش تحقیق تاریخی در...

را بوجود می آورد.

استادان، دانشمندان و متخصصان تعلیم و تربیه میتوانند ذریعه روش تحقیق تاریخی هر نوع مسأله و مشکلات را جستجو و شناسایی نمایند. اگر استادان، دانشمندان و متخصصان تعلیم و تربیه چهار مراحل تحقیق را در مسأله تحقیق خود مدنظر بگیرند، یعنی شناسایی مسأله تحقیقی، جمع آوری و ارزیابی اطلاعات منابع و ترکیب این اطلاعات به صورت منظم، تجزیه و تحلیل تفسیر و نوشتن نتایج تحقیق بسیار مهم است. اگر استادان نکات فوق را به شکل درست انجام بدهند در تحقیق خود موفق میباشند. امروز کاربرد روش تحقیق تاریخی نسبت به دیگر روش های تحقیق در ساحه تحقیق برای محقق، یعنی استادان

پوهنتون، دانشمندان تعلیم و تربیه و دیگر کارمندان که در تلاش تحقیق هستند بسیار ضروری و مهم پنداشته می شود. آرزومند تمام استادان، دانشمندان تعلیم و تربیه به انواع روش های تحقیق خود را آشنا بسازد، و از آن روش های تحقیق استفاده درست نموده، تا تحقیق شان به شکل درست صورت بگیرد و مشکلات در ساحه کار شان وجود دارد ذریعه روش های تحقیق رفع گردد.

منابع ماخذ

1- خوی نژاد، غلام رضا، (1380)، روش های پژوهش در علوم تربیتی. تهران: سازمان مطالعه و نوشته کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی،

2- رضویه، اصغر، (1377)، مروری بر روش های تحقیق در تعلیم و تربیت. پژوهش در آموزش: مجموعه مقاله ها. وزارت آموزش و

اهمیت روش تحقیق تاریخی در...

3- رضویه، اصغر، (1365)، پژوهش های علی مقایسه ای و کاربرد آن در علوم رفتاری. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز. دوره اول، شماره دوم، بهار، 36-50،

4- سرمد، زهره، (1376)، روش های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: انتشارات آگاه،

5- سیف، علی اکبر، (1375)، روش تهیه پژوهشنامه. انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی- واحد رودهن،

6- سیلور، جی. گالن، الکساندر، ویلیام ام.، و لويس، آرتورجی، (1377)، برنامه ریزی درسی برای تدریس و یادگیری بهتر، (غلام رضا خوی نژاد، مترجم)، چاپ چهارم، آستان قدس رضوی،

7- وایرزما، ویلیام، و جوزز، استفن، جی، (1375)، اندازه گیری و آزمودن در تعلیم و تربیت (غلام رضا خوی نژاد، مترجم)، چاپ دوم، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی، 1991)،

8- هومن، حیدرعلی، (1368)، پایه های پژوهش در علوم رفتاری (شناخت روش علمی). چاپ دوم، تهران: انتشارات دیبا،

Abstract

Historical Research Method is study about a regular descriptive analysis method, and past interpretation based on information of selected resources. In this manner, historical research accepts as analysis that researchers use

اهمیت روش تحقیق تاریخی در...

historical research uses from quantitative research methods. In fact, historical research completely is accepted qualitative research.

Research methods in education are the base work of teachers and educational scholars in discovery of facts and complete the research. Every teacher must know the using of research methods and could use research methods in good condition. The reason of delaying to learn educational research methods between a numbers of teachers, there

are three factors, such as lack of educational research methods books, lack of information about research process between teachers and administrators are lack of responsibility about those teachers who don't know about educational research methods at schools and other higher education institutions.

In this research, I discuss about abstract, historical research method's introduction, the goal of research, research method, importance and needing of research, the value of historical research method, information resources in historical method, methodology of historical research, quantitative methods in historical research, writing report in historical research, phases of historical research method, conclusion and reference.

In general, historical research method is divided in to four phases:

In the first phase, cognizance the problem that, it is the beginning of each research, the second and third phases, to

اهمیت روش تحقیق تاریخی در...

combination of information in good condition, these phases completely join with each other. It includes the review of hypothesis. In the fourth phase, is such as, analysis, interpretation and the results of research.

يوهياي رئيسه زرمتي

په افغانستان کې د وروستيو بدلونونو ، د جگړې دوام څرنگوالي او علتونه يي

لنډيز:

څه کم څلور لسيزي کيږي چې په افغانستان کې جگړه روانه ده، په دې جگړه کې تر دوه نيم ميليونه زياتو کسانو خپل ژوند دلاسه ورکړ، په مليونونه نور بيا معيوب شول او ترشپږ ميليونه زيات کسان بهرنيو هيوادونو ته مهاجر شول ، ټول بنسټ ايز تاسيسات له منځه ولاړل او هيواد په کنډواله بدل شو، د پيري خواشيني ځای ده چې جگړه اوس هم دوام لري هره ورځ په سلگونو کسان وژل کيږي او په سلگونو نور کسان بهرنيو ملکونو ته د مهاجرت پيټي ترلي او د خطر نه ډکو لارو په وهلو هري خواته روان دي. هره ورځ د افغان مهاجرينو ډلي د نړيپه لويو سمندرونو کې پويږي ، او په زرهاو

افغانان مخکی له دی چی خپلوموخوته ورسیری په سمندرونو کی د نهنگانو خوراک گرځی.

دا چی ولی داجگره نه ختمیری او ولی ئی تر اوسه دوام وموند دا هغه پوښتنه ده چی نه یوازی د هر افغان سره شته بلکه د نری د نورو خلکو سره هم دا پوښتنه شتون لری.

د همدی پوښتنی د ځواب لپاره ما دا مقاله د تاریخی کتابونو د مطالعی او د ځینو مشرانو د سترگو لیدلی حال په بنسټ څیرلی ده ، چی لومړی د افغانستان تاریخی بهیر ته لنډه کتنه شوی او بیا می ورسټیو بدلونونه ، د جگری دوام او علتونه توضیح کری دی.

په افغانستان کی د وروستیو...

سریزه:

افغانستان د نری په جغرافیه د یو ملک دی چی په وچه پوری تزللی دی، اوسمندر ته لاره نه لری . ری هغه څه چی افغانستان ئی د نری د لویو طاقتونو د توجو وړ گرځولی هغه د افغانستان جیو پولیتیک او جیو استراتیژیک موقعیت ده. افغانستان د اسیا په زړه کی پروت دی او دورینمو د لاری پر سر موقعیت لری د نری ټولو لویو فاتحینو د افغانستان له لاری خپلوناوړو موخو ته لاره پیدا کری، او له افغانستان نه ئی په نورو ملکونوبریدکری، او یا ئی هم افغانستان د خپل رقیب لپاره لوی خنډ گرځولی دی. سره له دی چی فاتحینو افغانستان په اسانه سره نه ده نیولی او د دوی د لښکرو په کوپریو هدیری ډکی شوی خو بیا هم توانیدلی دی تر یو څه وخت پوریاافغانستان اشغال کری. د نری ستر امپراطور سکندر مقدونی هغه لمړنی امپراطور وو چی له میلاد نه مخکی په کال ۳۳۰ کی د مصر او ایران له نیولو وروستهئی په افغانستان بریدوکر. سره له دی چی په هغه وخت کی کوم مقتدر دولت شتون نه درلود او سکندر هم فکر کاوو چی گویا په ډیره لنډه موده کی به افغانستان ونیسی ولی هغه د افغانستان د هر ښار په نیولو کی د سخت مقاومت سره مخامخ شو او څلور کاله وخت ئی و نیو ترڅو هغه وکولای شول چی د توس، هرات، کندهار ، کابل او بلخ له لاری ځان د آمو ترسینده ورسوی. سکندر بلاخره وروسته وکولای شو چی د یو لک عسکرو

په افغانستان کې د وروستیو...

د سکندر مقدونی نه وروسته هم نورو امپراتورانو لکه ترکانو او ایرانیانو هم په وار وار د افغانستان د نیولو هڅې کړې او افغانستان ئې د خپلې امپراطورۍ یوه برخه ګرځولې. د نړۍ بل لوی امپراطور چنګیز خان وو چې په دیارلسمه پېړۍ کې ئې په افغانستان باندې پس له هغه چې په چین او مرکزی اسیا کې خپله امپراطورۍ ټینګه کړه یرغل وکړ. چنګیز غوښتل چې د هغه وخت له پاچا سلطان محمد خوارزمشاه سره د دوستۍ له لارې مخ ته ولاړشي او د هغه له لارې له اروپا او ایران سره تجارتی راکړی ورکړی

په افغانستان کې د وروستیو...

واستوو ولی خوارزمشاه د چنګیز را لیرول سوی هیئت وواره، همغه وو چې چنګیز د خپل هیئت د وژلو د انتقام په بهانه د سلطان محمد په واکمنۍ برید وکړ (۲:۳۱).

سلطان محمد بلخ ته را وتښتیده او وروسته بیا د ایران په لوری ولاړ چې چنګیز د هغه له ماتې وروسته په افغانستان یرغل وکړ. د تیر په شان یوځل بیا افغانان په هر ښار کې د مغولو د عسکرو سره په میرانه و جنګیدل، مغولو په اول سر کې داسې فکر کاوو چې د خوارزم د مقتدر پاچا سلطان محمد خان له ماتې وروسته به نور هیڅوک د دوی په مقابل کې مقاومت ونکړی ولی افغانانو سره له دې چې مرکزی حکومت موجود نه وو په هر ښار کې د دوی مخه ونیوله او د هغو سره و جنګیدل حتی په ځینو ښارونو کې جګړې او د افغانانو د فاع په میاشتو میاشتو دوام وکړ. د هرات خلکو سره له دې چې د هری خوا محاصره وو شپږ میاشتې د هرات ښار دفاع وکړه او کله چې مجبور شول چې تسلیم شي نو د چنګیز عسکرو ښار په کنډواله بدل کړ او خلک ئې تر تیغ تیر کړل (۶:۱۳۹).

په نولسمه پېړۍ کې چې د نړۍ دوه ستر قدرتونه یعنی روس او انگریزان را منځ ته شوی وو هر یوه کوشش کاوو تر څو خپلې امپراطورۍ ته پراختیا ورکړی او یو د بل مخه ونیسی، روسانو غوښتل ترڅو د افغانستان په نیولو سره ځانونه ګرمو اوبو ته ورسوی او همدارنګه د انگریزانو مخه ونیسی او پری نږدې تر څو انگریزان منځنی اسیا ته ځانونه ورسوی، افغانستان د دواړو امپراطوریو د رقابت میدان وو. همدا علت وو

چې افغانان په نولسمه پيړۍ او د شلمې پيړۍ په دوهمه لسيزه کې درې ځله له انگرېزانو سره و جنگيدل د دې ټولو جنگونو مرکزي ټکي دانگرېزانو د امپراطورۍ پراختيا وه چې هغو غوښتل تر څو روسان و نشي کولای د هند او يو ته ځان ورسوي او يا هم په هندوستان بريدو کړي. هر کله به چې دافغانستان اميرانو و غوښتل چې د روسي له امپراطورانو سره رابطه ونيسي او د هغو سره اړيکي بنې کړي نو انگرېزانو به په افغانستان بريدو کړي. په دې درې واړه جنگونو کې انگرېزانو د افغانستان له ولس څخه سخته ماته وخوړه او په زرگونو وسلوال ئې دلته ووژل شول . د پام وړ ټکي داده چې د انگرېزانو په اول او دوهم يرغل کې مرکزي حکومت يا هيڅ نه وو او که وو

په افغانستان کې د وروستيو...

حکومت د مشر اعليحضرت امان الله خان تر قوماندې لاندې د انگرېزانو سره و جنگيدل او د انگرېزانو له ماتې وروسته ئې په ۱۹۱۹ کال کې خپله خپلواکي واخيسته ، ولی په اول او دوهم جنگ دا خلک وو چې پرته له مرکزي حکومت نه د يرغلگرو سره جنگيدل او هغو ته ئې ماته ورکړه او د نړۍ يو داسې لوی قدرت چې د هغه په امپراطورۍ کې لمر نه ډوبیده په گوندو کړ او د نړۍ نورو هيوادونو ته ئې پيغام ورساوو چې هر هيواد تر استعمار لاندیکه کوچنی وي او يا لوی که و غواړي کولای شي د اسارت ځنځيرونه وشلوي او خپلواکي تر لاسه کړي. همغه وو چې وروسته بيا په اسيا او افريقا کې د خپلواکي غوښتلو خوځښتونه را منځ ته شول او ډيرو هيوادونو په شلمه پيړۍ کې خپلې خپلواکي واخيستي.

افغانستان د خپلواکي له اخيستو وروسته د خپل روڼ اندی او ترقي غوښتونکي مشر اعليحضرت امان الله خان تر لارښوونې لاندې د ديموکراسۍ او ترقي په لور قدمونه واخيستل او په ډيره چټکتيا سره ئې د پرمختگ لپاره يو په بل پسې کړنی سر ته رسولی ، د نجونو او هلکانو لپاره ښوونځي پرانيستل شول، او لمړنی زده کړی اجباری شوی، د حجاب رفع کول عملی شول د پلونو، سرکونو، روغتونو د جوړولو هڅی پيل شوی لومړی سينما په افغانستان کې جوړه شوه او د بيان ازادۍ تضمينه شوه، د نورو ملکونو سره سياسي اړيکي ټينگي شوی او افغانستان د يوه خپلواک ملک په صفت د نورو خپلواکو ملکونو په ډله کې حساب شو (۱۰:۶۷).

په خواشینی سره دغو کوششونو ډیر وخت دوام ونکړ ، د انگریزانو په حمایت د افغانستان د ځوان او ترقی غوښتونکی پاچا د ریفورمونو او اصلاحاتو په مقابل کې د اسلام نه د دفاع تر نامه لاندې اغتشاشونه شروع شول ، نه تنها د اصلاحاتو مخه ئې ونيوله بلکه د اعلیحضرت امان الله خان د دی مترقی پروگرامونو په خلاف مسلحانه ډلې را منځته شوی او کورنی جگړی شروع شوی، د افغانستان ځوان او په وطن مین پاچا و نه غوښتل چی د زور او د قومونو د خپلو په بیه خپلی واکمنی ته دوام ورکړی نو د قدرت نه لاس په سر شو . د دولت واک امیر حبیب الله کلکانی تر لاسه کړ، دامیر حبیب الله کلکانی تر واکمن کیدو وروسته ډیر ژر د هیواد په گوټ

په افغانستان کې د وروستیو...

(۱۷۰:۱).

د نه میاشتی کورنی جگړی نه وروسته په فرانسه کې دافغانستان سفیر او با تجربه جنرال محمد نادر خان اغتشاشونه له منځه یوړل او د قدرت په نیولو سره ئې په افغانستان کې د سولی او پرمختگ لپاره لاره خلاصه کړه(۵۰:۲).

اعلیحضرت محمد نادرشاه او دهغه زوی(اعلیحضرت محمد ظاهر شاه) ۴۴ کاله په ډیر آرام چاپیریال کې په خلکو حکومت وکړ. یو ځل بیا د بنوونځیو او پوهنتونونو دروازی خلاصی شوی، روغتونونه او سرکونه جوړ او اقتصادی پلانونه طرحه او عملی شول، بانکونه او شرکتونه د هیواد د اقتصاد د تقویه کولو لپاره جوړ شول (۴۴:۸).

په ۱۹۶۴ کال د اساسی قانون په رامنځ ته کیدو سره د حکومت د دری گونو قواوو تفکیک وشو د بیان ازادی او د گوندونو ازادی را منځ ته شوه. په همغه وخت کې د افغانستان په پارلمان کې بنځینه وکیلانی او همدارنگه په کابینه کې بنځینه وزیرانی وی، خلکو بسیا او آرامه ژوند درلود، د ترقی په لور که څه هم سست وو خو گامونه اخیستل کیدل هر کال افغانستان ته تر دریو لکو زیات سیاحان را تلل او هیچا ته د افغانستان په هیڅ یوه سیمه کې د گرزیدو خطر موجود نه وو.

په ۱۹۷۳ کال په افغانستان کې کودتا وشوه او شاهي نظام په جمهوری بدل شو. د کودتا په لومړیو کې داسی ویل کیدل چی د کودتا رهبر(سردار محمد داود خان) شوروی پلوه ده ، د کابینې ځنی وزیران هم د شوروی پلوه

ګوند غړی وو ولی ورو ورو د کودتا رهبر شهید محمد داودخان د خپلی کابینې نهد شوروی پلوه ګوند(دخلکو دیموکراتیک ګوند) غړی لری کړل او کوشش ئی وکړ چی د نړی له نورو هیوادونو او په خاص ډول اروپایی او اسلامی هیوادنو سره اړیکې ټینګی او په مسکو باندی خپله اتکا کمه کړی .دی کار د کرملین د مشرانو غوسه را وپاروله او د افغانستان مشر ئی مسکو ته دعوت کړ، په ناسته کی د کرملین مشر (برژنیف) د ټولو دیپلوماتیکو نورمونو خلاف د افغانستان جمهور رئیس ته وویل چی افغانستان ته له غربي ملکونو د پیسکور او نورو نومونو په بهانه باندی جاسوسان راخی او د افغانستان په شمالی برخو کی د جاسوسی کارونه سر ته رسوی، مور له تاسو

په افغانستان کی د وروستیو...

جمهور رئیس بد انر وکړ او په حوالب کی ئی ورته وویل چی مور به غریب یو او غریب به واوسو خو هیچاته به اجازه ورنکړو چی زموږ په کورنیو چارو کی مداخله وکړی هغه که د هر ملک وی که دامریکا وی یا د شوروی وی یا بل هر ملک . دا چی مور چاته اجازه ورنکړو چی چیری کار وکړی دا زموږ اختیار ده ، جمهور رئیس مجلس پریننود پورته شو او د مجلس له اطاقه خارج شو او افغانستان ته راغی(۷:۴۴).

پورتنی واقعی د افغانستان د جمهور رئیس اړیکې له شوروی سره خرابی کړید کرملین رهبران دوه شوروی پلوه ګوندونه (خلق او پرچم) چی د نور محمد تره کی او ببرک کارمل په واسطه رهبری کیدل او پخوا سره جلا شوی وو بیرته سره یو ځای کړل، نور محمد تره کی د ګوند غمومی منشی وټاکل شو او ببرک کارمل د مرکزی کمیټی منشی شو، چی پس له یوه کال همدی ګوند کودتا وکړه او د افغانستان لمرنی جمهور رئیس ئی د کورنی د اتلسو غړو سره یوځای په ډیره بی رحمانه ډول سره شهیدان کړلاو حتی د اسلامی او وطنی دود او دستور په خلاف ئی د هغو جنازی ته هم څوک پری نښودل او په پلچرخي کی ئی تر خاورولاندی کړل. د کودتا علت هم داسی وو چی د شوروی پلوه خلک دیموکراتیک ګوند یو مشر (میر اکبر خیبر) چی پخوا د پرچم ډلی د رهبری هیئت غړی وو د ناپیژنده کسانو له خوا ووژل شو .د ګوند رهبری د هغه وژل د دولت له خوا وبلل او د هغه د جنازی د خښولو په مراسمو کی ئی دولت په ضد بیانیی ورکړی چی بیا دولت د دوی مشران بندیان کړل، نو د خلک دیموکراتیک ګوند نظامی غړو کودتا وکړه او

جمهوری نظامی رنگ کړ. دا کودتا یوه خونړی کودتا وه چې د ۱۹۷۸ کال د اپریل په ۲۸ سر ته ورسیده او همدا کودتا د افغانستان د اوسنی ۳۷ کلنی جگړی پیل وو ، لکه څنگه چې مخکی وویل شول تر اوسه پوری په میلیونو کسان مړه ، په لکونو معیوب او په ملیونونو نور بیا پرډیو ملکونوته مهاجر شول(۴-۳۹۴-۳۹۳).

جگړه څنگه پیل او ولی ئی دوام وموند؟

لکه څرنګه چې مخکی وویل شول کله چې د افغانستان د لمړنی جمهور رئیس (شهید محمد داود خان) مناسبات د شوروی اتحاد له مشر سره خراب

په افغانستان کي د وروستیو...

پرچم) د شوروی په لارښوونه سره یو ځای شول ، کله چې د افغانستان جمهوري حکومت د دی گوند مشران په مظاهره کی د دولت په ضد د بیانو ورکولو په تور بندیان کړل نو د گوند نظامی بخش کودتا وکړه(۱۰:۱۹۱). او د قدرت واک د خلکو دیموکراتیک گوند ته چې مشر ئی نورمحمد تره کی وو په لاس ورغی ،له کودتا وروسته گوند د دولت ټول مقامونه له رئیس جمهور نه نیولی تر یوه علاقدار پوری ټول د گوند بی تجربه غړو ته ورکړل. د گوند د غړو شمیرتر ۴۰۰۰-۵۰۰۰ زیات نه وو. د قدرت له انحصار وروسته دوی ټول هغه کسان نیول او بندیانول او یا ئی وژل کوم چې مذهبی رهبران وو او یا د نورو سیاسی گوندونو غړی وو او هر هغه چا چې به د دوی مخالفت کاوو له منځه به ئی وړل، داسی پولیسی نظام ئی رامنځ ته کړ چې حتی چا په خپل کور کی هم د نظام په مخالفت خبری نشوای کولای ،په یوه کال کی تر ۱۲۰۰۰ زیات کسان ووژل شول . په زرهاو نور بندی خانو ته واستول شول ، د گوند غړو به دا شعار ویل چې څوک زموږ سره نه دی هغه زموږ دښمنان دی. د افغانستان خلک ډیر معتقد خلک وو دوی هر څه منلای شول ولی ددین بی احترامی ئی نشوای منلای ، د گوند غړو به د خلکو دینی معتقداتوته بی احترامی کوله او هر هغه چا به چې دینی معتقدات سر ته رسول نو هغه به ئی له منځه وړل. د حزب استبداد او فرمانونه دا ټول هغه موارد وو چې خلک له دی حالت په تنگ شول او دی ته مجبور شول چې د ځان او کورنی د ساتنی لپاره پاکستان ته پناه یوسی.

د پاکستان دولت د افغانانو د جهاد د حمایه کولو تر څنګ خپلی ګټی مخته وړلی ، چی ځینی ئی د پاکستان د سیاسی ګټو پوری تړلی موخی وی او ځینی ئی د جنرال ضیاالحق شخصی ګټی وی (۱۱:۱۲۹).

پاکستان چی په افغانستان کی د شوروی پلوه کودتا څخه سخت ویریدلای وو او د شورویانو په ستراتیژیکو موخو پوهیده چی شوروی غواړی په پاکستان کی هم دشوروی پلوه ګوندونو ملاتړ و کړی نو ځپله غیر ئی افغانی مهاجرینو ته خلاصه کړه او اعلان ئی وکړ چی پاکستان افغانی مهاجرینو ته پناه ورکوی او هممرستی ورسره کوی. نو افغانان چی لا پخوا د خلکو د ګوند له کړنو او وژلو په تنګ راغلی وو او د هغو له ډاره ئی مذهبی مقدسات نشمال ، ادا کولای ، نه به سر مېاندی ، د پاکستان به لور مهاجر شمل ، هر څو مهم په افغانستان کی د وروستیو...

زیاتیده ، ان دا چی په لمړی کال کی دوه لکه مهاجرین پاکستان ته ولاړل. په لمړی کال کی مهاجرینو یوازی ځانونه امن ځای ته رسول خو د شوروی پلوه حکومت په ضدئی لا جګړه نه وه شروع کړی. د کودتا په لمړی کال کی د خلک دیموکراتیک ګوند د دوو پخوانیو ډلو تر منځ د قدرت په تقسیم باندی اختلاف پیدا شو ، د خلق ډلی د پرچم ډلی مشران له افغانستانه د سفیرانو تر نامه لاندی وایستل او د پرچم د ډلی ډیر غری ئی یا بندیان کړل او یا ووژل. د یو نیم کال په تیریدو سره د ګوند د خلق ډلی رهبر او د حزب د عمومی منشی نور محمد تره کی او د هغه د مرستیال حفیظ الله امین تر منځ بیا هم د واک په سر اختلاف پیدا شو ، حفیظ الله امین د ګوند عمومی منشی نورمحمد تره کی کله چی د هاوانا له سفره بیرته هیواد ته راستون شو د یوی توطی په ترڅ کی وواژه او د قدرت ټول واک ئی په خپل لاس کی واخیست (۱۰:۲۴۷).

د شوروی رهبر او د حزب عمومی منشی برژنیف د تره کی وژل یوه بهانه و ګرزوله اود ۱۹۷۹ کال د دیسمبر په ۲۷ئی د سری اردو لښکری افغانستان ته داخلی کړی او حفیظ الله امین ئی پس له سل ورځنی قدرت نه وواژه او د خلکو ګوند د پرچم د ډلی مشر ببرک کارمل ئی د قدرت په ګدی کیناوو. شورویانو نړیوالو ته داسی بهانه وکړه چی ګویا دوی د افغانستان د دولت په غوښتنه افغانستان ته خپلی قواوی لیرلی ، دافغانستان نوی رهبر ببرک کارمل هم همداسی اعلانونه کول چی دوی د ملګرو ملتو د منشور د

۵۱ مادی له متن سره سم له شوروی اتحاد نه د نظامی مرستی غوښتنه کړی او هغو هم د دوی غوښتنې ته مثبت ځواب ویلای او محدود قطعات ئی د افغانستان د ځمکنی بشپړتیا په خاطر افغانستان ته لیږلی او کله چی د افغانستان امنیت ښه شی نو دوی به بیرته خپلی قواوی وباسی (۵:۲۲۵).

وروسته بیا د پرچم د ډلی مشرانو خپل نظر بدل کړ او ویل به ئی چی نور محمد تره کی او حفیظ الله امین له شوروی اتحاد نه د قواوو د رالیږلو غوښتنه کړی وه، ولی تر اوسه پوری هیڅ داسی سند نه دی پیدا شوی چی ثابتنه کړی چی د افغانستان د وقت دولت له شوروی نه د قواوو د راتلو غوښتنه کړی وی بلکه په اسنادوکی داسی ښودل شوی چی افغانستان ته د قواوو د لیرلو تصمیم د برژنیف او دسیاسی بیرو څلورو نورو غړو نیولی وو او حتی

په افغانستان کی د وروستیو...

بلکه دا د شوروی کمونیست گوند او د گوند رهبری وه چی افغانستان ته یی د کمک تر نامه لاندی خپلی قواوی داخلی کړی، ببرک کارمل او ځینی نور کمونیستی پلوه د خلک گوند مشران چی پخوا ټینتیدلی وو او په شوروی کی اوسیدل نیپه خپلو ټانکونو کی له خپلو قواوو سره راوستل، حفیظ الله امین ئی و واژه او د قدرت واگی ئیببرک کارمل ته وسپارلی.

د شوروی د سری اردو راتگ او د افغانستان اشغال په ټولو افغانانو باندی ډیر بد تاثیر وکړ ځکه مذهبی عالمانو د شوروی د کمونستی رژیم په ضد د جهاد فتوا ورکړه او د افغانستانو خلکو هم په میرانه سره جهاد ته لیبیک وواپه، جهادی ډلی جوړی شوی او د هیواد په گوټ گوټ کی د جهاد سنگرونه گرم شول، له بلی خوا د افغانستان اشغال د نړی په کچه هم سخت وغندل شو ټولو اسلامی ملکونو د افغانستان اشغال وغانده، همدارنگه امریکا او ځینی نورو ملکونو د غندلو په څنگ کی په شوروی اتحاد ځینی بندیزونه هم ولگول(۴:۴۲۹).

شوروی پوځونو کلی په کلی او کور په کور په خلکو بمونه غورزول او ټولی پر مختللیوسلینی په خلکو استعمال کړی، کلی او ولسوالی له خلکو تشی شوی او ډله ایز مهاجرتونه پاکستان ته شروع شول. د جهاد له اعلان نه وروسته افغانانوپه لمړی سر کی په تشو لاسونو اود پطرولی بمونو په جوړولو سره د شوروی پوځ سره جهاد شروع کړ، په هره جگړه کی ئی

شوروی پوځیانو ته سخته ماتې او ژوبله رسوله خلک د دین او ایمان په کلکه عقیده د دښمن له بمونو او ټانگونو نه ویریدل او مخامخ ئی په دشمن یرغل وړ وړ، د مجاهدینو دی میرانی او زورورتیا ته ټول نړی حیرانه پاتی وه. امریکایانو او ناتو هیڅ فکر نه کاوو چی افغانان به په تش لاس او ابتدایی وسلو د شورویانو سره وجنگیری هغو دا هر څه یوخیال بلل چی گویا افغانان به د شورویانو سره مقابله وکړی. شورویانو د خپلی ماتې د پټولو لپاره درنی وسلی استعمالولی ، تر شپږ ملیونه زیات کسان پاکستان ، ایران او نورو ملکونوته مهاجر شول . د جهاد سنگرونه گرم شول. نړیوال او په سر کی امریکا، چین او اسلامی هیوادونه چی کله ئی ولیدل چی افغانان په تش لاس جنگیری نو ئی د خپل رقیب د ماتولو لپاره له مجاهدینو سره نظامی مرستی شروع کړی. امریکا غو بنټل چی په ویتنام کی د خپلی ماتې غچ له روسانو واخلی، اسلامی هیوادونه له دی ډاریدل چی که شوروی په افغانستان کی کامیابه شی نو په نورو اسلامی ملکونو کی به همداسی نظامی مداخلی وکړی، پاکستان چی لا پخوا د شوروی په نیت پوه وو او پوهیده چی که د شوروی پوځونه په افغانستان کی بری ومومی نو حتماً له سر حد نه را تیریری او ځان خپلو موخو ته رسوی. دی ټولو هیوادونو د افغانستان په جنگ کی خپلی موخی درلودلی او هر یوه کوشش کاوو چی باید د شوروی اشغال ته په افغانستان کی د پای ټکی کیږدی . دی ټولو هیوادونو د مجاهدینو ډلو ته پریمانه وسلی او پیسی ورکولی. مجاهدینو هم خپل موخیدرلودلی، د هغو موخید دینی معتقداتو دفاع او ساتنه وه او د دین په ساتنه کی د مرگ او قربانی نه نه ویریدل ، په ضمن کی د جهاد لپاره د اسلامی هیوادونو په زرهاو داوطلب خلک هم راغلی وو او د افغانی مجاهدینو سره یو ځای د روسانو په ضد جنگیدل. د مجاهدینو لوړ مورال او پریمانه پیسو شوروی قواوو ته هره ورځ درنه مرگ ژوبله اړوله او له بله پلوه دی جگری د شوروی په اقتصاد ناوړه اغیزی درلودی. په شوروی کی دبرژنیف، اندرو پوف او چرنینکو له مرگ نه وروسته میخایل گورباچف د کمونیست گوند عمومی منشی وټاکل شو چی د تیرو رهبرانو په پرتله ډیر ځوان وو. گرباچف د شوروی اتحاد د اقتصادی مشکلاتو او د جگری د ډیرو لوړو لگښتونو سره مخامخ وو، هغه په دی هم پوهیده چی هغه د افغانستان جگریه نشی گټلای نو ئی تصمیم و نیول چی په افغانستان کی د خپلو پوځیانو په

وتلو فکر وکړی همغه ووچی د ژنو د کنفرانس له لاری چپیه هغه کی د افغانستان او پاکستان خارجه وزیرانو برخه اخیستی وه ، امریکا او شوروی د تړون د تضمینونکو په حیث ونډه درلوده د ۱۹۸۸ کال د اپریل په ۱۴ موافقتنامه امضا شوه او شوروی و منله چی په ۹ میاشتو کی (د ۱۹۸۸ کال د می د میاشتی له ۱۵ نه تر ۱۵ فبروری ۱۹۸۹) به خپل پوځونه له افغانستان و باسی. شورویانو د پروگرام سره سم په ۹ میاشتو کی خپلی قواوی له افغانستانه وایستلی او د ۱۹۸۹ کال د فبروری په ۱۵ د شوروی وروستی عسکر له افغانستانه ووتلاو په دی ترتیب سره د شوروی ۹ کلن اشغال پای و موند(۴:۴۴۶).

د شپږمې قلم له مخه د ماسټر په ځمکه د حکمت د داکتر نجیب الله تر

په افغانستان کې د وروستیو...

الله د ملی روغی جوړی پروگرام را منځ ته کړ او ډیری هلی ځلی ئی وکړی تر څو سوله را منځ ته کړی هغه په وار وار ویل چی د سولی د راوستو په لار کی حاضر ده له خپل ټول واک نه لاس واخلي، هغه د سولی د راوستو په خاطر د ملگرو ملتو تر مشری لاندی په افغانستان کی د سولی خبرو ته دوام ورکړ، او وروسته له ډیرو خبرو اترو داکتر نجیب الله دی ته حاضر شو چی د قدرت واکي په سوله ایز ډول د ملگرو ملتونو تر مشری لاندی یوی موقتی اداری ته وسپاری چی دا اداره به یوه بی طرفه کابینه ټاکی چی د ۲۵ نفرو څخه به جوړه وی او د ۶ میاشتو په موده کی به قدرت یوی دوه کلنی انتقالی اداری ته سپاری او هغه انتقالی اداره به بیا سراسری انتخاباتو ته لاره هواره وی (۳:۳۶۰).

د دی موافقی سره سم د موقتی اداری غړی پښور ته راغلل او د ملگرو ملتونو نماینده بینسیون په طیاره کی کابل ته راغی څو داکتر نجیب الله هند ته انتقال کړی او بیا د موقتی اداری غړی کابل ته دواک د نیولو په موخه راوړی. د اپریل په ۱۶ په لاره کی د داکتر نجیب په ضد کودتا وشوه او هغه پری نښودل شو چی هند ته لاړ شی او کودتاچیانو د موقتی اداری غړی هم پری نښودل چی کابل ته د واک د نیولو لپاره راشی (۳:۳۷۲).

د پښور د مجاهدینو ډلی کابل ته داخل شوی ، هری ډلی د کابل ښار یوه برخه و نیوله او د دوی تر منځ خپل منځی جگری شروع شوی د افغانستان پخوانی قوی اردو منحل شوه او د اردو ټول تجهیزات او وسلی د مجاهدینو

ډلو ته په لاس ورغلل خو په دوی کې زیاته برخه د جمعیت ډلې ته په لاس ورغله، داخلي جنگونو ادامه پیدا کړه. امریکا افغانستان ته شا کړه او ملګرو ملتونو هم افغانستان په ځای پرېښود. د مجاهدینو د ډلو تر منځ په جنگونو کې د کابل ښار نیمای په کنډواله بدله شوه او تر ۹۰۰۰۰ زره زیات بیګناه انسانان تپیان، او ووژل شول (۹:۴۶۶).

ملوک الطوافی را منځ ته شوه په هر ولایت او ولسوالی کې ځانته یو حاکم وو، په لویو لارو د مسلحو ډلې وی، نه د چا سر په امن وو نه مال او نه ناموس، دولتی شتمنی ټولی چور شوی، خلک بیا مهاجرتونو ته مجبور شول او یو ځل بیا په میلیونونو افغانان بهرنیو هیوادونو ته مهاجر شول. په دې وخت کې د طالبانو په نامه یوه بنځوس کسبزه ډله د بولدک له لارې د

په افغانستان کې د وروستیو...

ملیسی نی خلع سلاح کړی دا چی خلک د پخوانیو ملیسو او د چور او چپاول د ډلو له لاسه سخت په عذاب وو او د طالبانو شعار هم د سولی راوستل وو نو ټولو خلکو دهغو هرکلی وکړ او ډیر ژر ئی کندهار او نور ښارونه ونیول او د کابل دروازو ته راورسیدل. د کابل په ښار کې د جمعیت تنظیم حاکم وو، پروفیسور برهان الدین ربانی رئیس جمهور او د دی گوند مشهور قوماندان (احمد شاه مسعود) د دفاع وزیر وو. تر څه کم یو کال جگړو وروسته طالبانو د کابل ښار او د شمالی ولایتو ټولی سیمی و نیولی یوازی پنجشیر، د تخار ولایت یوه برخه او بدخشان ولایت د دوی په کنترول کې نه وو. طالبانو تر خپلی ادارې لاندی سیمو کې امنیت راوستی وو. طالبانو په ځینو مواردو کې ډیر افراطی کړنی سر ته رسولی لکه د ږیری اجباری پرېښودل، د پټکی په سر کول، د جنکیانو ښوونځی تړل، د بنځو په کار بندیز لگول او د عکسونو او موسیقیو اجباری بندول (۴- ۵۴۱-۵۴۰).

طالبانو په دولتی مقاماتو کې هم روابط په نظر کې لرل د دولت ټول لوړ پوستونه طالبانو ته ورکړل شول، مسلکی پوهه په نظر کې نه نیول کیده. د طالبانو رژیم یوازی دریو ملکونو لکه سعودی، متحده امارت او پاکستان په رسمیت پیژندلی وو. طالبانو د سعودی تبعه اسامه بن لادن ته ځای ورکړای وو، گرچه اسامه افغانستان ته د مجاهدینو او د ربانی د حکومت په وخت کې راغلی خو اسامه له طالبانو سره ښی اړیکی درلودی او له طالبانو سره ئی مادی کومکونه هم زیات کول. کله چی په ۲۰۰۱ کال کې د سپتمبر د

یولسمی پېښه را منځ ته شوه نو امریکایانو له طالبانو وغوښتل چې باید اسامه امریکایانو ته تسلیم کړی. په مقابل کې طالبانو له امریکایانو څخه شواهد وغوښتل چې ثابت کړی چې اسامه د سپتمبر د یولسمی په پېښه کې لاس درلود. امریکایانو شواهد نه درلودل او طالبانو هم د اسامه له تسلیمیدو ډډه وکړه، همغه وو چې امریکا د ۲۰۰۱ کال د اکتوبر په ۷ په افغانستان هوایی یرغل و کړ او د یوی میاشتی په موده کې ئی د طالبانو رژیم ړنگ کړ.

د طالبانو د رژیم له ړنگیدو وروسته امریکا د نوی ادارې د رامنځ ته کیدو په خاطر د ملگرو ملتونو تر مشرې لاندې د جرمنی په بن ښار کې د ۲۵ مخورو افغانانو په گډون یوه غونډه جوړه کړه چې په پایله کې موقت جمهور رئیس او مرستیالان او ۲۷ کسيزه کابینه د شپږو میاشتو لپاره و ټاکل

په افغانستان کې د وروستیو...

وی او په دی دوره کې به د لوی جرگی له خوا اساسی قانون جوړیږی او د انتخاباتو لپاره به لاره هوار یږی. همغه وو چې موقته اداره کابل ته راغله او حامد کرزی د موقتی ادارې مشر و ټاکل شو. د حکومت ادارې بنسټونه کینودل شول، ښوونځی، پوهنتونونه د هلکانو او جنکیانو لپاره خلاص شول او ښځو ته حق ورکړل شول چې د کور نه بهر کار وکړی. د بن د پریکړو سره سم د موقتی ادارې له تکمیلیدو وروسته انتقالی دوره رامنځ ته شوه، لویه جرگه دایره شوه او اساسی قانون جوړ او تصویب شو، امنیتي وضعه سمه شوه خلکو ته هیلی پیدا شوی چې نور به افغانستان جوړیږی. د جمهوري ریاست لومړنیو انتخاباتو ته لاره هواره شوه او انتخابات د ۲۰۰۴ د اکتوبر په ۹ سر ته ورسیدل او حامد کرزی ۵۵،۴ فیصده رایو په اخیستو سره د افغانستان جمهور رئیس وټاکل شو.

تر ۲۰۰۴ کال پوری امنیتي وضعه ښه وه خال خال نا آرامی په ولایتونو کې شتون درلود خو په عمومی توگه لوی امنیتي گواښونه نه وو، خلکو هیله درلوده چې د بین المللی قواو په راتگ سره به په هیواد کې عدالت تامین شی او هغه چا چې بیگناه خلک وژلی او د خلکو او دولت شتمنی ئی چور کړی به سزا ووینی، برعکس په وروستیو کې بین المللی قواوی د عامو خلکو د دود او دستور خلاف کارونه سر ته رسول، په شپه کې به ئی د خلکو کورونه لټول. او د ښځو په عزت به ئی لوبی کولی دا ټول هغه کارونه وو چې خلکو د بین المللی قواو څخه کرکه کوله، له بلی خوا په دولت کې ټول

مغرض او فاسد عناصر خای په ځایه شوی وو. عامه خلکو ته نه بله لاره پاتی وه او نه داسی مرجع چی ورشی او خپل مشکلات او دردونه ور سره شریک کری ، مجبور شول د طالبانو لیکو ته ورغلل او یوخل بیا ئی د امریکا او بین المللی قواوپه ضد د جهاد اعلان وکړ.

که له یوی خوا عام خلک د بین المللی قواو د کرنو او په دولت کی د مغرض او فاسدو عناصرو له لاسه مهاجرت او جنگ ته مجبور شوی وو نو له بلی خوا زمور دوو همسایه گانو ایران او پاکستان د عامه خلکو له نارضایتی گټه پورته کړه. د روسانو د تجاوز د وخت په شان ئی افغانانو ته غیره خلاصه کړه ، وسلی او پیسیئی ورکولی تر څو د بین المللی قواوو او ناتو عسکرو سره وجنگیزی. ایران چی دامریکا سرسخته دبنمن وو هیخ وخت ئی نه غوښتل چی امریکا په افغانستان کی ارامه پاته شی بلکی یوازی ارزو ئی داوه چه په هر صورت باید امریکا مجبوره شی چی له افغانستانه ووځی، همدارنگه پاکستان هم نه غوښتل چی امریکا په افغانستان کی پاته شی، روسیه او چین هیخ وخت نه غوښتل چی امریکایی او د ناتو قواوی د دوی د هیوادونو په څنگ کی وی نو دوی ټولو غوښتل چی د امریکا تلفات په افغانستان کی زیات شی او امریکا مجبوره شی له افغانستانه ووځی. دوی هر یوه د افغانستان له هغو خلکو سره چی د امریکا د قواو له خوا بی عزته شوی وو او یا هم د جنگ سالارانو له خوا ټکول شوی وو مرستی کولی او هغو ته ئی ویل چی باید دخارجی قواو په مقابل کی جهاد و کری . دیر عربی هیوادونه هم که ظاهراً څه نه وائی خو په پټه د امریکا په ضد دی ، او دامریکا مخالفینو ته پیسی ورکوی. یوخل بیا د جنگ سنگرونه د امریکایی او ناتو قواو په ضد گرم شول اود هغو تلفات زیات شول. له بلی خوا په امریکا کی په ۲۰۰۸ کال کی د بوش دوره سرته ورسیده او انتخابات دیموکراتانو وگټل ، اوباما جمهور رئیس شو. اوباما په لومړی سر کی په افغانستان کی د خپلو عسکرو شمیر زیات کړ تر څو د زور او قوت له لاری و کولای شی د افغانستان جنگ ته د پای ټکی کیردی ولی و نه توانیده چی مخالفینو ته ماتی ورکړی همغه وو چی د جمهوری ریاست په دوهمه دوره کی ئی د خپلو عسکرو د وتلو مهال ویش جوړ کړ ، په ۲۰۱۴ کال کی د ناتو او امریکایی قواو زیاته برخه ووتله. د ملی وحدت د حکومت له را منځ ته کیدو سره سم امریکاد افغانستان د نوی جمهور رئیس اشرف غنی سره امنیتي تړون

لاسلیک کړ چې د هغه له مخې به امریکا حق ولری تر څو په افغانستان کې نظامی اډې ولری او د امریکا یو محدود شمیر عسکر به د ۲۰۱۶ کال تر اخره پوری دلته پاته شی.

د ۲۰۱۴ کال په اخر کې چې کله د ناتو او امریکا قواوی ووتلی نو طالبانو خپلو حملو ته زور ورکړ او په ډیر ولایتونو کې خپل نظامی عملیات سر ته رسول د افغانستان د نظامی افرادو تلفات د پخوا په پرتله زیات شول او جنگونو شدت پیدا کړ. طالبان چې پخوا یوازی په جنوبی سیمو کې موجود وو او فعالیت ئی کاوو د ۱۳۹۰ کال نه وروسته خپلی قواوی شمالي ولایتونو ته هم ولیرلی او هلته ئی هم نارامی جوړه کړه.

د ملي وحدت د حکومت له جوړیدو سره سم د طالبانو سره د سولې

په افغانستان کې د وروستیو...

چې د طالبانو او افغانی هیبت نرمنج د خبرو وړخ ویاځل سوه نو یوه وړخ مخکې پاکستان اعلان وکړ چې د طالبانو مشر ملا محمد عمر دوه کاله پخوا مړ شوی ، د دی خبری سره سم د خبرو بهیر و ځنډیده او دا پوښتنی پیدا شوی چې څرنګه د طالبانو د مشر مرګ دوه کاله پټ ساتل شوی وو او په دی موده کې چا طالبان رهبری کول.

اوس د رسمی خبرو بهیر ځنډیلای ولی جنګونه دوام لری هره ورځ په لسګونونظامی او ملکی کسان وژل کیږی، کورونه ړنګیږی ، او خلک مهاجر کیږی. د جنګ د ختمیدو څرک نه لگیږی او خلک د مایوسی شپي ورځی تیروی.

پورتنیو توضیحاتو ته په کتو سره اوس راځو اصلی مطلب ته چې د دی مقالی عنوان هم ده ، چې په افغانستان کې د جګړی د دوام علتونه څه دی او ولی ئی نږدی څلور لسیزی دوام وکړ.

لکه څرنګه چې په لومړیو کړښو کې مو هم ورته اشاره وکړه د جګړی دوام د افغانستان جیو پولیتیک او جیو استراتیژیک موقعیت ده چې د آسیا په زړه کې پروت ده او له ډیری پخوا زمانی راهیسی لویو قدرتونو تل هڅه کړی څو د خپلی اقتصادی او جغرافیای توسعهی لپاره دا هیواد یا و نیسی او یائی تر خپل نفوذ لاندی راولی. مور د انګریزانو سره د افغانانو دری جنګونه یاد کړل او دا مو وویل چې د دی جنګونو علت د انګریزانو او روسانو د رقابت نتیجه وه . او یا هم په اوسنی پیړی کې چې کله د تروریزم

سره د جگړې په نامه امریکا او د ناتو پوځونه افغانستان ته راغلل نو یو ځل بیا د دوی مخالفینو لکه ایران، پاکستان، چین، روسیه او عربی هیوادونو د امریکا موجودیت په افغانستان کې د ځان لپاره خطر و باله او د افغانستان خلکو ته ئی داسی پیغام ورکړ چی گویا امریکا افغانستان اشغال کړی او باید ورسره جهاد وکړی یو ځل بیا ۱۴ کاله افغانانو د جهاد په نامه د نورو په لمسون د امریکا او ناتو قواو سره و جنگیدل او هغه ئی دی ته مجبور کړل چی له افغانستانه ووځی. ولی په دی ۱۴ کاله جگړه یو ځل بیا ډیر افغانان ووژل شول او ډیر بیا نورو ملکونو ته مهاجر شول.

ما د جگړې د دوام یو عامل د افغانستان جیو پولاتیک او جیو ستراتیژیک

موقیعت و باله ول، ځینی نور عوامل هم شته چې غور او اشاره ورته وکړم.

په افغانستان کې د وروستیو...

حکمرای نه منی او نه غواړی چی د نورو هیوادونو خلک ورباندی حکومت وکړی، ددی خبری د ثبوت لپاره ما د افغانانو لمړی او دوهم جنگ یاد کړی چی عامو خلکو پرتهله مرکزی حکومت نه د انگریزانو سره جگړه وکړه او هغوی ئی مجبور کړلچی افغانستان پریردی همدارنگه د چنگیز او اسکندر مقدونی سره د افغانستان په هر ښار کی جگړی کول ټول د دی ثبوت دی چی افغانان خپلواکی خوبونکی خلک دی.

دریم عامل افغانان په دین مین خلک دی. هرکله چی دوی پوه شی چی د دوی دین او عقیدی ته خطر ده نو بیا دوی د سر او مال نه تیریری او د خپلی عقیدی ساتنه کوی. افغانانو د روسانو سره په لمړی سر کی په تشو لاسو جهاد پیل کړ روسی ټانکونه به ئی په تیر وهل او یا به ئی پطرولی بمونه ور باندی غورزول.

څلورم عامل تر یو څه حده د افغانانو د سواد ټیټه سطحه اوبی وزگاری ده. همدا دلیل ده چی ځینی وختونه د لویو دولتونو په توطیو او دسیسوزر نپوهیری او بی وزگاری هم رول لری ځکه په ډیره لوړه کچه ځوانان بی وزگاره دی، دوی د ځان اوکورنی لپاره د ډوډی د پیدا کولو لپاره مجبوریری د جنگونو لیکو ته ولار شی او د یولوری یا بل لوری په گټه و جنگیری.

پنځم عامل د بین المللی قواوو او په سر کی د امریکا او ناتو قواوو دوه مخی سیاست ده. امریکا او ناتو پوهیری چی تروریستان په پاکستان کی تربیه کیری او د هغو ټول جنگی تجهیزات د پاکستان د استخباراتی اداری له خوا

په افغانستان کې د وروستیو...

اکمال کیری ولی امریکا هیڅ وخت پاکستان تهديد نکر چی ولی تروریستان تربیه کوی او ولی هغه افغانستان ته رالیری چی په افغانی او امریکایی قواوو بریدونه وکړی، برعکس امریکا هر کال په سلگونه ملیونه ډالر پاکستان ته د دی نامه لاندی چی د تروریستانو مخه ونیسی ورکوی. که امریکا او د ناتو غړی هیوادونو پاکستان تهديد کړی وای پاکستان به بیا هیڅ وخت تروریستان نه وو تربیه کړی. زه په دی عقیده یم چی که امریکا و غواری چی دلته سوله راشی نو حتماً به دلته سوله راشی او یا دا چی که امریکا پاکستان تهديد کړی چی د تروریستانو له روزلو لاس واخلي نو بیا دلته سوله راتلاي شی ، هر څه واضح معلوم دی د تروریستانو د روزلو او تجهیز کولو خای پاکستان ده

په افغانستان کې د وروستیو...

ولی داسی معلومیری چی بین المللی ټولنه او امریکا نه غواری چی په افغانستان کی جنگ ختم شی. شاید دوی فکر وکړی چی که جنگ ختم شو بیا به افغانان له دوی و غواری چی له افغانستانه خپلی قواوی وباسی.

شپږم عامل د مخدره موادو کښت، مافیا ، او قاچاقبراندی، دوی ټولو د جنگو له برکته په سلهاو میلیونه ډالر پیداکړی ،دوی خلک وژلی د خلکو مالونه او شتمنی ئی غصب کړی او ځانونه ئی میلیونران کړی. دوی پوهیری چی جنگ نه وی شاید له دوی نه و پو ښتل شی چی دوی دا سرمایه له کومه کړی او یا د خلکو د وژنو په تور محاکمه شی نو دوی په ټول قوت د جنگ اور ته لمن وهی.

اووم عامل د افغانستان گاونډیان (ایران او پاکستان) دی، دا دواړه هیوادونه خپلی گټی د افغانستان د جگړی په دوام کی وینی دوی نه غواری چی افغانستان په خپلو پښو و دریری او بسیا شی. افغانستان د ایران او پاکستان د بی ستندرده او بی کیفیته تولیداتو لپاره یو ښه مارکیت ده او هرکال د ملیاردونو ډالرو په ارزشت دا بی کیفیته توکی چی د دنیا په بل هیڅ خای کی خرڅلاو نلری په افغانستان کی خرڅیری، همدارنگه پاکستان غواری افغانستان دومره کمزوری کړی چی بیا د دیورند د کرښی د عوا و نکړی. ایران او پاکستان هیڅ وخت نه غواری امریکا په افغانستان کی آدی ولری نو په هره وسیله زیار باسی ترڅو دلته جگړه دوام ومومی، د امریکایی عسکرو تلفات او مصارف زیات شی او افغانستان پریردی نو د جگړی اور ته لمن وهی او د دولت له مخالفینو سره پوځی او اقتصادی پریمانته مرستی کوی.

پایله:

د پورتنیو واقعیتونو او د افغان ملت د خپلواکۍ غوښتونکي پاڅونونو په نظر کې نیولو سره ویلای شو چې په افغانستان کې خارجي یرغلگر ځواکونه تل د یو متحد او وسلوال مقاومت سره د تاریخ په اوږدو کې مخامخ شوی دی، چې د مقاومت او د هیواد نه د فاع په لاره کې مو ډیرو ځوانانو، سپین گيرو، نجونو او ښځو خپل خور ژوند له لاسه ورکړی دی. دا ټولې سرښندنې او هڅې د یو خپلواک او اباد هیواد افغانستان د پاتې کیدلو لپاره ورکړل شوی دی. د افغان غیور ملت دغه سپیڅلی د غرور نه ډک خصلت، لا ډیر بخوا مرحوم داود خان به خپل وروستني ملاقات کښې د بخوانې په افغانستان کې د وروستیو...

افغان ملت نه د چا د استعمار لاندې راغلی او نه به هم راسی. که هر دولت د افغانستان نه د گټې اخیستلو لپاره د ځینې عناصرو او مشکلاتو په وسیله هر څومره فشار هم په دی ملت راوړی د یو څو محدودو ورځو پرته نه به د هغوی واکمنی په دی ملت دوام و نه مومی. دا واقعیت له ډیر پخوا بین المللی ټولنی ته هم ښکاره شوی دی نو ځکه هغوی هم خپلو موخو ته د رسیدلو لپاره ټولې لاری او وسیلې په دی هیواد او د دی هیوا پر خلکو امتحان کړی دی چې د دی هیواد د جگړې د دوام لا مل گرځیدلای. خو ښکاره خبره دا دی چې تر څو په دی هیواد کې یو افغان هم وی دا هیواد به هیڅکله د نورو هیوادونو د موخې رسیدلو وسیله نشی.

سرچینې:

- ۱- پنجشیری، دستگیر. ۱۳۷۷. ظهور و زوال حزب دموکراتیک خلق افغانستان، ج ۱ او ۲، انتشارات فضل.
- ۲- رفیع، حبیب الله. ۱۳۷۸. تاریخ فشرده افغانستان، کابل، پشاور، انتشارات سیار.
- ۳- طنین، ظاهر. ۱۳۸۴. افغانستان در قرن بیستم، چاپ اول، تهران.
- ۴- عطائی، محمد ابراهیم. ۱۳۸۴. تاریخ معاصر افغانستان، کابل، انتشارات میوند.
- ۵- عظیمی، محمد نبی. ۱۳۷۸. اردو و سیاست در سه دهه اخیر افغانستان، جلد اول و دوم.

- ۶- غبار میر ، غلام محمد . ۱۳۴۶ . افغانستان در مسیر تاریخ ، جلد اول ، مطبعه دولتی.
- ۷- فرهنگ ، میر محمد صدیق افغانستان در پنج قرن اخیر ، پشاور.
- ۸- گریگوریان وارتان ۱۳۸۸ مترجم: علی عالمی کرمانی ، تهران.
- ۹- لعلستانی. ۱۳۸۴. جنگ قدرت (وقایع سه دهه اخیر افغانستان) ، انتشارات کوچک.
- ۱۰- مصباح زاده ، سید محمد باقر. ۱۳۸۷. تاریخ سیاسی مختصر افغانستان، ناشر مرکز پژوهش های آفتاب.
- ۱۱- یوسفزی ، شیر شاه. ۱۳۷۹. تاریخ مسخ نمیشود ، چاپ اول، انتشارات میوند.

پوهنیار شفیقه لطیفی

رابطه تعلیم و تربیه با انسجام اجتماعی خلاصه :

تعلیم و تربیه نقش اساسی در انسجام اجتماعی دارد. که از طریق فرایند جامعه پذیری و ایجاد زمینه های ارزشی و هنجاری مشترک و کنترل اجتماعی، تاثیر تعیین کننده ای در تامین انسجام و یگپارچه گی اجتماعی دارد.

رابطه جامعه و تعلیم و تربیه یکطرفه نیست. بلکه جامعه برای تداوم حیات خود به درجه ای از مشابهت افکار، ارزش ها و هنجار ها در میان اعضای خود نیاز دارد که تعلیم و تربیه آن را تامین می کند. به عبارت

دیگر، تعلیم و تربیه از ابتدا شباهت های اساسی و هم مانندی های مورد نیاز زنده گی جمعی را به وجود می آورد و در افراد تثبیت می کند؛ امری که برای انسجام و انتظام جامعه حیاتی و ضروری است. هدف از بررسی تعلیم و تربیه کمک در راستای تربیت اجتماعی مطلوب است که در این مقاله تلاش میشود به این موضوع پرداخته شود.

کلید واژه: همبستگی اجتماعی، نظم اجتماعی، تعلیم و تربیه.

رابطه تعلیم و تربیت با...

مقدمه:

همبستگی اجزای یکی از موضوعات اصلی جامعه شناسی است که از آغاز تا اکنون مورد توجه عده یی از جامعه شناسان بوده است. جامعه شناسان بزرگ، چون: تونیس، پارسونز؛ و به خصوص دورکیم که از دو نوع هم بستگی اجتماعی در دو نوع جامعه سخن گفته اند، بیشترین مباحث را در این زمینه ارائه کرده اند.

همچنان نظریه های کارکرد گرایی و نظریه تضاد نیز حول این مفهوم و مناقشات مرتبط به آن بسط و گسترش یافته است به باور دارندورف، جامعه متشکل از دو بعد توافق و کشمکش است، با در نظر داشت این دو نظریه می توان گفت که انسجام اجتماعی هم در نظریه کارکرد گرایی و هم در نظریه تضاد یکی از مفاهیم محوری و مورد توجه صاحب نظران این دیدگاه ها بوده است. کارکرد

گرایی دوام و بقای جامعه را در انسجام اجتماعی می‌داند. و صاحب نظران تضاد نیز جامعه بشری را در دو بعد توافق و تضاد در نظر می‌گیرند. بناهدف تعلیم و تربیه در راستای تربیت خوب اجتماعی قابل تعریف است.

رابطه آموزش و پرورش و انسجام اجتماعی:

مباحث مرتبط به انسجام اجتماعی در جامعه شناسی با نهاد های اجتماعی و به خصوص تعلیم و تربیه عجین گردیده و نهاد تعلیم و تربیه یکی از عوامل اجتماعی ساختن اعضای جامعه به شمار می رود. از این رو نقش تعلیم و تربیه در همبستگی اجتماعی و یا کشمکش پر رنگ جلوه می کند. کارکرد گرایی بر اهمیت پیوند بین تعلیم و تربیه و همبستگی اجتماعی تاکید می کند (صالحی و دیگران، 14:1388). دورکیم معتقد است: جامعه هنگامی میتواند به حیات خود ادامه دهد که بین

رابطه تعلیم و تربیت با...

باید. تعلیم و تربیت از ابتدا اهدافی را مورد نیاز زنده گی جمعی را در کودک تثبیت و از این راه، همگونی مذکور را تنفیذ و تقویت میکند (دورکیم، 46:1368).

آموزش و پرورش یا تعلیم و تربیت در معنای کلی دلالت دارد بر پرورش نسل جوان، تعلیم فکری و اخلاقی، رشد شخصیت و توانایی های ذهنی کودک، نوجوان و جوان به خصوص از راه تأمین آموزش منظم (گولد، ۱۳۷۶: ۲۴). یا به عبارت دیگر، تعلیم و تربیه عبارت است از جریانی نظام مند و هدفدار به منظور تربیت و رشد استعدادها برای رسیدن به کمال مطلوب. در

معنای محدود تر «آموزش و پرورش به هر نوع آموزش و پرورشی اطلاق میشود که به صورت قراردادی و به شیوه ای منظم، منطقی و از روی برنامه ارائه گردد. این نوع تعلیم تربیه با ورود به مدارس یا مؤسسات آموزشی آغاز و در سطوح و مراحل مختلف آن ادامه می یابد (علاقه بند، ۱۳۷۰: ۲۰).

در بررسی جامعه شناختی، تعلیم و تربیه را میتوان هم به عنوان يك فرايند تعريف كرد و هم به عنوان يك نهاد اجتماعي. به عنوان فرايند، هر زمان که شاهد تغییری در رفتار

حسامان با ذهن فدرالشم، تعلیم و تربیه حاصلا

رابطه تعلیم و تربیت با...

گروه های همسالان دارای تأثیر آموزشی است. از سوی دیگر، تعلیم و تربیه به عنوان يك نهاد اجتماعی، ترکیبی از مدرسه و افرادی است که به طرق متفاوت در چارچوب مدرسه با یکدیگر درکنش و واکنش اند. به این ترتیب، بخشی از جریان تعلیم و تربیه در چارچوب نهاد اجتماعی مدرسه صورت میگیرد، ولی بخش دیگر خارج از مدرسه و در

رابطه تعلیم و تربیت با...

پور، ۱۱۸۲: ۱۰.

بر همین اساس، جامعه شناسان معمولاً تعلیم و تربیه را با «جامعه پذیری» یا «اجتماعی شدن» مترادف میدانند. به عقیده ی آنها تعلیم و تربیه ساز و کار رسمی جامعه برای حفظ و انتقال فرهنگ است. به بیان دیگر تعلیم و تربیه یکی از وسایل اجتماعی ساختن افراد در جامعه بوده و بخشی از الگوهای فرهنگی توسط آموزش به اعضای جامعه منتقل می گردد. در این مفهوم، تعلیم و تربیه جریانی است که به

واسطه ی آن، مجموعه ی اعتقادات، ارزشها، هنجارها، دانشها و مهارتهای جامعه به نسل جدید منتقل میشود. یان رابرتسون «آموزش» را تقریباً مترادفاً «جامعه پذیری» میدانند. زیرا هر دو واژه در بردارنده ی مفهوم انتقال فرهنگ از شخص یا گروهی به شخص یا گروه دیگر است. به عقیده ی وی، «آموزش عبارت است از انتقال منظم و سازمان یافته ی دانش، مهارتها و ارزشها».

این تعریف با جایگاهی که تعلیم و تربیه در جوامع فعلی دارد، مرتبط است. تعلیم و تربیه در جوامع نوین به فعالیت رسمی و صنعتی تبدیل شده است. در این جوامع، فعالیت های آموزشی سازمان یافته و برای برخی افراد در سنین خاص اجباری هستند. افرادی نیز به عنوان معلم و متخصص آموزش، تربیت شده اند و محلها و تجهیزاتی برای آموزش و فراگیری دانش مهیا شده است (رابرتسون، ۱۳۷۴: ۳۴۹).

تعریف و برداشتی که در جامعه شناسی از مفهوم تعلیم و تربیه ارائه میشود، کاملاً تحت تأثیر اندیشه های دورکیم قرار دارد. وی تعلیم و تربیه را موضوعی کاملاً اجتماعی میدانست و معتقد بود: «تربیت، اجتماعی کردن نسل جوان است (دورکیم، ۱۳۶۸: ۴۸) و در واقع چیزی نیست جز تأثیری که از طریق نسلهای بزرگسال بر کسانی که هنوز برای زنده گی اجتماعی آماده نیستند، اعمال میشود. پس می توان گفت که دورکیم نیز تعلیم و تربیه را به مثابه جامعه پذیری در نظر دارد. بنابراین، نقش تعلیم و تربیه در جامعه، آن است که کود کانی را که هنوز اجتماعی نشده اند، متناسب با نظام اجتماعی

بار آورده و برای سازگاری با محیط خاص اجتماعی شان آنان را به ارزشها ، رسوم و عادات مقتضی ، مجهز سازد. و آنها را در همدیگر پذیری که هما نا همبستگی اجتماعی است آماده کند.

انسجام یا همبستگی اجتماعی معمولاً مفهومی را می رساند که برپایه ی آن در سطح یک گروه یا یک جامعه ، اعضا به یکدیگر وابسته اند و به طور متقابل نیازمند یکدیگر می باشند انسجام اجتماعی همچنین نوعی احساس ارتباط ، گرایش و تعامل با دیگران است و منظور از آن «احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا چند گروه است که از آگاهی و اراده برخوردار باشند» (بیرو، ۱۳۶۶: ۴۰۰). انسجام اجتماعی در این معنا، در واقع احساس همبستگی، پیوند و تعهد عاطفی است که اعضای جامعه نسبت به یکدیگر دارند (وزیری، ۱۳۸۳: ۱۱۸). این مفهوم به درجه یا نوع همگرایی یک جامعه و در واقع، به پیوندها و روابطی که اعضای یک جامعه یا گروه را به یکدیگر مرتبط می سازند، اشاره دارد.

به نظر دورکیم ، هر جامعه انسانی مستلزم همبستگی است، یعنی پیدایی این احساس در مردم که همه آنان «اعضای یک پیکرند» و با یکدیگر پیوند دارند. ولی از لحاظ تاریخی ، همبستگی ممکن است انواع متفاوتی داشته باشد. دورکیم، از دو نوع همبستگی نام برده و آنها را همبستگی مکانیکی (ماشینی) و همبستگی ارگانیکی (زنده یا اندام وار ، در قیاس با اندام موجود زنده) نامیده است (استونز 1379).

پرسش از علت یا علل به هم پیوسته گی و انسجام اجتماعی، پرسشی دیرینه و بنیادین در

رابطه تعلیم و تربیت با...

پیوسته گی اجتماعی اعضای جامعه را فراهم میکند؟ یکی از پرسشهایی بوده که از دیرباز جامعه شناسان سعی کرده اند، به آن پاسخ دهند. (کوزر، ۱۳۸۳: ۱۹۳).

براساس دیدگاه کارکرد گرایی، جامعه کلیتی است متعادل و شامل خرده نظامهای متعدد که اهداف و کارکردهای هر یک از این خرده نظامها، ضمن اینکه با یکدیگر هماهنگی دارند، با اهداف و نیازهای نظام اجتماعی کل نیز هماهنگ و همسو هستند و مجموعاً نظام متعادل را تشکیل میدهند. از اینرو، هنگامی که پدیده یا نهادی را از زاویه ای کارکردی بررسی میکنیم، می باید وجود آن را برحسب پیامدهای سود مندش برای کل نظام اجتماعی یا یکی از نظامات مهم تابعه آن، تبیین کنیم. به گونه مثال: جامعه منحل مجموعه یک نظام کلی و همبسته است که از اجزای گوناگون یا ساختارهای کوچک تشکیل گردیده است، در تکامل و انکشاف جامعه باید به همه اجزای آن توجه داشت، هرگاه به یکی از اجزا مثلاً صحت عامه توجه زیاد شود، این امر سبب افزایش نفوس می شود، افزایش نفوس به مواد غذایی، مسکن، آب آشامدنی، ترانسپورت، کودکان، مکتب، دانشگاه، شغل و... ضرورت دارد که، باید به همه توجه داشت و به صورت متعادل و متناسب به افزایش آنها مساعی صورت گیرد. در غیر آن سبب بحرانها می شود که جامعه

را آسیب پذیر می سازد. مانند: گسترش موسسات تحصیلات عالی در کشور به صورت یک جانبه که چالش بیکاری تحصیل یافته ها را به وجود آورده است.

به قول مرتون، در این گونه بررسی ها هدف این است که نشان دهیم، فلان عامل در کل نظام اجتماعی یا فرهنگی چه نقشی بازی می کند. در

رابطه تعلیم و تربیت با...

دارند و هدف تحلیل خدمتی یا کارکردی این است که خدمت خاص هر نهاد یا عمل را به دست آورد. (لیتل، 156:1373).

برهمن اساس، کارکرد گرایان تعلیم و تربیه را یکی از مهمترین خرده نظامهای اجتماعی میدانند که به سهم خود، کارکردهای مهمی در جهت پایداری و بقای نظام اجتماعی دارد. کارکرد گرایان در دو سطح خرد و کلان، کارکردهای گوناگونی را به تعلیم و تربیه نسبت میدهند. در سطح خرد عمدتاً تأکید بر نقش تعلیم و تربیه در پرورش جامعه پذیری و ایجاد زمینه های ارزشی و هنجاری مشترک، وفاق اجتماعی را به وجود می آورد و احساس تعلق به هویت جمعی را تقویت میکند. در سطح کلان نیز، ارتباط متقابل بین خرده نظام تعلیم و تربیه و سایر خرده نظامها، از قبیل اقتصاد و سیاست و نیز ارتباط این مجموعه با کل نظام اجتماعی مورد نظر است. در واقع، وابسته گی متقابل بین نهادها و خرده نظامهای اجتماعی و از جمله تعلیم و تربیه و کارکردهایی که هر یک از خرده نظامهای اجتماعی برای سایر خرده نظامها و کل نظام اجتماعی

دارد اساس بحث کارکرد گرایان را در این سطح تشکیل میدهد (نوغانی ۱۳۷۵: ۱۸، ۱۶).

از منظر کارکرد گرایان، تعلیم و تربیه به عنوان عاملی مقتدر و همه گانی، میتواند به ایجاد همبستگی و انسجام در ساختار جامعه که بر اثر تفکیک و تخصص، دستخوش تفرقه و پراکندگی ارزشهای فرهنگی میشود، مدد برساند (علاقه بند ۱۳۷۰: ۱۳۸). از نظر دورکیم به عنوان بنیان گذار کارکرد گرایی، تعلیم و تربیه به نوبه خود باعث به وجود آمدن تخصص گرایی و تقسیم کار اجتماعی می شود و تقسیم کار اجتماعی اصلی ترین عامل همبستگی اجتماعی در جامعه به شمار می آید.

رابطه تعلیم و تربیت با...

غیره هستند و تعلیم و تربیه میتواند در افراد جوان این قابلیتها را با فرهنگ عمومی جامعه هم نوا و آشنا سازد و به این ترتیب وسیله ی مهمی برای تبدیل یک جامعه ی نامتجانس به جامعه ای یگانه و یکپارچه از طریق تقویت و توسعه ی فرهنگ و هویت مشترک باشد. از اینرو، ظهور دولتهای ملی با ایجاد نظامهای آموزش و پرورش متقارن بوده است. مدارس با تدریس زبان رسمی به یکپارچه شدن اقوام مختلف داخل کشورها تا حد زیادی مدد میرسانند و آگاهی از تعلق به یک ملیت را در آنها تقویت می کند. نهادهای تعلیم و تربیه مخصوصاً در کشورهای چینی، افغانستان که دارای خرده فرهنگ های گوناگون می باشد می تواند به همگونی اجتماعی منجر گردد.

حفظ انسجام اجتماعی از سوی نهاد های نظیر تعلیم و تربیه، به مثابه ی باز

تعریف هویت فرهنگ ملت ها حائز اهمیت است؛ زیرا بایستی احساس پیوند با یک ملت واحد را به افراد القا نماید و از سوی دیگر، هنجار های اجتماعی و ارزشهای غالب رسمی و غیر رسمی را تحکیم بخشد. این احساس انسجام در عالی ترین شکل خود به نوعی احساس افتخار از اطاعت از ارزشهای رسمی منتهی می شود. هنجار های که معیار انسجام اجتماعی اند، در قالب نظم اجتماعی قابل تبیین هستند. نظم اجتماعی را میتوان در دو گونه متمایز طبقه بندی کرد: نخست نظم بیرونی یا نظم سیاسی است و دیگری نظم درونی یا نظم فرهنگی. در نظم سیاسی، نظم اجتماعی بصورت بیرونی و از بالا به پشتهوانه ی قدرت سیاسی اعمال و مستقر می شود. اعضای جامعه در این نظم با توجه به منافع خود به سازگاری بیرونی تن می دهند. در چنین نظامی «اعتماد اجتماعی متقابل تعمیم یافته» و تعهد درونی تعمیم یافته یا ضعیف است و یا وجود ندارد. در این حالت میتوان شاهد

رابطه تعلیم و تربیت با...

گروه اولیه و سطح جامعه ی ملی وجود دارد و می توان آن را به ضعف جامعه ی مدنی نسبت داد که به صورت متعارف در میان شهروند و دولت واقع است. این گونه از نظم، در آموزش های رسمی نظام آموزش و پرورش از طریق آموزش های مستقیم و اعمال تشویق برای جلوه های بیرونی نظم گسترش می یابد. در نظامی که مبتنی بر انسجام اجتماعی تعمیم یافته باشد، اجتماع عام

(ملی) انحصار منابع و پا داش های ارزشمند را اساساً خود در اختیار میگیرد و از این رو مرز های اجتماعی بیشتر مسدود و به تبع آن قدرت مانور نیروهای گریز از مرکز، (اعم از اخلاص گران نظم اجتماعی و منحرفان و نیرو های مخالف سیاسی) کمتر می شود. به علت وجود انسجام اجتماعی حفظ طراوت فرهنگی به اشکال مختلف از جمله از طریق فرایند قدسی شدن متناوب ارزشها، در اذهان شهروندان درونی می شود- و به دنبال آن کنترل و مدیریت جریان انرژی عاطفی در جامعه به راحتی میسر می گردد.

تأثیرات انسجام اجتماعی در میزان نظم که هردو برآمده از خاستگاه تعلیم و تربیه هستند، از این قرار است:

الف- انسجام اجتماعی موجبات ثبات سیاسی را فراهم می کند.

ب- انسجام اجتماعی دو مشکل بنیانی را که هر نظم اجتماعی بالقوه با آن دست به گریبان است، یعنی پیش بینی پذیری رفتار های اجتماعی و تعاون اجتماعی را حل می کند.

ج- با حل دو مشکل فوق و به دلیل ظهور اعتماد اجتماعی متقابل، زمینه برای همکاری اجتماعی و مشارکت اجتماعی که خود پیش شرطی

رابطه تعلیم و تربیت با...

می گردد.

د- با وجود انسجام اجتماعی گسترده و تعمیم یافته و هویت های جمعی بارز و نسبتاً یکپارچه جامعه دربرخورد با فرهنگ های

بیگانه و فرایند انتشار فرهنگی، هرآن در ابعاد مختلف، تحرک بیشتری کسب می کند؛ ضمن اینکه می تواند در مقابل عوامل مخرب از خود مصونیت بیشتری نشان دهد و همزمان به صورت فعالانه با آنها برخورد نماید و به صورت گزینشی برخی از عناصر آنها را به نفع خود جذب کند.

ه- از جمله راه های کاهش میان اخلاق نظری و اخلاق عملی، تقویت انسجام اجتماعی عام و تعمیم یافته است. در نظام اجتماعی که بر اساس انسجام اجتماعی عام و تعمیم یافته استوار است، از نظام آموزش و پرورش انتظار می رود که نظام شخصیتی مطلوب را واجد تمایلاتی نظیر وابسته گی عاطفی تعمیم یافته به اجتماع و هویت جمعی تعمیم یافته و تعهد درونی تعمیم یافته و خرد گرایی و سمت گیری عام گرایانه نسبت به موضوعات اجتماعی و فرهنگی تنظیم نماید. در این گونه نظام آموزش و پرورش، همه ی افراد و موضوعات اجتماعی به یک چشم نگریسته می شود. (چلبی، 1386:153).

در ساختار نظام منسجم، نظارت اجتماعی بیشتر بر اساس خجالت و تقصیر است تا احساس ترس و بیم؛ زیرا در چنین نظامی سلوک و منش افراد بر اساس تعهد درونی و تمایل به «خود تنظیمی» یا وجدان خودی صورت می گیرد. به این ترتیب هرگاه انسجام اجتماعی عام و تعمیم یافته وجود داشته باشد، احتمال انحراف از قواعد اجتماعی کاهش می یابد. نظم مورد نظر در تعلیم و تربیه هر اندازه

به سمت آموزه های خود کنترولی پیش رود، بر انسجام اجتماعی تأکید بیشتری دارد. در حقیقت نظام آموزشی مبتنی بر نهی و تنبیه بایستی هرچه بیشتر به سمت تبیین و انگیزه بخشی های ارزشی پیش رود. در این حالت اخلاق

رابطه تعلیم و تربیت با...

عام اخلاق در چارچوب اجماع تعمیم یافته می پردازد. مفاهیم اخلاقی مورد تدریس در این صورت، علاوه بر تأکید بر ارزشهای نظام اجتماعی و سیاسی، به تبیین حسن و قبح فی نفس در عملکرد افراد به کنترول خودی و عزت نفس می پردازد.

و- انسجام اجتماعی علاوه بر نشانه های قابل مشاهده ی آن گویای نوعی احساس یا عاطفه است. غالباً این اتفاق نظر وجود دارد که عاطفه موضوعی کاملاً خصوصی است و متکی به دستگاه اعصاب خود کار است که حتی از اراده ای آگاهانه فرد نیز خارج است، اما نباید این واقعیت را هم از نظر دور داشت که غالباً این روابط اجتماعی هستند که اعصاب را تحریک می کند. در تحلیل های جامعه شناختی و روان شناختی میتوان پنج احساس منفی، یعنی تقصیر، خجالت، اضطراب، افسردگی و عصبانیت را موجد روابط اجتماعی دانست. به همین ترتیب، روابط اجتماعی در دو بعد قابل تبیین اند که شامل بعد قدرت و بعد منزلت می شود. بعد رابطه ی قدرت حاوی زور گویی، اجبار، تعهد، سلطه یابی، تنبیه، تهدید و غیره است. بعد رابطه ی منزلتی

حاوی ایثار، حمایت عاطفی، دوستی، تمجید و غیره است. (صالحی و دیگران، 1388:12).

نظام تعلیم و تربیه در جهت حفظ و باز تولید انسجام اجتماعی باید بر رابطه ی منزلتی شاگردان تاکید نماید. هنگامیکه سیستم تعلیم و تربیه با اجزای خود رابطه ای منزلتی را شکل دهد، طبعاً شاگردان نیز هرچه بیشتر خواهند کوشید این نوع رابطه را در میان خود باز تولید کنند. این امر همواره بایستی با آگاهی دهی درست شکل گیرد. تعلیم و تربیه در متون درسی و نیز در نوع روابط نظام مند خود باید تلاش نماید، تا هنجاری ها و ضد ارزش ها را بتیین کند. رشد روابط قدرت به تحریک احساسات منفی می انجامد، به عنوان مثال، احساس تقصیر زمانی بروز می کند که فرد اذعان داشته باشد رفتار او برای مثال با دیگران، مطابق با ارزشهای اخلاقی درونی نیست. وقوف با این امر باعث برانگیخته شدن احساس تقصیر در فرد می شود. احساس تقصیر برانگیخته شده میتواند خود شخص را هدف قرار دهد و درون فکن گردد. به این ترتیب، تقصیر به صورت تأسف و پشیمانی و تمنا برای رهایی از «درد روانی» حس می شود. هنگامی می توان این احساس را موجب برهم خوردن انسجام اجتماعی دانست که فرا گیر شده باشد. هنگامی که نظام تعلیم و تربیه به تعریف هنجارها و نه صرفاً ارزشهای عمومی و کلی توجه کافی نشان نداده باشد، احساس تقصیر نهادینه شده رفته رفته انسجام

شخصیتی و سپس انسجام اجتماعی را مورد آسیب قرار خواهد داد. از سوی دیگر زمانیکه در روابط قدرت در نظام تعلیم و تربیه عدم توازن وجود داشته باشد، شخصی که در روابط دارای قدرت کمتری است، نسبت به تخطی و تجاوز فرد قدرتمند آسیب پذیر است. روابط ابزاری در آموزه های نظام تعلیم و تربیه بایستی هرچه بیشتر نفی شود؛ به ویژه آنکه افزایش روابط قدرت منجر به گسترش عدم تعادل روانی در بعد کلان است و تربیت اجتماعی را مختل می سازد. (ریترز، 1385:156).

نتیجه:

نتیجه که از مطالب مرور شده در این مقاله بدست می آید اینکه، تعلیم و تربیه یکی از فرایندهای تاثیر گذار در جوامع بشری بوده که در کنار سایر کارکردهایش، به تقویه انسجام و هم بستگی اجتماعی نیز می افزاید. نقش تعلیم و تربیه در تحکیم انسجام اجتماعی بیشتر از طریق فرایند جامعه پذیری افراد جامعه برجسته می گردد. زیرا تعلیم و تربیه از یک طرف افکار و ارزش های کلی جامعه را در مسیر هم رنگی و هم مانندی هدایت می کند، و از طرف دیگر به عنوان یک نهاد اجتماعی بستر مناسبی را برای تعاملات متقابل افراد جامعه که مبتنی بر اصل هم دیگر پذیری و درک تفاوت های دیگران باشد، فراهم می کند. یعنی تعلیم و تربیه توانایی تحمل تفاوت های دیگران را در وجود ما افزایش می دهد که به این دلیل می تواند مبنای خوبی برای توافق جمعی به حساب آید. و در ضمن تعلیم و تربیه،

وسیله مهمی برای تبدیل نمودن یک جامعه پراکنده و غیر متجانس به یک جامعه یک پارچه و متحد از طریق تسریع توسعه فرهنگی و تقویت هویت مشترک پنداشته میشود. هویت مشترک که خود نتیجه تعلیم و تربیه است، نیز به نوبه خود میتواند زمینه ساز احساس و تعهدات جمعی و مستحیل شدن خواسته های فردی در درون منافع جمعی واقع گردد.

منابع:

1. استونز، راب . (1390). متفکران بزرگ جامعه شناسی، ترجمه: مهرداد میردامادی، تهران: نشرمرکز.
2. بیرو، آلن . (۱۳۶۶). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه ی باقر ساروخانی، انتشارات کیهان، تهران، چاپ اول.
3. چلبی، مسعود. (1386). جامعه شناسی نظم . (تهران: نشرنی، چاپ دوم).
4. دورکیم، امیل . (1368). درباره تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، کتاب سرای بابل چاپ اول.
5. رابرتسون، بان . (۱۳۷۴). درآمدی بر

رابطه تعلیم و تربیت با...

- استان قدس رضوی، مشهد، چاپ دوم .
6. ریتزر، جورج . (1389). نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران انتشارت علمی، چاپ شانزدهم
 7. شارع پور، محمود . (۱۳۸۶). جامعه شناسی آموزش و پرورش، انتشارات سمت، تهران، چاپ سوم .

8. صالحی امیری، و دیگران. (1388). آموزش و پرورش و انسجام اجتماعی، مجله رشد آموزش شماره 1 دوره 13.
9. علاقه بند، علی. (۱۳۷۰). جامعه شناسی آموزش و پرورش، کتابخانه ی فروردین، تهران، چاپ پنجم.
10. کوزر، لوویس. (1387). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران انتشارت علمی. چاپ یازدهم.
11. گولد، جولیوس و کلب، ویلیام. (۱۳۷۶). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر پرهام و دیگران، انتشارات مازیار، تهران، چاپ اول.
12. لیتل، دانیل. (1373). تبیین در علوم اجتماعی، ترجمه، عبدالکریم سروش، انتشارات موسسه فرهنگی طراط، تهران چاپ اول.
13. وزیری، محمد جواد. (1383). بررسی تأثیر انسجام و انعطاف پذیری خانواده بر شکلگیری هویت در جوانان شهرشیراز، فصلنامه ی مطالعات جوانان، شماره ای 7.
14. نوغانی، محسن. (1375). نظریه ی بازتولید اجتماعی و فرهنگی در آموزش و پرورش، مجله ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد شماره 35.

نقش خانواده در پیشرفت تحصیلی جوانان

خلاصه:

ارتقاء و عظمت يك جامعه بسته به پیشرفت تحصیلی اعضای آن است که اعضای آن تا چه حد از طریق فراگیری آموزش در خدمت جامعه خویش حس وظیفه شناسی دارند و چقدر خود را در افزایش تولید و بالا بردن سطح درآمد ملی سهم می دانند که این امر از طریق موسسات آموزشی، رفتار والدین و محیط شغلی قابل آموزش است که دانش آموزان باید آن را بیاموزند. ساده ترین انگیزه پیشرفت، تمایل به انجام کار به نحوی احسن است، فردی که نیاز شدیدی به پیشرفت داشته باشد، می خواهد در کار های خود موفق باشد، نه به خاطر کسب سود یا مقام بلکه فقط به خاطر انجام بهتر کار. برخی اوقات محصلان در محیط آموزشی فعالیت های را انجام میدهند تا کارایی شان ارزیابی شود مانند امتحانات، گاهی اوقات به فعالیت های عادی می پردازند بدون این که قصد ارزیابی وجود داشته باشد یا شکست و پیروزی مطرح باشد مانند خواندن کتب موجود در کتابخانه ها.

کلید واژه: خانواده، جمعیت، آموزش و پرورش، انسجام اجتماعی شهروند

نقش خانواده در پیشرفت...

مقدمه

امروز دامنه پژوهش‌ها در مورد تعلیم و تربیت وسعت بسیار پیدا کرده است. اقتصاد دانان متقدم به بحثی کلی درباره اهمیت اقتصاد در تعلیم و تربیه پرداخته‌اند. نقش خانواده در پیشرفت تحصیلی محصلان در شرایط کنونی رول مهم وارزنده را در انکشاف اقتصادی کشور ایفا می‌کند.

پیشرفت و توسعه علوم در همه بخشهای زنده گی واز جمله در امر تولید و کمیت و کیفیت آن تحول و تغییر ایجاد کرده است. این تحول و تغییر امری محدود نیست بلکه سیر آن دایم ادامه می‌یابد، طبعاً مسایلی چون حرفه و مشاغل نیز تحت تاثیر آن قرار می‌گیرد.

بنأ ضروری است که در پرورش اقتصادی و آموزش حرفه ای موضوع زمان در نظر گرفته شود و افراد را بر اساس نیاز زمان پروراند. یکی از مسایل مهم در پرورش اقتصاد این است که فرد را آن چنان پروراند که کار و تلاش اقتصادی را وظیفه خود بداند، این سخن بدان نظر است که برخی آن چنان عادت کرده‌اند که اگر درآمدی داشته باشند و فعلاً نیازی به تحمل رنج برای کسب در آمد بیشتر نداشته باشند به بیکاره گی، سستی و تن پروری می‌پردازند، در حال که کار یک امر ضروری و مداوم است نه تنها برای خود بلکه برای گرداندن چرخ جامعه.

هدف از نوشتن این مقاله برجسته ساختن عوامل پیشرفت تحصیلی محصلان می‌باشد، اهمیت موضوع به گونه است که می‌تواند در

آینده برای نسل فردای ما تاثیرات مثبت به بار آورد. اطفال امروز ما باید به کار انداخته شوند و فرصت کافی برای شان داده شود که به کار های دیگر رسیدگی کنند. یادگیری امری دایمی است و نسبت به خصوصیات روانی و هدف ها و تمایلات فرد ونحوه ارتباط آن با محیط که کل شخصیت فرد را تشکیل می

نقش خانواده در پیشرفت...

افراد از لحاظ بدنی، روانی، تمایلات و هدف ها با دیگران متفاوت است روی این اصل جریان یادگیری در افراد مختلف متفاوت است. از جانب دیگر این مقاله يك تحقيق كتابخانه ای بوده و از منابع معتبر علمی استفاده به عمل آمده است. آنچه را می توان در این تحقیق پیش بینی کرد این است که عوامل زیادی در به وجود آمدن این موضوع دخیل است وهمچنان در تدوین این مقاله موضوعاتی جمع بندی شده که می تواند نیاز يك خواننده را مرفوع گرداند.

تاثیرات محیط خانواده بر موفقیت تحصیلی: محیط یاد گیری دوران اولیه کودکی در چهار چوب خانواده عامل بسیار مهمی در موفقیت تحصیلی اوست. برخی معتقدند که ۸۰٪ هوش بالقوه تا سن ۸ سالگی، رشد میکند.

تحقیق معروف کلمن تحت عنوان برابری فرصت آموزشی نشان داده که تاثیر محیط خانواده بر موفقیت تحصیلی به مراتب بیشتر از تاثیر برنامه های مدرسه است. مطالعه معروف دیگر توسط جنکز به نتیجه مشابهی رسید، مبنی بر اینکه ویژه گیهای خانواده

گی مهمترین متغیر در تعیین موفقیت دانش آموز است. به عبارت دیگر بر اساس این مطالعه شغل، درآمد و تحصیلات والدین (که همان پایگاه اقتصادی - اجتماعی را تشکیل می دهند) قویترین عامل برای موفقیت تحصیلی دانش آموز است. تحقیقات بعدی هم نشان داد که مشارکت والدین در امور مدرسه ارتباط مثبتی با موفقیت تحصیلی دانش آموزان دارد. (6: 30-31).

میزان مشارکت و دخالت والدین در فرایندهای آموزشی نیز تا حدود زیاد بستگی به طبقه اجتماعی آنها دارد. تحقیقات زیادی در مورد سرمایه فرهنگی که کودک از زندگی

نقش خانواده در پیشرفت...

طبقه بالا و متوسط زمینه و امکانات مفید برای تجربه آموزشی پدید می آورد ولی در مقابل سرمایه فرهنگی کودکان طبقه پائین مورد تائید نهاد های جامعه مانند آموزش و پرورش نیست. (7:24).

خانواده های طبقه متوسط مواد آموزشی بیشتری مانند کتاب، روزنامه و مجله در خانه دارند. کودکانی که در خانه به مطالعه می پردازند در امتحانات مختلف در مدرسه موفق ترند. والدین این کودکان با آنها در دروس شان همکاری می نمایند، به کتابخانه میروند و در فعالیت های مدرسه مشارکت می کنند، اینها هم چنین از موزیم ها بازدید می کنند و به موسیقی گوش می دهند. تمام

این فعالیت ها به نحوی ارزش آموزش و پرورش را در کودک تقویت می کنند.

در تحقیقات مربوط به دانش آموزان بررسی های متغییر مربوط به خانواده و رشد کودکان تاریخچه طولانی دارد. یکی از مهمترین مطالعات متعلق به دایانا بومریند است، او طبقه بندی جالبی در مورد رفتار والدین نسبت به فرزندان شان پیشنهاد نمود، به اعتقاد او دو جنبه از رفتار والدین نسبت به کودکان حایز اهمیت است:

1- پاسخ دهی والدین: منظور از پاسخ دهی والدین عبارت است از اینکه آنها تا چه حد به نیاز های فرزند خویش به شیوه حمایتی و پذیرنده عکس العمل نشان می دهند.

2- توقع والدین: تقاضا های والدین عبارت است از اینکه تا چه حد والدین خواهان رفتار مسئولانه از سوی فرزند خود هستند. برخی از والدین توقعات و

نقش خانواده در پیشرفت...

نکته مهم اینست که این دو بعد مستقل از یکدیگرند، یعنی احتمال دارد که پدر و مادر بسیار تقاضامند باشند ولی اصلاً به فرزندانشان خود عکس العمل نشان ندهند. (2: 205-207).

اشتغال مادر و تاثیر آن بر موفقیت فرزندان: افزایش مشارکت زنان در بازار کار سبب انجام تحقیقات زیادی در مورد تاثیر اشتغال مادر بر فرزندان شده است. جوانانی

که دارای مادران شاغل هستند از سایر جوانان متفاوت اند. به طور کلی اشتغال مادر بر دختران تاثیر مثبت دارد ولی تاثیر آن بر پسران ناچیز و متفاوت است. در طبقات متوسط اجتماعی دخترانی که مادران شان شاغل هستند در مقایسه با همسالان خود امیدها و آرزوهای شغلی بالاتری دارند ولی این یافته الزاماً در مورد پسران صدق نمی کند. (8):

(7).

تحقیقات زیادی در مورد اشتغال مادر بر موفقیت تحصیلی فرزندان صورت گرفته است. نتیجه برخی از مطالعات این بوده است که در خانواده های طبقه متوسط و بالا اشتغال تمام وقت مادر در طول دوران تحصیلی مکتب فرزندان با عملکرد ضعیف تحصیل پسران ارتباط دارد اما در مورد عملکرد تحصیلی دختران این گونه نیست. محققان از این یافته ها در شگفت هستند که چرا اشتغال تمام وقت مادر فقط بر پسران تاثیر منفی دارد نه بر دختران. یکی از تبیین های ارائه شده به تاثیر اشتغال مادر بر نظارت والدین و بخصوص نظارت آنها بر امور تحصیلی بر می گردد.

(تبیین دوم مربوط می شود به تاثیر اشتغال مادر بر رابطه فرزندان پسر با سایر اعضای خانواده، تحقیقات اخیر نشان داده است پسرانی که مادران شاغل دارند در مقایسه با سایر پسران بیشتر با مادر، خواهر و برادران خود دچار دجل و درگیری اند. برخی علت این امر را به افزایش تقاضا

از جوان برای کار در خانه نسبت می‌دهند. پسران بیش از دختران به کار کردن در خانه اعتراض می‌کنند. (1: 20).

علل اجتماعی: دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی مسائلی چون کثرت جمعیت، سرعت رشد، ازدیاد جمعیت و کمبود مواد غذایی را دلیل برای تنظیم خانواده و پیش‌گیری از نسل‌ذکر می‌کنند، در حالیکه این بیان به حقیقت ماسکی بر روی جنبه‌های خلاف عدل جاریه در جهان است. اگر از اسراف‌ها و افراط و تفریط‌ها جلوگیری به عمل آید، اگر عده‌ای از اتلاف و نابود کردن مواد غذایی خود داری‌کنند، منابع موجود غذا نه تنها همه انسان‌ها را سیر می‌کند بلکه مزایای هم وجود خواهد داشت. به علاوه با بهره برداری از دیگر منابع غذایی در زمین که فعلاً بلا استفاده مانده اند می‌توان ده‌ها میلیون نفر را تغذیه کرد. (4: 40).

از سوی دیگر بر اساس تحقیقاتی که به عمل آمده علل و عوامل متعددی در جامعه وجود دارد که موجب تعدیل جمعیت می‌شوند. اصولاً آنچه که تحت عنوان نظر مالتوس در باره جمعیت مطرح شده است سخنی متزلزل است و امروزه نظرات بسیاری در زمینه خلاف آن یافته‌اند.

شکی نیست که با افزایش جمعیت مسائل جدیدی در جنبه رفاه و آسایش زنده‌گی، تهیه وسایل و انبار مطرح خواهد بود ولی این امر چنان نیست که نسل آینده منحصراً چون دست

های شکسته بر گردن اجتماع باشند. آنان نیز دارای قدرت ذهنی، نیروی فکری و بازوی

نقش خانواده در پیشرفت...

برای رندی سهم خواهد بود.
در هر حال ذکر این نکته مهم است که دلایلی از این قبیل نمی تواند موجب پیش گیری از تولد فرزند شود. بلی اگر به فساد جامعه و عدم قدرت جامعه و عدم قدرت بر اداره فرزند در جوامع کنونی تکیه شود شاید بتواند عذری قابل قبول تر عرضه نمود. (5:9-6).

ضرورت تربیت اقتصادی: نظر به اهمیت اقتصاد در زنده گی و سر نوشت آدمی ضروری است به آموزش اقتصادی اطفال همت گمارده شود و چه بهتر که پدران اطفال خود را متوجه امور اقتصادی از طریق خرید و فروش و کارهای تولیدی نمایند و با پایه گذاری ایجاد شور و شوق در این زمینه بپردازد تا در دوران جوانی از کار و پذیرش آن سرباز نزنند.

پدر عملاً در تهیه غذا، لباس و وسایل رفاه و آسایش و معیشت اهل خانه نقش اساسی دارد، و طفل خود به خود حتی در سنین خرد سالی با این موضوع آشنا شده و او را برای خویش مبنا و منشاء قدرت می شناسد. نیاز های خود را به او اعلام می کند و در می یابد که او مرکز مراجعه است.

او تدریجاً در می یابد که باید پدر و یا مادر عهده دار انجام وظیفه گردد و با فنون و حرفه ای آشنا گردد و این خود زمینه

ای برای فرا گیری بسیار از وظایف حرفه ای و شغلی است در عین حال محرکی برای این کار و وظیفه از خارج باید باشد و پدر ضمن القا و تذکرات شوق و رغبتی را در این راه در او پدید آورد. (5: 45).

نقش خانواده در پرورش اجتماعی: با توجه به نقش والدین در نزد کودکان در سال های اولیه زنده گی و با توجه به آماده گی های ذهنی و جنبه تقلیدی کودک در سنین اولیه نقش والدین در زمینه پرورش اجتماعی فوق

نقش خانواده در پیشرفت...

شورا ها و بحث ها، با همراه بردنش به مجامع مختلف با ایجاد زمینه مناسب برای فعالیت های او تا حدود زیادی او را برای ورود به زندگی اجتماعی آماده خواهند کرد، در عین حال بسیاری از موارد از طریق آموزش مستقیم باید به کودک آموخته شود، از آن بابت که امکان توسعه همه جانبه تجارب برای کودک در خانواده نمی تواند فراهم باشد. بنابراین والدین دو گونه مسئولیت در این زمینه دارند:

- یکی آموزش مسائل و رفتار اجتماعی از راه مستقیم
- و دیگر از طریق عمل و رفتار. (3: 20).

نتیجه گیری:

از مقاله ای که تحت عنوان نقش خانواده در پیشرفت تحصیلی محصلان به رشته تحریر گرفته شده است از آن چنین نتیجه گیری می شود. کودکان که پاره های پیکر والدین و اعضای شدیداً وابسته به آنها می باشند. دارای حقوق فوق العاده مهم و قابل توجه می باشند که والدین در قبال آنها مسئولیتی عظیم دارند. نخستین حقوق کودکان اینست که آنها را به همان گونه که از لحاظ شکل و جنس بدنیا می آیند بپذیرند.

کودک امانتی از سوی خداوند(ج) در دست والدین است آنها وظیفه دارند چون باغبانی این نهال نه رسیده را نیکو بپرورانند و

نقش خانواده در پیشرفت...

رساندن او فراهم کنند. والدین موظف اند در طول دوران تربیتی او میراث علمی و فرهنگی جامعه را به او منتقل و زمینه را برای اجرا و عمل و بهره برداری او فراهم سازند. برای پدر یا مادر شدن شرایط و خصایص لازم است که داوطلبان مقام والدین باید لااقل مقداری از آن را حائز باشند وگرنه تربیت فرزندان دچار مخاطره خواهد شد.

تربیت کودک اگرچه به ظاهر از بدو تولد آغاز می شود ولی حقیقت و واقعیت مساله با در نظر داشتن تاثیر جنبه های وارثتی و نفوذ نقش های محیطی تربیت طفل اینست که او ماه ها قبل از تولد باید مورد نظر باشد، اقل تاریخ و زمان آغاز تربیت کودک هنگامی است که در آن به انتخاب همسر اقدام می گیرد از آن لحظه به بعد هر گامی

که والدین بر میدارند قدمی در راه فساد و
یا اصلاح نسل است.
منابع و مأخذ:

1- شرفی، رضا. (۱۳۷۱). با فرزندان
خود چگونه رفتار کنیم، چاپ اول، تهران:
جهاد دانشگاهی.

2- راسخ، شاپور. (۱۳۵۰). تعلیم و
تربیه در جهان امروز، تهران: انتشارات
امیر کبیر.

3- شریعتمداری، علی. (۱۳۸۳).
روانشناسی تربیتی، چاپ دوم، تهران:
انتشارات امیر کبیر.

4- شارع پور، محمود. (۱۳۸۸). جامعه

نقش خانواده در پیشرفت...

تهران: انتشارات سمت.

5- عماد زاده، مصطفی. (۱۳۸۲). اصول
اقتصاد آموزش و پرورش؛ چاپ بیستم،
تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

6- قایمی، علی. (۱۳۷۵). نقش پدر در
تربیت، تهران: انتشارات امیری.

7- قایمی، علی. (۱۳۶۴). خانواده و
تربیت کودک، تهران: انتشارات امیری.

8- محمد عزیز. (۱۳۴۸). اقتصاد و
جامعه، چاپ اول کابل: انتشارات تحصیلات
عالی.

9- نوروزی، داریوش. (۱۳۷۲). توسعه
اجتماعی، تهران: انتشارات پیام نور.

یوهنمل سید حبیب شاه حامد

نگاهی به نظریه‌های جامعه‌شناسی نظم اجتماعی

خلاصه :

نظم اجتماعی برای استمرار و بقای جامعه یک امر لازم و ضروری است. نظم اجتماعی به معنای اطاعت تمامی اعضای یک جامعه از هنجارها، ارزشها و قوانینی است که اساس قوام جامعه را تشکیل می‌دهند و از همین لحاظ مورد توجه جامعه‌شناسان قرار گرفته و نظریات مختلف در این مورد ارائه نموده‌اند، طوری که توماس هابز دانشمند انگلیس بقای جامعه و نظم اجتماعی را مبنی بر محور قرارداد اجتماعی میان افراد جامعه می‌داند. دورکیم جامعه‌شناس معاصر فرانسوی معتقد است که عنصر اصلی تداوم حیات اجتماعی که با وجود تغییرات در روابط ما و

افرادی که سازنده آن است، استمرار می یابد «نظم اخلاقی» است و شامل مجموعه یی از قواعد است که بر روابط اجتماعی حکم فرماید. به همین ترتیب انتونی گیدنز جامعه شناس مشهور انگلیسی معتقد است که نظم عبارت از همنوایی در رفتار و عملکرد و نیز هماهنگی و همگونی در وضعیت و وجود برابری اجتماعی همراه با احساس رضایت همگانی میباشد. همچنان گیدنز نوعی از تقسیم بندی تاریخی

نگاهی به نظریه های...

به این لحاظ او نظم را به سنی و مدرن تقسیم بندی می کند که این دو نوع نظم نه تنها از لحاظ تاریخی جدا از هم اند، بلکه به لحاظ ماهوی نیز متفاوت از هم اند.

به همین ترتیب مکتب کارکردگرایی، جامعه را واجد نظم و ترتیب می دانند. از نظر آنها نه تنها انتظار می رود که ساختار کلی جامعه به صورت منظم و قابل پیش بینی عمل می کند، بلکه چنین انتظاری در مورد زندگی خصوصی افراد هم وجود دارد.

در مقابل در مکتب تضاد گرایان، طبقات اجتماعی، عوامل اصلی تغییر و تحول اند از همین رو، قشر بندی اجتماعی از محورهای عمده بخش های رویکرد تضاد گرایی است. از این دیدگاه یک طبقه، منافع خود را در سازمان خاصی از تولید می بینند و می کوشند با حفظ شیوه های تولید خاص به منافع اعضای خود دست یابد و از هر تغییر و تحول که این منافع را محدود سازد، ممانعت به عمل آورد. و بالاخره نظم از دیدگاه نظریه کنش متقابل

ناشی از کنش و واکنش هایی است که در زمینه اجتماعی صورت می گیرد.

مقدمه:

نظم اجتماعی در هر جامعه ای، خواه ابتدایی یا مدرن، امر پسندیده و لازم است. تنها در سایه برقراری نظم است که افراد قدرت می یابند، استعداد خود را کشف کنند، اهداف خود را تعیین نموده و برای رسیدن به آن برنامه ریزی کنند، شناخت استعداد خود و ابتکار اندیشه و عمل تنها زمانی میسر می شود که انتظام و انضباط اجتماعی، ثبات و آرامش لازم را تضمین کرده باشند.

علاوه بر این مردم همواره به دنبال ثبات و آرامش اجتماعی خود هستند و اصولاً در پرتو همین ثبات هویت خود را باز می یابند و از انتقال آن فرزندان شان مطمئن می شوند. مضمون نظم، اندیشه چیزهایی را که به جای مطلوب نشده اند و دقیقاً مرتب گشته اند در ذهن متبادر می سازد. از این رو نظم در سطح گروه های انسانی به معنای آرامش، انتظام و اطاعت است. نظم اجتماعی به معنای اطاعت تمامی اعضای یک جامعه از هنجارها، ارزشها و قوانینی است که اساس قوام جامعه را تشکیل می دهد. به این قرار این اصطلاح را می توان به منظور مشخص کردن مجموعه نهادهای اجتماعی از این نظر که در جهت عملکرد مطلوب حیات اجتماعی و مناسبات اجتماعی به خوبی تنظیم شده اند، به کار برد. علاوه بر این، مفهوم نظم اجتماعی می تواند به طور مستقیم هماهنگی، تعادل و انسجام روابط

اجتماعی را برساند که مجموع افراد جامعه را از طریق فعل و انفعال ساز و کارهای اقتصادی و سیاسی به سوی زندگی مشترک جلب کنند و خواست گذران حیات را در جمع پدید آورد.

نظم اجتماعی از آنجا که دارای خصلت اجتماعی بوده و باعث استمرار، دوام و بقای جامعه می شود، همیشه مورد توجه و بررسی جامعه شناسان و سایر دانشمندان علوم اجتماعی قرار داشته در این مقاله سعی به عمل خواهد آمد تا آن نظریات و دیدگاه ها را مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم.

مطالعه نظم:

جامعه شناسی به مطالعه دو موضوع در جامعه می پردازد. یا به عبارت دیگر جامعه شناسی به عنوان یک رشته علمی که به مطالعه جامعه سر و کار دارد، دو مسأله اساسی دارد که تمام حوزه های جامعه شناسی در درون این دو مسأله جای می گیرد و هرچه به نام می تواند تحت مطالعه جامعه شناسی درآید در

نگاهی به نظریه های...

سناسی به مطالعه نظم در جامعه می پردازد، همراه با مسایل موضوعات حاشیه ای آن دوم اینکه جامعه شناسی به مطالعه تغییر در جامعه می پردازد.

مسأله اول یعنی «نظم» و مطالعه آن در جامعه شناسی به مسأله هابزی معروف شده است و مسأله دوم یا تغییر به مسأله مارکسی معروف شده است. (11:2)

جامعه شناسی نظم یا مطالعه جامعه شناختی نظم به این لحاظ نیم تنه جامعه شناسی را به عنوان یک علم مرتبط با جامعه تشکیل می دهد. گستردگی موضوعات شامل آن به اندازه گستردگی مسایلی است که می تواند در مورد جامعه مطرح باشد. زیرا از یک سو نظم برای حیات جامعه مهم است و از سوی دیگر تعبیر اجتماعی را بدون نظم اجتماعی نمی توان مطالعه کرد. از سوی دیگر «استمرار زندگی جمعی مستلزم همنوایی و یگانگی و متابعت از نمونه های مشخص رفتاری در چارچوب های معین هر جامعه است.» (8:4) این هماهنگی رفتار افراد همان چیزی است که در حوزه نظم مطرح می شود. در ضمن زندگی اجتماعی بشر مستلزم حداقل همنوایی است. اینکه این همنوایی چگونه تعریف می شود و چه عواملی بر حفظ و بقای آن مؤثر است، نظریات متفاوتی در مورد آنها ارائه شده است و از آنجا که بررسی همه نظریات از حوصله این مقاله خارج است کار خود را با بررسی سه نظریه از جامعه شناسان و سه مکتب جامعه شناسی که نظریات ارزشمندی در مورد ارائه کرده اند، دنبال می نمایم.

نظم اجتماعی در نظریه های جامعه شناسان الف - نظم اجتماعی از نظر توماس هابز:

توماس هابز از جمله دانشمندان مشهور انگلیسی است و در کتاب - لویاتان (Pleviathan) که حدود 300 سال پیش منتشر شده است. بقای جامعه و نظم اجتماعی را مبتنی بر محور «قرارداد اجتماعی» می داند. به

نظر او «انسان موجودی خودخواه است و صرفاً به ارضای امیال فردی علاقمند است» و هر کس

نگاهی به نظریه های...

می کنند. و بر این اساس روابط انسانی مبتنی بر اصل «رقابت» است و زور و فریب مؤثرترین وسایل برای رسیدن به خواسته ها. همگان می توانند از این وسیله استفاده کنند. بنابراین، موجبات هرج و مرج در جامعه فراهم می شود. اما همچنین ارضای امیال فردی نمی تواند با وجود هرج و مرج در جامعه امکان پذیر باشد، زیرا در این صورت هیچ کس به خواسته اش نمی رسد. راه حل نهایی آن است که انسانها با یکدیگر هم آوا شوند و یک قرارداد اجتماعی را به وجود آورند. بدین اساس در جامعه، یک قدرت لازم است که این توافق به عمل آمده برسر قرارداد اجتماعی را حراست کند. (8: 14) پس مشاهده می شود که هابز اساس ایجاد نظم را در قرارداد اجتماعی میان انسانها جستجو می کند زیرا برای بقای جامعه لازم و ضروری است.

ب - نظم اجتماعی از نظر امیل دورکیم:

دورکیم از جمله جامعه شناسان مشهور معاصر فرانسوی است که ریشه پدیده های اجتماعی را در محیط اجتماعی می جوید. و نه در نهاد انسانها به همین دلیل، فرض هایی از نوع هابز را که نظم اجتماعی و بقای جامعه را بر محور «قرارداد اجتماعی» تبیین نموده است و در تحلیل، بر ریشه های

روانشناختی انسان مراجعه می کند، طرد می نماید و معتقد است: «قرارداد نمی تواند به عنوان اساس سازمان اجتماعی و نظم در نظر گرفته شود، زیرا قرارداد وقتی می تواند وجود داشته باشد که پیش از آن، جامعه سازمان یافته وجود داشته باشد، جامعه ای که مبتنی بر یک سلسله اصول و قواعد اخلاقی

نگاهی به نظریه های...

اجتماعی. که با وجود تغییرات در روابط و افرادی که سازنده آن است، استمرار می یابد «نظم اخلاقی» است شامل مجموعه یی از قواعد که بر روابط اجتماعی حکمفرماست. (54:3) دورکیم برای تبیین نظریه خود، جوامع را به دو نوع تقسیم می کند که از دو نوع همبستگی برخوردارند.

جامعه ای با همبستگی میخانیکی و جامعه ای با همبستگی ارگانیکی، در جامعه نوع اول، میان افراد آن از نظر مهارتها، شباهت وجود دارد و همین شباهت عامل همبستگی در نتیجه حافظ نظم اجتماعی است، چرا که اگر جامعه برخی از عناصر (افراد) خود را از دست بدهد، هیچ خللی بر آن وارد نمی شود. اما در جامعه نوع دوم، تنوع تخصص ها وجود دارد و افراد از نظر داشتن مهارتها از یکدیگر متفاوت اند. همین تنوع عامل وابستگی متقابل و در نتیجه حفظ نظم می شود.

نکته کلیدی در تبیین نظم از نظر دورکیم این است که جامعه به خصوص جامعه انداموار دارای هنجارهایی است که آنها از طریق

جریانهای گوناگون جامعه پذیری به افراد می آموزد و افراد آنها را درونی می کنند. با برقرار شدن نظم درونی، نظم بیرونی ممکن می شود. به همین دلیل، دورکیم بر نظم اخلاقی بیشتر تأکید می کند. از این نظر، باید گفت: در نظریه دورکیم نیز مانند هابز، جامعه خود را بر افراد تحمیل می کند. افراد به جامعه احترام می گذارند و هنجارهای آن را درونی می کنند.

ج- نظم اجتماعی از دیدگاه ماکس وبر (Max Weber: 1920-1864) :

ماکس وبر معتقد است که نظم اجتماعی ریشه

نگاهی به نظریه های...

سازمان ساختهای اجتماعی و ماهیت تمایلات فردی، روابط نظام یافتگی وجود دارد. تمایلات انسان در درون جامعه شکل می گیرد، فرد با قرار گرفتن در متن جامعه خویش ارزشها را درونی می کند.

وبر می هراسید که با گسترش سریع بوروکراسی و عقل ابزاری، نظم نوین خصلت قفس آهنین به خود گیرد. با عقلانی شدن همه چیز در جامعه هنجارها نیز صبغه عاطفی خود را از دست می دهند و همه چیز وارد محاسبه عقلی می شود و عنصر آزادی، اراده و ذهنیت فرد حذف شده است.

ج - نظم اجتماعی از نظر گیدنز:

از نظر انتونی گیدنز که از جمله جامعه شناسان مشهور معاصر انگلیسی است، نظم

عبارت است از هم‌نوایی در رفتار و عملکرد و نیز هماهنگی و هم‌گونی در وضعیت و وجود برابری اجتماعی همراه با احساس رضایت همگانی. (187:7) به این صورت هماهنگی، هم‌گونی در وضعیت که ناشی از هماهنگی است و نیز احساس رضایت اکثریت که از برابری ناشی می‌شود در نظم اجتماعی دارای اهمیت است. برابری اجتماعی که نتیجه و نشانی از هم‌گونی در وضعیت است، به عبارت دیگر، نظم اجتماعی مبین هماهنگی در عملکرد است که پیامد آن به ترتیب عبارت است از: هم‌گونی وضعیت، وجود برابری و احساس رضایت اکثریت افراد جامعه.

گیدنز نوعی از تقسیم بندی تاریخی از نظم را ارائه می‌کند که قابل توجه است به این لحاظ او نظم را به سنتی و مدرن تقسیم بندی می‌کند که این دو نوع نظم نه تنها به لحاظ تاریخی جدا از هم اند، بلکه به لحاظ ماهوی نیز متفاوت از هم اند. به عبارت دیگر، از نظر گیدنز، نظم اجتماعی مدرن پس از سنتی است. مدرنیته به معنای سازمان نیست، بلکه به معنای سازمان دهی می‌باشد، یعنی کنترول منظم روابط اجتماعی در فواصل زمانی فضایی نامحدود. به نظر گیدنز، شیوه های زیستی که با مدرنیته پا به عرصه حیات گذاشتند، به نحوی غیرمترقبه ما را از تمام انواع نظم اجتماعی سنتی دور ساخته اند، دگرگونی ها و تحولات مستقر در مدرنیته هم به لحاظ برون گستری و هم به لحاظ درون گستری خود به مراتب عمیق تر از اکثر انواع خصوصیات

متحول دوران پیشین هستند. (6:14) به همین ترتیب جوامع سنتی مدرن از دیدگاه گیدنز دارای تفاوت هایی است به این ترتیب که: 1- در جوامع سنتی، معلومات عامیانه بوده و در اینگونه جوامع معلومات تخصصی تابع مقررات و اشکال نمادینی است که هرگونه نظم و قاعده صریح را مشکل می سازند یا اگر هم نظم و ترتیبی در کار باشد به دلیل انحصار سواد خواندن و نوشتن به وسیله گروه اندکی از خواص، انتقال آنها به مردم عادی به آسانی میسر نمی شود. 2- جوامع مدرن، تجدد تغییرات عمده ای در محیط اجتماعی پیرامون افراد پدید آورده است و بر ازدواج و خانواده همانند نهادهای دیگر تأثیر می گذارد. دنیای تجدد آکنده از تهدیدها و خطرهای احتمالی است. تجدد در هویت و احساسات شخص نفوذ می کند. در اینگونه جوامع نقش هویت (خویشتن یابی) تقویت می شود. علم و تکنالوژی هم زمینه خطر و خطر آفرینی را پدید می آورد هم امکانات سودمندی به بشریت تقدیم می کند. (6:130)

نظم اجتماعی از دیدگاه تالکوت پارسونز (1902-1977)

پارسونز جامعه شناس امریکایی می گوید که ما در جامعه با مساله ای به نام انتقال ارزش های اساسی به افراد روبرو هستیم و این

نگاهی به نظریه های...

می کند و در بحث نظم سهیم است. به باور این جامعه شناس مطرح معاصر، در هر جامعه ای مجموعه قواعدی وجود دارد که

آنچه را که هر فرد بایستی انجام دهد تعیین می‌کند به این مجموعه قواعد "هنجار" می‌گویند. پارسونز معتقد است که افراد هنجارها و ارزشها را درونی می‌کنند.

مکتب کارکردگرایی و نظم اجتماعی

کارکردگرایان بدون توجه به اینکه ساختارهای اجتماعی چگونه به وجود می‌آیند و بی توجه به اینکه نظم از خواست انسانها برای زندگی اجتماعی شروع شده و یا جبری اجتماعی در ایجاد آن دخیل بوده است، جامعه را واجد نظم و ترتیب می‌دانند. از نظر آنها نه تنها انتظار می‌رود که ساختار کلی جامعه به صورت منظم و قابل پیش بینی عمل کند، بلکه چنین انتظاری در مورد زندگی خصوصی افراد هم وجود دارد. این دیدگاه مبتنی بر تمثیل (قیاس) ارگانیک بین جامعه و ارگانیسم موجودات زنده است.

از این منظر، جامعه یک سیستم متشکل از اعضا و اجزایی بی شماری است که هر یک باید کارکردهای خاص را برای بقای کل سیستم و دیگر اجزا و اعضای آن انجام دهد و نظم اجتماعی پدیده ای است که کارکردهای اعضای مختلف این سیستم را به صورتی مرتب و در سلسله مراتبی خاص به هم پیوند می‌دهد.

(25:5)

کارکردگرایان بر این باوراند که اجزای سازنده یک جامعه، نهادهای چون نظام اقتصادی، نظام سیاسی، نظام خانواده، مذهب و سازمانهای آموزشی و پرورشی اند که بدون کارکردهای ضروری و منظم آنها جامعه ای

وجود نخواهد داشت. بدون وجود نوع نظام خانوادگی در روابط جنسی بین مردان و زنان، کار تولید و موالید مختل می شود. بدون دخالت نظام سیاسی، هرج و مرج و اغتشاش همه جا را فرا خواهد گرفت و بدون مذهب، هدف

نگاهی به نظریه های...

به خطر افتادن حیات و بقای کل سیستم اجتماعی است. همه این نهادها (اجزای سیستم) ارتباط متقابل دارند و هر یک از آنها جهت ایفای نقش مشخص خود باید اندازه، قابلیت و ساختار مناسب داشته، به گونه ای عمل کنند که با اجزای دیگر سازگار باشند، به بیان دیگر، اگر چه جامعه برای بقای خود به نظام اقتصادی نیاز دارد، اما هر نوع اقتصادی هم نمی تواند این نیاز را کاملاً مرتفع سازد، بلکه اقتصادی لازم است که با نهادهای دیگر آن جامعه سازگار باشد. ناسازگاری اجزای سیستم اجتماعی موجب تجزیه آن و تضاد بین اجزا باعث نابودی آن خواهد شد. ضامن اصلی سازگاری اجزای سیستم، وفاق در ارزشهای مشترک است.

در واقع امر، تحلیل کارکردگرایانه در جامعه شناسی غالباً با رویکرد وفاق یکی است. از این منظر، جامعه متضمن اصول اخلاقی، هنجارها، قواعد و تفاهمهای مشترک است. به بیان دیگر سازمان و نظم اهداف جامعه، ناشی از ساختارهای اجتماعی همان جامعه است و در هر جامعه ای باید میزان از توافق عمومی در مورد ارزشها، در بین اعضا

وجود داشته باشد. چنین انسجام در ارکان و اجزای سیستم اجتماعی ضروری است و نبود آن بقای جامعه را با خطر مواجه می سازد.

مکتب تضادگرایان و نظم اجتماعی

انتقاد اصلی تضادگرایان به کارکردگرایان این است که چون آنها به مباحثی مثل توزیع، قدرت، امکان تغییر و تحولات سریع اجتماعی و تضاد اجتماعی نپرداخته اند، جامعه را سیستمی مرکب از اجزای مرتبط و به هم پیوسته و روابط متقابل اجزای سیستم اجتماعی را مثبت، مؤثر و سودمند می دانند. تضادگرایان مدعی اند که وجود انکارناپذیر تضاد متغیر در نهادها، اجتماع، جامعه به

نگاهی به نظریه های...

اجتماعی را ضروری می سازد. از منظر تضادگرایان، برای درک خصوصیات هر جامعه باید مستقیماً به سراغ شیوه تولید آن جامعه رفت. قانون، دین و سایر امور فرهنگی، همه باید تحت تأثیر روابط تولید و به خصوص توسط طبقه حاکم، که کنترل جامعه را در دست دارد، عمل کنند. واقعیت اصلی زندگی تضاد بین همین طبقه حاکم و سایر مردم است. نظم اجتماعی حاصل روابط نابرابر بین طبقات اجتماعی (و سلطه طبقه حاکم) است. ایدئولوژی معرفی شده توسط طبقه حاکم هم سهم نابرابر این طبقه را از منابع کمیاب توجیه می کند و سرچشمه های بالقوه بی نظمی در جامعه را کور می سازد. (252:5)

در مکتب تضادگرایان، طبقات اجتماعی، عوامل اصلی تغییر و تحول اند و از همین

رو، قشربندی اجتماعی از محورهای عمده بخشهای رویکرد تضادگرایی است. از این دیدگاه، یک طبقه، منافع خود را در سازمان خاصی از تولید می بیند و می کشد با حفظ شیوه های تولید خاص به منافع انحصاری خود دست یابد و از هر نوع تغییر و تحول که این منافع را محدود سازد، ممانعت به عمل آورد. اما طبقات دیگر وجود دارند که منافع خود را بیشتر در تغییر شیوه تولید می بینند و خواستار اصلاح وضعیت موجودند. تضاد میان این طبقات فعال می شود و هر یک برای حذف دیگری تلاش می کند و تحول انقلابی زمانی روی می دهد که طبقه جدید بتواند موجب انقراض طبقه فعلی شود.

بر خلاف دیدگاه کارکردگرا مبنی بر این نهادهای اجتماعی در هماهنگی و پیوند با یکدیگر عمل و از نظم هنجاری خاصی پیروی می کنند، تضادگرایا به اینگونه نظم هنجاری اعتقادی ندارند و مدعی اند که دخالت متغیرهای مختلف و از همه مهمتر دخالت موقعیت اقتصادی و جایگاه طبقاتی، و حفظ منافع طبقه صاحب سلطه مانع از هماهنگی نهادها بلکه باعث ایجاد تضاد بین آنها می شود. از نظر تضادگرایان، نظم هنجار، هماهنگی و پیوند نهادی اجتماعی و وفاق جمعی مورد نظر کارکردگرایان بیشتر به یک شعار شبیه است و همیشه در پایان همه جریان های سیاسی، سهم قدرتمند در تصمیم سازی و تصمیم گیری و دسترسی و کنترل منابع کمیاب، بسیار بیشتر می شود.

تضادگرایان بر این باور اند که حتا اگر اجماع موقتی همه در جامعه حاصل شود، به دلیل همان اختلاف منافع ریشه ای و عمیقی که بین گروه ها وجود دارد، صرفاً ناشی از غلبه موفقیت آمیز زور و اراده طبقه مسلط بر افکار سایر گروه ها در جامعه است. اگر کارکردگرایان تضاد را منحل نظم و همبستگی اجتماعی می دانند، تضادگرایان آن را نشانه تلاش برای رسیدن بر جامعه نوین می پندارند که در آن بی عدالتی و نابرابری وجود ندارد. سرانجام اینکه از منظر تضادگرایی حتی نهادهای سیاسی مستقر در نظم اجتماعی هم نهادهای وابسته به ابزارهای برای اعمال قدرت بر دیگران اند. این نهادهای سیاسی ناشی از اراده توده های مردم و یا انتخابات و یا کنش عمومی سازمان یافته از سوی انجمن ها نیستند. به همین ترتیب نهادهایی مانند اقتصاد و سیاست، سلسله مراتبی درونی از قدرت دارند که در رأس آن کسانی قرار گرفته اند که از طریق پیوندهای دوستی، خویشاوندی و انجمن های مشترک و در پی کسب منافع خود، اعمال فشار می کنند و نظم ظاهری به وجود می آورند.

نظریه کنش متقابل و نظم اجتماعی

نظریه پردازان کنش متقابل نیز عمدتاً استدلال های نظریه کارکردگرایی را درباره نظم هنجاری در جامعه مورد انتقاد قرار داده اند. ایراد اساسی این دیدگاه به کارکردگرایی درباره شیوه اجتماعی شدن به

اصطلاح کارکردگراها و مفهوم درونی کردن ارزشها و هنجارهای اجتماعی می باشد. ایده مرکزی نظریه کارکردگرایی آن است که انسان یک عضو اجتماعی شده است، اما در واقع این مفهوم اشاره دارد به یک تصور اساساً بیش از حد اجتماعی شده تا آنجا که قدرت فرد را در تحقق و حقوق فردی خودش ناچیز می شمارد. نظریه پردازان کنش متقابل، اجتماعی شدن فرد را به این معنی تکذیب می کنند. جرج هربرت مید، استدلال می کند که فرد یک مخلوق اجتماعی است که صرفاً وارد عرصه روابط اجتماعی با دیگران می شود و جامعه را در آنچه به اصطلاح می «دیگران تعمیم یافته» نام گرفته درونی می سازد. از سوی دیگر فرد است که طی یک جریان برای خود معنی می سازد و بر اساس معانی که برای عمل خود می سازد به انجام آن مبادرت می ورزد، به تعبیر مید «شکل گیری عمل فردی از خلال جریان» معنی سازی برای خود «همیشه در یک زمینه اجتماعی صورت می گیرد».

(227:1) این معنی سازی در یک زمینه اجتماعی است و قطعاً متأثر از اجتماع خواهد بود. به این صورت باز هم به این نتیجه می رسیم که نظم در دیدگاه کنش متقابل ناشی از کنش و واکنش هایی است که در زمینه اجتماعی صورت می گیرد و از آنجایی که زمینه اجتماعی نسبت به افراد خارجی است و مستقل از افراد وجود دارد، پس این کنشها و واکنشها متأثر از زمینه اجتماعی نیز خواهد بود.

نتیجه گیری:

از مطالعه فوق بر می آید و به حیث نتیجه می توان گفت که نظم اجتماعی عبارت از وجود نمونه ها و چهارچوبهایی در روابط اجتماعی افراد و گروه ها، و عمل بر اساس این نمونه

نگاهی به نظریه های...

درون چهارچوبها بر مبنای نمونه ها معنی پیدا می کند. به عبارت دیگر نظم زمانی معنی پیدا می کند که در درون یک جامعه یک «ما» اجتماعی از انسانهای ساکن در همان جامعه شکل گرفته باشد.

کارکردگرایان و جامعه شناسان معتقد به نظم، وفاق و تعادل اجتماعی اند، یعنی اینکه در جامعه منظم، بدون ستیز و متعادل، امکان برنامه ریزی است و ستیز و منازعه اقشار اجتماعی، فرصتها سازندگی و آموزش و پرورش را از جامعه می گیرد. بنابراین، ناهم نوایی، هنجار شکنی، قانون شکنی به هر دلیل زیستی، روانی و اجتماعی، نظم اجتماعی را به هم می ریزد. برای ایجاد نظم در جامعه، اراده و قدرت لازم است و نظم اجتماعی، مبتنی بر اقتدار و اطاعت است.

بنابراین در کنار مفاهیم هنجار و قوانین اجتماعی، مفهوم بنیادین دیگری به نام قدرت نهادینه شده وجود دارد. جامعه برای ایجاد نظم و تنظیم رفتارهای مردم در مسیرهای مقبول خود به هم نوایان پاداش می دهد و کج رفتاران را مجازات و اعمال مقتدرانه قوانین مربوط را تضمین می کند.

برهمن اساس، گروه های حاکم بر جامعه، قدرت خود را بر حفظ و نگهداری هنجارهای اجتماعی متکی کرده اند و البته هنجارهای مستقر، چیزی جز هنجارهای گروه حاکم نیست و هنجارهای حاکم یعنی همان هنجارهایی که عاملان اجرای قوانین در جامعه و کسانی که بر اجرای قوانین نظارت دارند، از آن دفاع می‌کنند.
ماخذ:

1- توسلی، غلام عباس، (386) نظریه های جامعه شناسی، چاپ سیزدهم، تهران، سمت.

نگاهی به نظریه های...

نظم، تهران، سر نی.

3- دورکیم، امیل، (1343) قواعد روش جامعه شناسی، ترجمه دکتر علی محمد کاردان، تهران، دانشگاه تهران.

4- سلیمی، علی و داوری، (1380)، جامعه شناسی کجروی، قم، مرکز تحقیقات حوزه دانشگاه.

5- صدیق سروسستانی، رحمت الله، (1389)، آسیب شناسی اجتماعی، تهران، سمت.

6- گیدنز، آنتونی، (1380)، پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر مرکز.

7- گیدنز، آنتونی، (1386)، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.

8- محسنی، منوچهر، (1380)، جامعه شناسی عمومی، چاپ هفدهم، تهران، انتشارات طهوری.

يوهنوال عبدالقدير خموش

يقين؛ د حق اليقين تر بريده

ننډيز :

که چيرته په بي پرې توگه دتصوف په هکله څيرنه او دقيقه علمي مطالعه وشي نو دا به ترې جوته شي، چې تصوف د شريعت په چوکاټ کې د قلبي سير او حرکت له مخې ځان الله تعالی ته رسول دي. دا مو، چې ومنله نو بايد په دې خبره يقين هم حاصل کړوځکه پرته د يعقین د حاصلیدو څخه دپوشي منل ناشوني بريښي. يعقین د صوفيانو په اصطلاح هغه پوهه ده، چې د علومو تر منځ شک له منځه وړي.

په هرصورت د يقين او د هغو د ډولونو په اړه د پوهانو له خوا بيلابيل تعبيرونه او تفسيرونه شوي، چې په ډېرې ځايونو کې يې د يو بل په وړاندې پراخ انتقادي بحثونه ايښي دي. ددې له پاره چې دا بحثونه دتصوف د لارې خوښوونکو او مينه والو ته يو څه روښانه شي د مختلفه منابعو څخه په گټې اخيستني سره مې هود وکړ څو د تحليلي او کتابتونيز ميتود په رڼا کې يقين د حق اليقين تر بريده وڅيرم .

اصطلاحات : يقين ، حق اليقين ، عين اليقين ، عدل ، حق ، علم ، عظمت .

سريزه :

تصوف او عرفان ، چې د شرقي نړۍ د ولسونو په زرونو کې يې تل خای نيولی، مور به د موضوع په اړه دلته پرې لنډې خبرې وکړو :
د عرفان کلمه (د عين په زېر سره) په عربي ژبه کې د پېژندنې معنا ورکوي . عرفان د اصطلاحي معنا له مخې د خدای (ج) پېژندنې ته وايي ،

يقين؛ د حق اليقين تر بريده

د روح ، زړه ، ضمير او د عملونو او كردارو د سپېڅلتيا ححه حاصلېږي .
او د عرف کلمه (د عين په پېښ سره) د پېژندنې ، خوی او عادت معنا ورکوي ، چې په اسلامي حقوقو کې بحث لري او عريف کلمه (د عين په زور سره) د پوه په معنا سره اخبرېږي ، چې عرف (د عين په پېښ سره) يې جمع ده .

عرفان د هغې پوهې او علم نوم دی چې د الله تعالی (ج) د ذات او صفاتو د مبارکو نومونو د ذکر د اغېزو سره د اسلامي شريعت پابندي د زړه ، فکر او عمل د سپېڅلتيا او تزکيې له اغېزې د مسلمان روحي سير د الله تعالی (ج) د رحمت او د انوارو د پلوشو پر لوري بشپړتيا ، نږدېوالي او قرب ته رسېږي ، يا هغه لاره چې اهل الله وو د الله تعالی (ج) د پېژندنې او قرب يا نږدېوالي لپاره خوښه کړي ده ، عرفان بلل کېږي .

عرفان، چې په لويديځه نړۍ کې د تصوف په نوم پېژندل شوی، د هدف له نظره يو مفهوم ته رسېږي ، چې هغه له الله (ج) سره د انسان د بي کچې مينې او د هغه لور ذات (ج) د لطف او مرحمت د انوارو د پلوشو د شناخت او قرب (نږدېوالي) د حاصلولو څخه عبارت دی ، چې دا شناخت او قرب د زړه په سترگو ، روح او ضمير ، کشف او شهود حاصلېږي ، چې د فلسفي ، منطق او استدلالونو له مخې دا کار ستونزمن وي .

يقين؛ د حق اليقين تر بريده

وراندې له دې، چې په يقين څه وليکم اړينه بولم، چې ځينې اړوند کلمات لکه د حق او علم پېژندنه هم وکړو، تر څو د اصلي مسئلې روښانه کولو ته لاره هواره شي.

حق: حق عربي کلمه ده، چې د سم، مستقيم، ريښتيا ، ثابت، پيښدونکي کار، يقين، عدل او نصيب کيدلو په معنا ده، خو د صوفيانو له نظره حق د الله (جل جلاله) له نومونو څخه يو نوم هم دی. (آريانا دايره معارف، ۲ جلد : ۳۷۲ مخ).

عبدالقادر خټک په خپل لاندني بيت کي حق کلمه د خپل رب په معنا کارولي ده او د هغه له ميني پرته نوري ټولي ميني يې دروغجنې بللي دي: غير حق ميني همه واره حجاب دي

مه کړه نور عبدالقادره غيره مینه (ختک: ۱۴۳ مخ)

او بالکه به دغه لاندی بیت که که له خنل نفس سره جگړه به صدق او

يقين؛ د حق اليقين تر بريده

عبادت د حق، په صدق په اخلاص کا

تل له خپله نفسه جنک کوي کار زار کا (ختک: ۴۴ مخ)

بل پلو همدا خبره په قرآنکريم کي هم راغلي ده، چي د الله (جل جلاله) ذات حق دی، لکه په قرآنکريم کي چي فرمايي: ((أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ)) يعني د الله (جل جلاله) ذات له شک پرته بنسکاره، څرگند او ثابت حقيقت دی. (د نور سورت: ۲۵ آيت)

علم: علم هم لکه د حق په شان عربي کلمه ده، چي لغتاً د پوهيدو په معنا ده، د علم په اړه ډېر تعريفونه شته لکه: علم د منظومو اطلاعاتو راټولولو ته وايي، علم د حقايقو د پيژندلو لاري ته وايي، علم ثبوت شوي پوهي ته وايي، علم له هغه څخه بحث کوي، چي موجود دي، نه د هغه څخه چي بايد وجود ولري. د تصوف له نظره علم د بنده په زړه کي له هغي روښنايي څخه عبارت دی، چي د نبوت له ډېوي نه راوتلي او مؤمن د هغو په رڼا کي خپل خدای پيدا کوي. له عقل سره يې توپير په دې کي دی، چي عقل فطري دی او علم د مؤمنانو لپاره خاص دی. (کل بابا: ۶۶۰ مخ)

له همدغي مسئلي نه په قرآنکريم کي هم يادونه شوې ده، خو هلته يوه خبره روښانه ده، چي د بنده او خالق د علم تر منځ تفاوت څرگند دی، لکه (د بقرې سورت: ۲۵۵ آيت) کي: يَعْْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ.

يعني هغه څه، چي د مخلوقاتو په مخکي (کيري، او يا شوي) دي او هغه څه، چي تر دي وروسته کيدونکي دي، الله (جل جلاله) په ټولو باندې خبر دی او هيڅ شی هم د ده علم نه شي احاطه کولی مگر که دی وغواړي. په پورتنني آيت کي د ټول مخلوقاتو لپاره که هغه انبياء دي، که صالحاء دي، که ملايکي او يا نور مخلوقات دي، دي ټولو ته يې په احاطه علم کي

نفیې کړې ده، خو مطلق علم ته یې نفیې نه ده کړې، احاط علم د یو شي د حقیقت داسې پیژندگلوې ده، چې حتی یو کونج یې هم ترې پټ نه وي، نو له دې نه معلومه شوه، چې که د الله (جل جلاله) خوښه شي، نو هر چا ته هر قسم علم وکولای شي، مگر احاطه فقط فقط د الله (جل جلاله) علم دی، له یقین؛ د حق الیقین تر بریده

(جل جلال) صفت او علم محاط د بنده صفت دی. (کل بابا: ۲۱۰ - ۲۱۱ مخ)
 له شک پرته چې الله (جل جلاله) په هر څه عالم دی او هېڅ شي د هغه له علم څخه پټ نه دي، هر عاقل انسان که د الله (جل جلاله) د خلقت په اړه فکر وکړي، نو ورته څرگنده به شي، چې له الله پاک سره د هر شي علم شته، ان تر دې چې د بنده له عقل او فکره بهر دی، لکه حمزه بابا چې وايي:

تش د خرد نه شو بنکاره راته وجود د علم

علم زما په تجرد کې د خرد سره لار (حمزه: ۱۲۳ مخ)
 یقین: یقین په عربي ژبه کې د شک په وړاندې بیانېږي او د شک له منځه وړلو په وړاندې د یوې چارې تحقق ته ویل کېږي، یعنې یقین هغه پوهه ده، چې د علومو تر منځ شک له منځه وړي، حمزه شینواری یې په اړه وايي:
 خفه مه شه د یقین میرنی ورور دی

چې یقین هم د حمزه لکه گومان دی (حمزه: ۵۷۴ مخ)
 که پورته بیت ته ځیر شو، نو گومان او یقین د یو بل میرني وروڼه ښودل شوي دي، له میرني څخه مقصد دلته دهغه تضاد را برسیره کول دي، چې یقین او گومان یې په خپل منځ کې لري. په دې توگه یقین هر ثابت، څرگند او د پوهې وړ شي او یا په اړوند شي باندې د زړه ډاډ ته ویل کېږي، چې هغه د پېښیدو وړ وي.

خو د یقین تصوفي معنا په اړه عرفاني علما او متصوفین بیلابیل نظرونه راوړي، چې د بیلگې په توگه یې یو څه دلته راوړو: حضرت سفیان ثوري (رح) د یقین په اړه وايي، چې یقین په هر کار کې د الله (جل جلاله) به کړنو باندې شکر ایستلو او خوښي ښودلو ته ویل کېږي، ثوري وايي: (یقین هغه دی، هر څه، چې ورسېږي الله تعالی متهم نه کړي. (یعنې راضي او شاکره اوسې ځکه، چې شکایت نارضایتي ده). (عرفان: ۳۵۴ مخ).

حضرت شیخ سعید بن اسماعیل ابو عثمان حیري بیا په الله (جل جلاله) باندي هغه شان باور ته یقین وایي، چي صوفي باید په کي د سبا په اړه هېڅ فکر ونه کړي او هر سبا په خدای وسپاري، حضرت شیخ د یقین په باره کي وایي: (دهر چا که د سبا له پاره اندیینه لږ وي یقین هغه دی. یعنی تل د مادي ژوند، څه به خورئ، څه به اغونډئ، څه ډول ژوند به کوئ، به اندیینه یقین؛ د حق الیقین تر بریده

قوي وي). (عرفان: ۳۲۰ مخ)

همدا راز یو شمیر متصوفین وایي، هغه څه چي د زړه په سترگو ولیدل شي، یقین دی، یا په غیب باندي ایمان لرل، د هغو تصدیقول، د شک او گمان له منځه وړلو په واسطه، د هغه شي کشف چي زړه یې ویني، نه سترگي؛ او د حقیقت د نور لیدل او په پای کي د غیب لیدل او د هغو مثل او تصدیقولو ته یقین وایي. (کل بابا: ۱۱۸۲ - ۱۱۸۳ مخونه)

په دي توگه ویلی شو، چي یقین د انسان په نفس کي یوه ثابته پوهه ده، چي شک په کي لاره نه لري، په ډاډ او سکون یې ملتیا کیري. په تصوف کي له شک او شبهي پرته د الله (جل جلاله) په وحدانیت، عظمت او جمله صفاتو باندي اعتراف کولو ته یقین ویل کیري.

همدارنگه یقین د علم له جنس څخه دی، چي د هغو په واسطه انسان په خپله پوهه کي سل سلنه ډاډمنه پوهنه زیاتوي او د غلطی او سهوي احتمال له منځه وړي.

یا په بل عبارت یقین هغه نور دی، چي د پوهي روښنایي رامنځته کوي او د هغو په رڼا کي انسان د تصدیق او پر هغو د عمل کولو جرئت تر لاسه کوي. همدا راز په قرآنکریم کي هم د یقین یادونه شوي، لکه څرنگه چي الله تعالی (د الحجر سورت: ۹۹ آیت) کي فرمایي: **وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ** یعنی د خپل رب عبادت تر هغو پوري وکړه، ترڅو چي یقین ته ورسیري.

علم الیقین: پښتو پښتو تشریحي قاموس د علم الیقین په هکله لیکي: "هغه یعقین چي په دلیل یا متواتر روایت حاصلیري". او یا په بل عبارت د عقل او نقل په واسطه د لوی خدای پیژندلو ته یې علم الیقین ویلي دي. (قاموس: ۲۱۵۰ مخ).

له علم اليقين څخه د يقين د لومړي مقام او يا په بل عبارت د علم د لومړي مقام په توگه د قرآنكريم د التكاثر سورة په پنځم آيت كې يادونه شوې ده،

الله تعالى (جل جلاله) فرمايي: كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ.

ژباړه: نه داسې نه ده، كه تاسې د تكاثر او تفاخر د عاقبت په خرابۍ په علم اليقين سره پوهيدلې، نو داسې به مو نه كول. يعنې ستاسو دا خيال هر گز صحيح نه دى، كه تاسې به يقين ډول او د صحبحه د لاملو به و سېله به دى،

يقين؛ د حق اليقين تر بريده

به مو غفلت نه كاوه. (تفسير او ترجمه: ۱۷۵۵ مخ)

د حمزه شينواري په لاندې بيت كې د قرآنكريم د پورتنني آيت د مفهوم څرك ښكاري، حمزه وايي، يوازي هغه كسان د غير له سودا نه ځان ژغورلى شي، چې هغوى د حقل ليدونكي سترگي ولري، دلته له حق ليدونكي سترگي څخه مقصد همدا د علم اليقين پوهه ده او تر هغه چې چا ته حاصله نه شي، نو هغوى به د غير له سودا لاس وانه خلي:

چرې نه وي حق ليدونكي سترگه تر تر

سودا نه پرېږدي د غيرو چې وي سر سر (حمزه: ۱۱۵ مخ).

د حمزه په دغه بيت كې هم علم اليقين ښكاري:

گله ستا به ټول عمري خدا نصيب شي

خو كه روغ دې له دې باغه گريوان يو وړ. (حمزه ۱۲۴ مخ).

د تكاثر او تفاخر پايلې هغه څه دي، چې مونږه يې په قرآن او حديثونو كې د راغليو دلائلو په منډو درك وو، نو له دې څخه داسې ښكاري، چې علم اليقين يوه داسې پوهه ده، چې مونږ يې د دلائلو په واسطه تر لاسه كوو او ټينگ باور پرې كوو. يا په بل عبارت هغه پوهه ده، چې په قرآنكريم او حديثونو كې د راغليو د لاملو په واسطه حقيقت مونږ ته مجسموي، خو دغه تجسم او تصور به څنگه راټوكيږي؟

يو شمير متصوفين د علم اليقين په اړه وايي، چې كه يو څوك په اسمان كې توره وريځ او تالنده وويني، نو دا د دې لپاره دليل دى، چې باران به وشي، او يا كله چې د يوه دېوال شا ته دودونه پورته شي، نو د دود په ليدو سره دا باور كيدلى شي، چې د دغه دېوال شاته به اور بل وي، ځكه چې په دې ځاى كې د اور بليدو لپاره دود دليل دى.

همدغه پوهه چې که د وړيخي ليدو او يا د دود ليدو پر مهال يې انسان تر لاسه کوي، همدغه ته علم اليقين ويل کيږي، نو په دې توگه ويلي شو، چې علم اليقين په شواهدو او دلائلو ولاړه پوهه ده.

مونږه جنت او دوزخ ليدلي نه دي، خو کله چې په دې اړوند د قرآنکريم آيتونه لولو، نو سره له دې چې ليدلي مو نه دي، په دې اړه به له شکه او ډاډمنه پوهه تر لاسه کوو، چې هم دوزخ او هم جنت حق دي، کله چې مور له مشاهدې پرته دغه شان ډاډمنه او په له شک پوهه ته رسيدو، نو دغه ډول

يقين؛ د حق اليقين تر بريده

عواضو نه خان خبرولو نه علم اليقين ويل شوی دی. او يا لکه عبدالقادر خټک چې په لاندې بيت کې د پلي صراط له وېرې څخه د خلاصون لار، په شريعت ټينگ درېدل بللي ده:

چې يې ستا په شريعت قدم ثابت کا

له صراط دي هغه سړی خوف نه کا (ختک: ۴۸ مخ.)

خو د تکاثر او تفاخر عواقب به مونږ په خپلو سترگو وينو، خو څه وخت؟ هغه مهال چې کله مونږ د گور غاړې ته ورسيدو، خو دې عواقبو ته تر رسيدو وړاندي عمل دی او د عمل د سم او ناسم اړخ څرنګوالي به د هغو د لايلو له مخې څرګنديږي، چې په قرآنکريم کې راغلي دي، نو د همدغه قرآن آيتونه مونږ ته د هغو عواقب انځوروي او ترې علم اليقين حاصلېږي.

حضرت امام رباني شيخ احمد فاروقي سرهندي مجدد الف ثاني (رحمة الله عليه) وايي: (علم اليقين په افاقي سير او حق اليقين په انفيسي سير کې حاصلېدلی شي). (عرفان: ۵۱۸ مخ.)

خو امام غزالي صيب بيا دالتکاثر سورت شپږم ايت (کلا لو تعلمون علم اليقين) په تفسير کې وايي، حق خبره دا ده، چې که چيرې تاسو په بڼه يقين ځانونه په دې خبره پوه کړي وي، چې ستاسو د مال ډېروالي او د نفرو د کثرت حساب کول او فخر کول تاسو ته د قيامت په ورځ کې هيڅ نفع نه در رسوي، نو هيڅکله به مو داسې نه وي کړي، همدا راز په ورپسې ايت کې الله تعالی فرمايي: ((لترون الجحيم)) معنا دا چې الله (جل جلال) قسم کوي، چې به له شکه تاسو به د جهنم اور او د هغه اور تکليف او سختي د قيامت په ورځ د سر په سترگو ووينی.

دلته د سر په سترگو لیدلو څخه مقصد همدغه مشاهده ده، چې له امله یې مور د عین الیقین پوهه تر لاسه کوه، لکه څنگه چې د همدې التکاتر سورت په ورپسې آیت کې ورته اشاره شوې ده: (ثم لترونها عین الیقین).

یعنې له شک پرته به تاسې جهنم د سر په سترگو بالمشاهد وویښی، چې تر هغه دید وروسته بیا هیڅ شک نه پاتیري، یعنې عین یقین د انسان د تسلی او قناعت کولو هغه انتهایې درجه ده، چې د معلوماتو لپاره بس او کافي ده.

(مکاشفه القلوب: ۲۴۳ مخ)

له تعرف سره سم هر عالم ته به مرگ یقین، علم الیقین بلل کېږي، لکه

یقین؛ د حق الیقین تر بریده

تگ دې پرلپسې تگ دی کار د عمر

(حمزه: ۱۱۹ مخ)

عین الیقین: په قاموسونو کې د عین الیقین معنا په خپلو سترگو د حقیقت لیدل ښودل شوې ده. په سترگو د یوه شي لیدنه او د دې شي ماهیت او څرنګوالی په یقین سره درک کول یا هغه یقین چې پر مشاهده یا پر بل چا باندې د اغیز ښندلو له امله حاصل شي او یا د لوی څښتن تعالی د ځینو صفتونو د تجلیاتو شهو د ته عین الیقین ویل کېږي. (المنجد عربي قاموس: ۱۱۵۲ مخ)

عین الیقین د علم دوهمه مرحله ده، یعنې کله چې مور د دېوال شا ته پورته کیدونکی دود وویږي، نو مور ته د دېوال شاته د اور په بلیدو باندې علم الیقین حاصل شي، خو کله چې د دېوال شاته د بلیدونکي اور لمبې په خپلو سترگو وویږي، نو مور ته د خپلې مشاهدې پر بنسټ یقیني او باوري پوهه حاصله شي، چې همدغه پوهې ته چې پر مشاهده ولاړه ده، عین الیقین ویل کېږي.

په قرآنکریم کې هم د التکاتر سورت په اووم آیت کې د عین الیقین یادونه شوې ده: **كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ، لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ، ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ.**

ژباړه: نه نه که په علم الیقین پوه شئ، خامخا به په نظر درشي جحیم، خامخا به یې بیا وګوري په سترګه د یقین.

یعنې ستاسو دا خیال هر ګز صحیح نه دی، که تاسې په یقیني ډول او د صحیحو دلائلو په وسیله په دې خبرې پوهیدلی، چې د آخرت په مقابل کې د دنیا شیان هیڅ دي، نو هیڅ کله به مو غفلت نه کاوه، د غفلت او د انکار نتیجه

دوزخ دی او تاسې ضرور د هغه لیدونکي یی، لومړی به د هغه څه په اړه تصور وکړی او بیا به یې په آخرت کې په پوره ډول وویښی، کله یې چې په سترگو وویښی، همدغه عین الیقین دی.

علامه محمد حسین طباطبایي په تفسیر المیزان کې د عین الیقین په اړه وایي، چې له عین الیقین څخه مقصد خپله یقین دی او معنا یې دا ده، چې

حکم به محض یقین سره مگرد، نه به نور تنه آیتونه که له علم الیقین څخه

یقین؛ د حق الیقین تر بریده

څخه مقصد د هغو لیدل دي، په ورځ دقیامت (تفسیر المیزان: ۱۲۲ مخ)

مخکې مو وویل، چې د هر عالم لپاره په مرگ باندې یقین لرلو ته علم الیقین ویل کیږي، خو کله چې یو عالم د یو چا مړینه په خپلو سترگو وویښی، هغو ته بیا عین الیقین ویل کیږي، لکه حمزه بابا چې وایي:

څه شول زما هغه لیدلی خلق هغه خواره هغه سپیڅلي خلق

بس خو هم تاته رسیدلي خلق کوم چې د تانه تینتیدلي خلق (حمزه: ۱۳ مخ)

حمزه بابا د هغو خلکو یادونه کوي، چې له الله نه یې مخ اړولی و او بیرته د الله په لور ورگرځیدلي دي، د همدې بیت په تائید بل ځای وایي:

په ساعت کې ندا اورم د الینا راجعون

په پورته بیت کې حمزه بابا د هغو کسانو یادونه کوي، چې په خپلو سترگو یې د الله لور ته د هغوی ورگرځیدل لیدلي، د حمزه بابا دغه بیان د عین الیقین پر بنسټ دی.

حق الیقین: حق الیقین د یقین له درې گونو مرحلو څخه درېیمه مرحله ده،

چې په لغت کې بې شک او بې شبهې ریښتیا ته ویل کیږي. (معین: ۱۲۷۵)

حق الیقین د صوفیانو په اصطلاح په حق کې د بنده فنا کیدل او د هغو

علمي او شهودي بقا ده، د غه را څرگندېدنه یوازې د علم په واسطه نه ترسره

کیږي، بلکې په ډېرو ځایونو کې په حالونو پورې اړه لري، د بیلگې په توګه

هر عالم په مرگ باندې علم الیقین لري، خو کله چې ملک الموت په خپلو

سترگو وویښی عین الیقین ورته حاصل شي او کله چې د مرگ څکه په خپله

وڅکي نو حق الیقین ورته حاصل شي. (کل بابا: ۲۸۴ مخ)

د صوفیانو له نظره حق الیقین داسې یوه مرحله ده، چې سالک په کې د

الله (جل جلاله) ذات او د حق تر مشاهدې پورې ورسیري، له حق سره

یوځای شي او خپل ځان له حق ذات سره یو وبولي، نو دغه مرحلې ته حق

اليقين ويل کيږي، په دې اړه الله تعالی (جل جلاله) د قرآنکريم (د الواقعه سورة: ۹۲ - ۹۵ آيتونو) کي فرمايي: **وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكذِبِينَ الضَّالِّينَ، فَنُزِّلْ مِنْ حَمِيمٍ.**

ژباړه: او که چيرې وي (دغه مړی) له دروغ ويونکيو گمراهانو څخه، نو هغه ته د سوزونکو اوبو منلمستنا ده او به اور کې د هغه ننه استل دی،

يقين؛ د حق اليقين تر بريده

حقه يقيني ده.

يعني ستاسي له تکذيب څخه هيڅ شی کيدونکي نه دي، هر هغه شيان چې د مؤمنانو او مجرمانو په نسبت خبر ورکړی شوی دی، هغه گرده صحيح او يقيني دي او هغه هماغسې کيدونکي دي، نو هيچا ته نه بنايي، چې په هسي بنسکاره خبرو کې داسې شېهي او ترديد پيدا کړي، خپل ځان وغولوي، بلکې د لويې ورځې او د قيامت د پاره دې ځان تيار او چمتو کړي.

خو که د پورتنيو آيتونو تفسير ته ځير شو، نو الله پاک د هغو کسانو لپاره چې گمراه دي، د يو ستر عذاب ژمنه کړې ده، دا خبره يې حق اليقين بللې ده، چې دغو گمراهانو ته به د حق اليقين ياده پوهه هغه وخت حاصله شي، چې هغوی په اور ننه ايستل شي.

د صوفيانو همدغه فکر چې وايي، هغوی د الله په ذات کې فنا کيږي او داسې يوې مرحلې ته رسي، چې ځان په ذات کې فاني بولي، رحمان بابا په خپل يوه شعر کې داسې رانغښتي ده:

زه د يار ميني په يار باندې شيدا کرم

که څوک ما گني زه نه يم واره دی دی

او يا لکه حضرت حمزه بابا چې وايي:

بيا به پوه شي، چې دا حال خو نوی نه دی

چري ته که د آشنا سره واصل شي

دا د مرگ د راز پرده به پاتي نه شي

که د ژوند په حقيقت باندې قايل شي (حمزه: ۵۳۸ مخ)

د شاعر په وينا په دې دنيا کې اوسيدل يو راز دی، چې مونږ به هغه وخت ورباندې پوه شو، چې له خپل رب سره مخ شو، يعني کله چې مور تر خپله ربه پورې ورسيرو، نو هلته به مونږ هر څه د حق اليقين په سترگو وگورو.

صوفيان د يقين د دريو درجو او په هغو کې د حق اليقين په اړه وايي، چې علم اليقين د شريعت ظاهر ته ويل کيږي او عين اليقين په هغو کې اخلاص کول دي او حق اليقين د هغو تماس او مشاهده ده. (کل بابا: ۲۸۴ مخ)

خو ابن عربي حق اليقين هغه پوهه بولي، چې د ژور تفکر په واسطه تر لاسه کېږي، يعنې حق اليقين د باخ فکر له لارې تر لاسه کېږي.

يقين؛ د حق اليقين تر بريده

د علم اليقين، عين اليقين او حق اليقين تر منځ توپير:

د علم اليقين او عين اليقين تر منځ ډېر واضح او څرگند توپيرونه شته دي، علم اليقين هغه پوهه ده، چې پر استدلال، نښو او نښانو بنا ده، يعنې علم اليقين مور ته هغه وخت تر لاسه کيږي، چې د يوې موضوع په اړه قانع کوونکي دلائل واورو او يا پر موضوع باندې اطلاقيدونکي نښې نښانې ووينو.

د عين اليقين درجه تر علم اليقين نه لوړه ده، مونږ هغه وخت کولی شو، چې د عين اليقين پوهه تر لاسه کړو، چې اصلي موضوع په خپلو سترگو باندې ووينو، نو مونږ ته د عين اليقين پوهه تر لاسه کيږي او د حق اليقين مرتبه بيا په دغو دواړو باندې لوړه ده، هغه وخت سړي ته د يقين دغه پوهه تر لاسه کيږي، چې پر ليدو سربيره يې حس هم کړي. بناغلي حکمتيار په دې اړه په خپل کتاب "د تصوف په اړه ځينې حقايق" کې ليکي: "په دوزخ باندې باور لرل، علم اليقين دی، د قيامت په ورځ يې په خپلو سترگو ليدل عين اليقين دی او په دوزخ کې د مکذابين الضالين پر پوتل حق اليقين دی. (حکمتيار: ۴۹)

خو د دغه توپير د روښانه کولو په اړه امام غزالي وايي: (که د علم اليقين او عين اليقين تر منځ د فرق په اړه پوښتنه وشي، نو ځواب دا دی، چې علم اليقين انبياوو ته د خپل نبوت له اړه حاصل او عين اليقين ملايکو ته حاصل دی، چې جنت، دوزخ، لوح، قلم، عرش او کرسې په خپلو سترگو ويني او همدې ته عين اليقين ويل کيږي). مکاشفه القلوب: ۲۴۴ مخ

امام غزالي په دې باور دی، چې د قيامت په ورځ او د هغو له حساب نه معلومات علم اليقين دی، خو کله چې دغه ورځ را ورسېږي، ټول حساب کتاب ته حاضر شي، نو دا بيا د عين اليقين پوهه ده. خو کله چې عملاً حساب کتاب شروع شي، بيا حق العین دی.

د بیست گفتار اثر لیکوال شهید مطهری بیا د علم الیقین، عین الیقین او حق الیقین په اړه لیکي، چې که تاسو ولیدل، چې چیرته اور بل شوی او دا اور د کومې موانع(دیوال) په وسیله د تاسو له سترگو پټ دی، که تاسو د دغه دیوال تر شاه د دود له پورته کیدو د اور لگیدلو علمیت حاصل شو نو دغه علمیت ته علم الیقین وایي. خو لیکوال زیاتوی که حیرته تاسو له دې

یقین؛ د حق الیقین تر بریده

الیقین دی. د حق الیقین په اړه بیا لیکي، چې که تاسو اور نه دومره نزدی شئ، چې تودوخه یې حس یا لمس کړئ او وجود مو تود کړي یا په بل عبارت اور ته ور دننه شئ نوبیا له دې حالته دحق الیقین تعبیر راوړي.(مطهری:

(۲۴۶

پایله:

له دې لیکنې مو موخه داوه، چې په پای کې دې پوښتنې ته ځواب پیدا کړو، چې صوفي به د یقین پړاو ته څنگه رسي؟

دغې موخې ته د رسیدلو لپاره یوه لاره شته، چې هغه د نفس تزکیه، د خدای په عبادت کې د اخلاص تر لاسه کول او د مرشد تر لارښوونې لاندې د پاک رب ذکر کول دي او په نصوص توبې (قاطع توبې) سره یې باید توبه کړي وی، هغه توبه، چې په هغې سره نوموړی د خدای په طاعت کې ښه کلک او ټینگ شي او د الله ذکر کوونکی شي، ترڅو چې لا شریک واحد ذات ورڅخه راضي شي او له هغه چا څخه، چې خدای راضي شي، نو د هغه زړه د خپل وحدانیت په رڼا سره رڼا کوي او زړه د بصیرت په نور بینا کیږي او کله چې خدای د چا زړه په بصیرت سره پرانیزي، نو د اسرارو له مخې پر دې ورته لري کیږي او ایمان په حق الیقین سره ښکاره کیږي.

هغه څوک چې دغه مقام یې نصیب کیږي، له ناسوت عالم څخه د ملکوت عالم ته لوړیږي او کله چې دغې درجې ته ورسید، د خدای عبادت د جنت په هیله یا د دوزخ له وېرې نه کوي، بلکې خاص د مینې له مخې د

خدای په عبادت بوخت وي. (نقشبندی: ۱۰۹-۱۱۰ مخونه.)

هو، شک پرته چې یقین ته د رسیدو لار ریاضت او د نفس تزکیه عبادت او اطاعت دی، لکه الله تعالی چې (د الحجر سورة: ۹۹ آیت) کې فرمایي: **وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ**. یعنې د خپل رب عبادت تر هغو پورې وکړه، ترڅو چې یقین ته ورسیري.

اخځليكونه:

1. آريانا دايرة المعارف، دوهم ټوك، كابل: علومو اكاډمي، ۱۳۸۹ كال.

2. سعیدی، گل بابا؛ (۱۳۸۷). فرهنگ جامع اصطلاحات

یقین؛ د حق یقین تر بریده

3. د قرآن کریم پېښو ترجمه او تفسیر، لومړی ټوک.

4. ایوبي، محمد نادر؛ (۱۴۲۸ هـ ق). عرفان پاکستان: لاهور، صحاف نشراتي موسسه.

5. علومو اكاډمي (۱۳۸۳). پېښو پېښو تشریحي قاموس، درېیم ټوک. كابل: دافغانستان لپاره د ټولنيزو رسنيو مركز.

6. المنجد عربي قاموس، دوهم ټوك.

7. د قرآن کریم پېښو ترجمه او تفسیر، دوهم ټوک.

8. حجة الاسلام حضرت امام غزالي؛ مكاشفة القلوب، ژباړه: محمد شفيق رحمانی، خپرندوی: امیر حمزه کتابخانه.

9. خلیفه داد محمد، مقدمة التصوف. خپرندوی: جدید کتابخانه.

10. علامه طباطبایي، محمد حسین. تفسیر المیزان.

ترجمه محمد جواد حجتی کرمانی، خپرندوی: مرکز جهانی اطلاع رسانی آل بیت.

11. محمد معین. (۱۳۸۷). فرهنگ فارسی معین. تهران:

فرهنگ نما: کتاب آرا.

12. حکمتیار، گلبدین. (۱۳۸۸). د تصوف په اړه ځینې

حقایق. خپرندوی: نامعلوم.

13. نقشبندی، علاء الدین؛ (۱۳۷۹). د تصوف حقیقت او

د نقشبندیه طریقي یو بحث. پېښو ژباړه: محمد بشیر دودیال، میوند خپرندویه ټولنه.

14. خټک، عبدالقادر. حديقة خټک (دیوان د عبدالقادر

خټک) مدون: سیدانوار الحق. یونیورسیتی بک ایجنسي.

15. صمیم، محمد آصف؛ (۱۳۸۹). د حمزه شینواري

کلیات. یونیورسیتی بک ایجنسي.

16. شهید، مطهری، (۱۳۸۸) بیست گفتار تهران: نسیم
مطهر

معاون سرمحقق دکتور فاروق انصاری

صوفیه هرات در روزگار تیموریان

خلاصه :

هرات را می توان از جمله شهرهائی دانست که نخستین بذرهای تصوف اسلامی در آن به بار نشست، به خصوص در عصر تیموری که با حمایت های مادی و معنوی پادشاهان و نیز وزرائی چون امیر علی شیر نوائی در آن خانقاها و حلقه های متعدد صوفیانه اعمار شد، به ویژه برای نقشبندی ها که عبدالرحمن جامی نیز بر آن طریق بود و با همت او این طریقت در این شهر باستانی پیروان زیادی یافت. به جز نقشبندیه که طریقت میانه به حساب می آمد، چشتیه و نعمت الهیه نیز به دلایلی در هرات مریدان و هواخواهانی یافتند و روابط خاص اجتماعی را در این شهر پدید آوردند. نکته جالب آنکه سلطان حسین و وزیرش علی شیر نوائی خود به خانقاها رفت و آمد داشتند و مصارف لنگر و مطبخ آن ها را پرداخت می نمودند و بدین

ترتیب بود که هرات در عصر تیموری از حیث تصوف و عرفان و به ویژه درهم آمیختگی تصوف با قدرت سیاسی و دولت نیز به درخشندگی رسید.

کلید واژه: هرات، تصوف، خانقاه، نقشبندیه،

صوفیه هرات در روزگار تیموریان

بی‌عنوان

مقدمه:

هر چند سابقه ت : یا عرفان اسلامی را می‌توان به آغازین ق اسلامی رسانید اما رواج آن در خراسان به خصوص در هرات دقیقاً در زمان تیموریان به حد کمالش نزدیک شد تا جایی که این شهر نام خاک اولیاء گرفت و بیشتر شهریان هروی یا خود پیر و پیشوای طریقت صوفیانه بودند و یا هم مرید و پیرو یکی از طرق صوفیانه اسلامی. در اینکه چرا چنین شد شاید نقش موقعیت جغرافیایی هرات بی تاثیر نبوده است زیرا هرات به دلیل اهمیتش از حیث دسترسی به مناطق چهار طرف، همواره مورد هجوم‌های سهمگین قرار گرفته و پامال سم اسبان مهاجمان گردیده است که بالتبع مصایب و رنج‌های زیادی را برای این شهر به بار آورده است و در نتیجه مردمان آن در چنین مواقعی برای رهائی از آلام و دل‌آزردگی‌های فجیع، دل از دنیا بریده و به ماورای طبیعت و ماده دست انداخته و در حلقه پیران روحانی درآمدند و یا هم شاهد حضور و اسکان شمار زیادی از صوفیان و عارفانی بوده است که باز به دلیل جغرافیائی از چهار سوی هرات)

آسیای مرکزی، ایران، سیستان، و...) به آنجا روی آورده و اقامت اختیار کرده و یا هم از آن عبور کرده‌اند که در هر حال، موجب رشد تصوف در این سرزمین باستانی گردیده است. البته عوامل دیگری از جمله تفسیر

صوفیه هرات در روزگار تیموریان

و طرایف خاص معنوی دیگری نیز در صبح‌گیری این نحله در هرات بی‌تأثیر نبوده است اما آنچه بیشتر بستر مناسب را برای باروری آن مهیا ساخته است، شرایطی بوده است که در این ولایت وجود داشته لذا از میان طریقه‌های مختلف صوفی به ویژه طریقه‌های نقشبندیه، چشتیه و نعمت‌اللهیه در آنجا ریشه دوانیدند و به دلیل خاستگاه هروی

صوفیه هرات در روزگار تیموریان

رند و صبعه خراسانی به خود گرفتند و بار در همین جا به عبارتی از مرحله «حال» به «قال» نیز ارتقا یافتند که در این نوشتار بدان مختصراً پرداخته خواهد شد.

زمینه‌های رشد تصوف در خراسان

حملات پیهم مغولان و ترکان بر خراسان و مصیبت‌های بیرون از شماری که از قبل آن وارد آمد، در کنار دیگر تبعات، یکی هم رواج یافتن تصوف و زاویه نشینی در سطوح مختلف جامعه بود که به نظر می‌رسد با توجه به دلایل تاریخی، کاری دور از انتظاری نیز نبوده است، زیرا به تجربه در تاریخ ثابت شده است که وقتی مردمی گرفتار مصایب هولناک اجتماعی مانند حاکمان جبار و ستمگر، یورش‌های سهمگین و یا مصیبت‌های بزرگ اجتماعی دیگری

می‌شوند بالاجبار به یکی از دو راه تن در می دهند:

یا آنکه جان در کف نهاده و به مبارزه و مقابله خشونت بار، روی می‌آورند و به میادین مقاتله پای می‌نهند و یا به مبانی اعتقادی خود توسل جسته به ماورای طبیعت و ماده، دست انداخته و سعی می‌کنند خود را از دل آزرده‌گی های کلان برهانند و این هردو راه، در این دوره (مغول و تیموری) مورد استفاده قرار گرفت و به ویژه این راه دومی که هزینه

صوفیه هرات در روزگار تیموریان

نفس خود را به همراه داشت، هواخواهان فراوانی یافت. لذا این جا و آنجا پلاس پیری و مریدی پهن شد و عده‌ئی نیز که در اوضاع و احوال مزبور از حیث روحی و روانی شدیداً صدمه دیده بودند جهت التیام آلام شان، بدان پیران به ظاهر از دنیا بریده تقرب می جستند و از صحبت های لطیف و ظریف و بعضاً پر راز و رمز آنان بهره ها گرفته و تاحدی خود را آرامش می بخشیدند اما این عرصه نیز از دستبرد شیادان و ریاکاران مصئون نماند و به زودی عده‌ئی که جویای نام و نان بودند و در پی کسب مقام^۱، در کسوت این پیران، اعمال و افعالی را انجام دادند که نه شرع قبول داشت

صوفیه هرات در روزگار تیموریان

کسب کردند، وکن در همان حال بوده اند متصوفه‌ای که واقعاً دل از دنیا کنده و به مطلوب پیوسته بودند و شمار اینان نیز کم نبود.

در رشد و گسترش صوفی گری علاوه

برعلت فوق، همچنین علل دیگری نیز مؤثر بودند، از جمله آنکه مغولان و سپس تیموریان، شاید به دلیل بی ضرر بودن این جماعت برای حاکمیت، مزاحم آنان نشده و در پارهٔ موارد به کمک آنان شتافته اند، خانقاه های آنان را اعمار نموده و حتی خود دست به احداث و اعمار خانقاه زده اند و یا خرچ و مصارف زاویه نشین ها و کسانی که بدانجا پناه می بردند را می پرداختند؛ همچنان که اشراف و خوانین نیز چنین می کردند و بخشی از مصارف مکان های مزبور را به دلایلی که نزد خودشان اهمیت داشت متقبل می شدند و آرزو داشتند که دعای این به اصطلاح پیران که بعضاً مدعی کرامت هم بودند در حق آنان مستجاب گردیده و مکت و ثروت و دارائی شان از گزند بلیات و خطرات محفوظ بماند. علت دیگری که در رشد تصوف و صوفیه در این عصر مؤثر افتاد، خرقه پوشیدن شمار زیادی از اسماعیلیهٔ شیعه بود که بعد از تحمل شکست سختی از هولاکوخان، از روی تقیه و یا اعتقاد، به درون خانقاه ها خزیدند و لااقل جان شان را از خطر رهانیدند. حال، اگر به خاطر آوریم که در گذشته نیز نخستین بذرهای تصوف اسلامی در خراسان، در هرات و نیشابور به بار نشست و مجالس و محافل آنان شهرهٔ شهرها شده بود که از اقصی نقاط دنیای اسلام بدان سو روی می آوردند، می توانیم بفهمیم که چگونه و چرا تلاش و کوشش برای علمی نشان دادن تصوف و به عبارتی از مرحلهٔ «حال» به «قال» درآوردن آن نیز که از اوایل قرن هفتم آغاز شده بود، در هرات مورد

توجه قرار گرفت و از حمله شیخ حامی در این
صوفیه هرات در روزگار تیموریان

جامی مقتدای صوفیان نقشبندی هرات

طریقت نقشبندیⁱⁱ منسوب است به
خواجه بهاءالدین محمد نقشبندی بخاری صوفی
مشهور سده هشتم هجری (متوفی 791ق). که نسبش
با چندین واسطه به حسن عسکری از امامان اهل
بیت پیامبر(ص) می‌رسد. خواجه بهاءالدین دو
بار به هرات سفر نمود؛ یک بار در عصر ملک
معزالدین حسین بن غیاث الدین که از سوی وی
مقدمش گرامی داشته شد و علمای هرات در باب
طریقت عرفان از او سوال هایی کردند و باری
دیگر در راه سفرش به حج در هرات مدتی توقف
نمود و به دیدار زین العابدین ابوبکر
تایبادی (متوفی 791ق) عارف مشهور روزگار خود
شتافت.ⁱⁱⁱ

باید افزود که طریقت نقشبندی در اصل یکی
از شعبات طریقت خواجگانیه به حساب می آید
که طی چند قرن فراز و فرود زیادی را از سر
گذرانده است اما در هرات بدون شک یکی از
عوامل گسترش طریقت نقشبندی، عبدالرحمن
جامی بود که در طریقت، پیرو نقشبندیه و
مرید و شاگرد سعدالدین محمد کاشغری به
حساب می آمد و بعد از کاشغری که پس از
مهاجرت از کاشغر (ترکستان چین) به بخارا و
بعدها هرات که در آنجا حلقه مریدان را گرم
داشته بود، نقش جامی در طریقت مذکور شاید
مهمتر از کاشغری در هرات بوده است و بی سبب
نیست که او را «خلف الصدق و جانشین مسند

طریق» او به حساب آورده اند^{iv}. و با تشکیل حلقات و دسته‌های صوفیانه موجب رشد عرفان اسلامی گردید و به خصوص، طریقۀ نقشبندیۀ تصوف در هرات پیروان زیادی یافت و به ویژه در عهد سلطان حسین بایقرا که وی نیز به پیروی از وزیر دانشمندش امیر علی شیر نوایی در طریقت پیرو نقشبندیه بود، فرقۀ مزبور مورد پشتیبانی زیادتر حکومت قرار گرفت و

صوفیه هرات در روزگار تیموریان

هاچنانکه در خلاصه الاخبار فی احوال الاخیار آمده است عبارت بودند از:

خانقاه دارالسیاده در سر چهار سوق هرات؛

خانقاه سرپل انجیل؛

خانقاه جدیدی که گفته می شود سنگ بنای آن، توسط ملک غیاث الدین کرت نهاده شد؛

خانقاه پیر هرات؛

خانقاه ملک حسین کرت؛

خانقاه میرزا شاهرخ؛

خانقاه شیخ چاوش؛

خانقاه امیر فیروزشاه؛

خانقاه اخلاصیه؛

خانقاه محمد تبادکانی؛

خانقاه سبز خیابان؛

خانقاه سلطان خاتون؛

خانقاه امیرعلالدین؛

خانقاه زیارتگاه^v.

اما وزیر علی شیر، افزون بر تشویق و همراهی با بایقرا در ایجاد خانقاه ها، خود

نیز بعضی خانقاه ها و بناهایی را احداث و یا مرمت و بازسازی کرده که مهم‌ترین آنها همان خانقاه اخلاصیه، خانقاه شفائیه و نیز

صوفیه هرات در روزگار تیموریان

زیارتگاه شیخ محیی و خانقاه مزار عطار نیشابوری و... است.^{vi}

به جز خانقاه و زیارتگاه، به خصوص امیرعلی شیر نوایی مسجد جامع نیز ساخت که در حوالی آن بناهای دیگری از جمله دارالشفای زیبا را که مجهز به تجهیزات عصر بود نیز اعمار کرد.^{vii} و خود نیز که هرگز همسری اختیار نکرد در پایان عمر منصب جاروگشی در خانقاه خواجه عبدالله انصاری را برگزید^{viii} و به این طریق منتهای ارادت خود به پیر هرات و طریقت تصوف را به ثبوت رسانید.

در هر حال، هر چند در دوره های بعدی نقشبندیه گسترش زیادتری یافت و علاوه بر آسیای مرکزی در چین، هندوستان، ترکیه و کردستان ایران نفوذ پیدا نمود اما هرات برای چند قرن به عنوان کانون اصلی این فرقه شناخته می‌شد.

ویژگی‌ها و مراحل سلوک طریقت نقشبندیه

طریقت نقشبندیه را می توان طریقه معتدل صوفیانه آن عصر برشمرد زیرا نه مانند مولویه سراسر رقص و سماع و نه به مانند سهروردیه، سراسر زهد و عبادت بود، به عبارتی در مقایسه با طریقت های هم عصر خویش اصول ساده و راحتی داشت که چله نشینی و خلوت گزینی را رد می‌کرد و رهبران‌ش توجه به

کسب و کار داشتند.^{ix} به لحاظ فکری و اعتقادی نیز فرقه نقشبندیه معتقد به اصل «وحدت شهود» بود یعنی عقیده‌ئی که بعداً توسط شیخ احمد سرهندی در قرن 11 هجری کاملاً گسترش یافت و آن را کامل تر از اصل «وحدت وجود» دانست که فلاسفه بدان معتقد بودند. سرهندی استدلال می کرد که عقیده وحدت وجود مشعر براین که هیچ چیز وجود ندارد به جز خدا، منافی با مذهب و عقل است و از طرف دیگر وحدت شهود به توحید مطلق می رسد، به این معنی که خدا وجود دارد و یکی هم هست و هیچ مخلوقی را نمی

صوفیه هرات در روزگار تیموریان

صحیح این است که بگوییم «همه چیز از خداست.»^x

فرقه مزبور از حیث آموزش و تعلیم نیز بنای خود را بر اصول زیرنهاد:

« 1- هوش در دم: یعنی هر نفسی که از درون برآید، باید از سر حضور و آگاهی باشد و غفلت بدان راه نیابد. بقول "سعد الدین کاشغری" هوش در دم: یعنی انتقال از نفسی به نفسی می‌باید که از سر غفلت نباشد و از سر حضور باشد، و هر نفسی که می‌زند از حق سبحانه خالی و غافل نبود.

2- نظر بر قدم: کاشغری می‌گوید: یعنی که سالک در رفتن و آمدن نظر بر پشت پای او می‌باید تا نظر او پراکنده نشود و به جائی که نمی‌باید نیفتد.

3- سفر در وطن: آن است که سالک در طبیعت بشری سفر کند، یعنی از صفات بشری به صفات ملکی و از صفات ذمیمه حمیده انتقال فرمایند.

4- خلوت در انجمن: به دو صورت خلوت ظاهری و خلوت باطنی است. و اینکه باید به شغلی و کاری از کارهای ظاهری بپردازد تا از سایر خلق خدا متمایز نشوند. خواجه اولیای کبیر از خلفای عبدالخالق عجدوانی گفته: "خلوت در انجمن آن است که اشتغال و استغراق و ذکر به مرتبه‌ای رسد که اگر به بازار در آید، هیچ سخن و آواز نشنود به سبب استیلاء ذکر بر حقیقت دل."

5- یاد کرد: "به معنی ذکر لسانی یا قلبی است. که مهمترین اعمال صوفیانه است. ذکر بر دو نوع لسانی (جهر) و قلبی است." در طریقه خواجگان از زمان عبدالخالق عجدوانی ذکر خفیه رسم شد، ولی پس از عبدالخالق از عهد خواجه محمد انجیر فعنوی ذکر جهر نیز شایع گشت. ظاهراً تا زمان

صوفیه هرات در روزگار تیموریان

خفیه رایج شد که تاکنون ذکر قلبی بین آنها معتبر است.

6- بازگشت: یعنی که سالک بعد از هر عبادت برای نفی هر چیز جز او، که کنایه از رجوع ذاکر به سوی خداوند برای اظهار عجز و تقصیر است آنکه بگوید: خداوند مقصود من توئی و رضای تو {الهی انت مقصودی و رضاک

{مطلوبي}

7- نگاهداشت: تعابیر مختلفی دارد که از ارکان تصوف است: به معنی حفظ قلب از خواطر. به دیگر سخن نگاهداشت: "عبارت از مراقبه خواطر است چنانکه در يك دم چند بار کلمه طیبه را می‌گوید که: خاطر به غیر او نرود. بقول عبیدالله احرار "معنی حفظ خاطر آن نیست که اصلاً" سالک را خاطری به دل نیاید. بلکه مراد آن است که خاطر، حضور را مانع و مزاحم نباشد آنسان که خسی بر آبی جاری افتاده و آب را از جریان باز نمی‌دارد.

8- یادداشت: به قول عبیدالله احرار "عبارت از دوام آگاهی است به جناب حق سبحانه و یادداشت" استیلاي شهود حق سبحانه است به توسط حب ذاتي. "جامي" یادداشت را رسوخ بازگشت و نگاهداشت دانسته است.

9- وقوف زمانی: یعنی آنکه سالک همه وقت بر احوال خود آگاهی داشته باشد و اینکه "بنای کار سالک را در وقوف زمانی بر ساعت نهاده اند که دریا بنده نفس شود که بر حضور می‌گذرد یا به رفت.

10- وقوف عددی: بقول بهاءالدین نقشبند یعنی "رعایت عدد در ذکر قلبی رای جمع خواطر متفرقه است. و یا وقوف عددی اول مرتبه علم لدنی است. به عبارتی در يك نفس

صوفیه هرات در روزگار تیموریان

11- وقوف قلبی: به دو معنی است: اول

آنکه دل ذاکر در عین ذکر به حق تعالی آگاه باشد و دیگر آنکه ذاکر از دل خود واقف باشد . . . بهاء الدین نقشبند به هر دو نوع وقوف قلبی توجه داشته اما "رعایت وقوف قلبی را مهمتر می‌داشتند و لازم می‌شمردند، زیرا که خلاصه آنچه مقصود است از ذکر وقوف قلبی است. بعبارت دیگر وقوف قلبی یعنی آگاهی و حاضر بودن دل به خداوند." ^{xi} و اینها در واقع اصول نقشبندیه در طریقت محسوب می‌شد و بیشتر بزرگان این فرقه در آن باب، سخن‌ها رانده‌اند.

این فرقه پس از انتشار و گسترش در مجموع به شاخه‌های زیر تقسیم گردید:

1- نقشبندیه مجددیه که نسبت آن به شیخ

احمد فاروقی (مجدد الف ثانی) می‌رسد و در هندوستان پیروان زیادی دارد.

2- نقشبندیه مجددیه خالدیه که نسبت آن

به مولانا خالد شهرزوری می‌رسد و در کردستان و ترکیه رواج دارد.

3- نقشبندیه احراریه: منسوب به خواجه

عبیدالله احرار که در آسیای مرکزی پیروانی دارد.

4- - نقشبندیه خوفیه و جهریه:

نقشبندیه از طریق جاده ابریشم به چین رسید و اکنون این دو فرقه در

آن کشور رواج دارد. ^{xii}

صوفیه چشتیه

فرقه صوفیه دیگر که اسم آن با اسم هرات درهم آمیخته، فرقه «چشتیه» است که توسط

خواجه ابواسحق در قرن ششم هجری بنیانگذاری شد.

چشت که حالا صفت شریف را نیز بدان افزوده اند و چشت شریف می‌خوانند، در چهل کیلومتری هرات در شمال امله واقع است و پیشتر شصت

صوفیه هرات در روزگار تیموریان

خاستگاه ابواسحق است که آوازه این ناحیه کوچک را در بیشتر نقاط آسیا در انداخت؛ اما فرقه متعلق به وی (چشتیه) در برابر فرقه نقشبندیه در هرات عقب نشست و بیشتر نفوذ این فرقه در هند بود که از مدت ها قبل توسط معین‌الدین محمد سجزی (متوفی 634 ق) در آنجا انتشار یافته و وی که ناحیه اجمیر را واقع در قلب سرزمین هندوان راجپوت به عنوان خانقاه خویش اختیار کرد، از جمله اراکین این فرقه به حساب می‌آید و روی هم رفته با وی در اجمیر با مدارا رفتار شد.^{xiv}

به لحاظ فکری و اعتقادی محور اصلی اعتقادی آنان اصل «وحدت وجود» بود که نشان می‌داد از ابن عربی تأثیر پذیرفته‌اند. مناسک صوفیانه چشتیه شامل ذکر، ضبط نفس (که احتمالاً متأثر از هند بود)، مراقبه و چله نشینی می‌شد و علاوه بر این فرقه برخلاف نقشبندیه که با موسیقی و آواز مخالف بود به سماع علاقه نشان می‌داد^{xv} و خواجه معین‌الدین بنیانگذار این فرقه در هند با انگیزه روحی، موسیقی گوش می‌دادند. باید یادآور شد که چشتیه به موسیقی به عنوان ابزاری ضروری برای حالت وجد می‌نگریستند و از نظر آنها گوش دادن به موسیقی تنها با عشق الهی جایز

است، هرچند که شعری که خوانده می شود ممکن است ناظر به عشق ظاهر باشد، صوفی باید تعبیر و ادراکش از موسیقی برحسب عشق الهی صورت گیرد... و برای اینکه موسیقی جایز باشد، نوازندگان باید مرد و بالغ باشند نه زنان و جوانان خوش سیما.^{xvi}

صوفیه نعمت‌الهی

از سوی دیگر از میان صوفیه شیعه مشهور که صاحب فرقه و طریقت شد، شاه نعمت‌الله ولی است که بعد از آنکه اطلاعات دینی و علمی خود را کامل کرد و از جمله اصول تصوف و عرفان را آموخت، به سیر و سیاحت پرداخت و مدتی را در نزد شاهرخ در هرات به سر برد.^{xvii}

صوفیه هرات در روزگار تیموریان

عصر، وی نیز هواخواهانی در هرات و نیز دیگر نقاط خراسان، ایران و هندوستان پیدا کرد. برخی او را مروج طریقت قادریه‌ئی دانسته‌اند که توسط عبدالقادر گیلانی (562 - 470 ق) در بغداد پایه گذاری شد و به ویژه در هندوستان به دلیل سعه صدری که نسبت به غیرمسلمانان نشان می‌داد از رواج بیشتری برخوردار گردید.^{xviii}

روابط اجتماعی صوفیه

نکته مهم دیگر، بیان نوع رابطه‌ئی است که میان صوفیان در درون طریقت از یک سو و دیگر اعضای جامعه از سوی دیگر وجود داشت. در این زمینه باید گفت که پایه و اساس اجتماعی صوفیه مبتنی بر اصل رابطه نزدیک و

صمیمی میان پیر و مرید، روابط دوستانه و بی آرایش با مهمانان و زائران در خانقاه ها و مردمان مجاور و نیز رابطه حسنه با قشر حاکم بود، و به لحاظ مکانی نیز آنان نه در جاهای دور از دسترس و یا در خانه های لوکس بلکه معمولاً در خانقاه ها که در آن عصر بر تعداد آن افزوده شد و نیز بعضی مکان های محقر دیگری میزیستند ولی خانقاه ها صورت اقامتگاه شبانه روزی را برای آنان داشت و رسم بر این بود که در درون خانقاه برای هرسالگی زاویه جداگانه‌ئی در نظر گرفته شود. همچنین در مکان های کوچک و محقر دیگری که بعضاً در بیرون از شهرها و در مناطق خلوت قرار داشت نیز صوفی‌ها به عبادت می پرداختند اما خانقاه ها بیشتر مورد توجه بود و مساعدت و کمک دربار نیز با خانقاه ها صورت می‌گرفت و از این رو در منابع این دوره کراراً از کمک و رفت و آمد سلاطین به خانقاه ها سخن به میان آمده است. فرض مثال، در عهد سلطان حسین بایقرا که خود یکی از منسوبان به فرقه نقشبندیه محسوب می‌شد با درایت وزیر دانشمند و صوفی‌اش (امیرعلی شیر نوایی)، این ارتباط صورت نزدیک تری گرفت و وی علاوه بر اعمار و احداث خانقاه ها - که بدان اشاره شد - مصارف مطبخ و لنگر آنها را نیز می پرداخت کما اینکه گفته شده این سلطان درویش مشرب روزانه مصارف سه چهار هزار نفر را در خانقاه دارالسیاده که در سر چهارسوق هرات موقعیت داشت، فراهم می‌کرد و غذا و علوفه برای آن می فرستاد^{xix}، تا صوفیان و مریدان و

مسافران و مجاوران از آن بهره گیرند. بدین ترتیب مشاهده می شود که خوان گسترده خانقاه ها نیز که اصطلاحاً لنگر خوانده می شد عامل دیگری بود که بر رشد این جماعت می افزود و از آنان گروهی می ساخت با ویژگی-های خاص که تقریباً مقبولیت خوبی نزد بیشتر طبقات جامعه داشت.

نتیجه

از آنچه نوشته شد می توان نتیجه گرفت که هرات از جمله مراکز مهم تصوف خراسانی به حساب می آمده و از میان طرق مختلف تصوفی به ویژه نقشبندیه و چشتیه و تا حدودی نعمت‌اللهیه دارای مریدان و هواخواهانی در این شهر شدند. در ایجاد این وضعیت، شیوه خاص افراد صاحب رسوخ و سیاست نظیر سلطان حسین بایقرا و امیرعلی شیر نوائی بی‌تاثیر نبودند و در واقع در این عصر اگر از یک سو تصوف، برخلاف گذشته به قدرت سیاسی تمایل نشان داد و به دربار نزدیک شد که در نوع خود تحول عظیم در جریان تصوف اسلامی به حساب می‌آید، از سوی دیگر حکمرانان نیز کسوت تصوف پوشیدند و خود رفتار صوفیانه در پیش گرفتند تا بدانجا که شخص وزیر (امیرعلی شیر نوائی) منصب جارو کشی در آرامگاه خواجه عبدالله انصاری برگزید و در واقع قدرت و ثروت را در خدمت پیروان طریقت قرار داد. این از یک سو؛ از جانب دیگر از پدید آمدن چنین رویه‌ئی در هرات می‌توان برداشت دیگری نیز نمود و آن دنیائی شدن تصوف و آخرتی گردیدن

قدرت سیاسی در هرات بود زیرا تا پیش از این، آنچه از دو طیف مذکور به منصفه بروز رسید کاملاً متفاوت با آنچه بود که در هراتِ اواخر عصر تیموری مشاهده شد، اما در این عصر سیاست با عرفان و تصوف و عکس آن، تصوف با قدرت سیاسی و ثروت درهم آمیخت و نتیجه آن ظهور شخصیت‌هایی مانند نوائی، بایقرا و ... در هرات بود که هر دو جنبه را دارا بودند و شاید این وضعیت را نیز از جمله دستاوردهای مکتب هرات شمرد.

مآخذ

۱. محمد بن خاوند شاه بلخی میرخوند، روضه الصفا، تلخیص عباس زریاب، علمی، چاپ دوم، تهران، 1375، ج 5، صص 887 - 886.

۲. عزیز احمد، تاریخ تفکر اسلامی در هند، ترجمه نقی لطفی و جعفر یاحقی، علمی و فرهنگی، تهران: 1367، ص 59.

شهرزاد ساسان پور «طریقت نقشبندیه ماوراءالنهر در عصر تیموریان»، مجموعه مقالات ایران شناسی.

۳. مهدی فراهانی منفرد، پیوند سیاست و فرهنگ در عصر زوال تیموریان و ظهور صفویان، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، 1381، ص 287.

۴. غیاث الدین بن هماد الدین الحسینی خواند میر، خلاصه الاخبار فی احوال الاخیار،

-
- تصحیح میر هاشم محدث، رسا، تهران، 1372،
صص 200 - 174 .
- ^{vi}. مهدی فراهانی منفرد، پیشین، ص 226.
«یادگارهای مدنیت هری»، سالنامه کابل،
^{vii}.....، ص 230
- ^{viii}. فراهانی منفرد، پیشین، صص 226-227.
«طریقت نقشبندیه ماوراءالنهر در عصر
^{ix} تیموریان»، مجموعه مقالات ایران شناسی.
^x. عزیز احمد، پیشین، ص 60 .
- ^{xi}. «طریقت نقشبندیه ماوراءالنهر در عصر
تیموریان»، مجموعه مقالات ایران شناسی و
نیز: فراهانی منفرد، پیوند سیاست و فرهنگ،
ص 241.
- «طریقت نقشبندیه ماوراءالنهر در عصر
^{xii} تیموریان»، مجموعه مقالات ایران شناسی .
^{xiii}. دافغانستان جغرافیایی قاموس، انجمن
آریانا دایره المعارف، کابل، 1349 ، ج 2،
صص 210 - 209 .
- ^{xiv}. عزیز احمد، تاریخ تفکر اسلامی در هند، ص
55 .
- ^{xv}. همان، صص 199 و 57.
- ^{xvi}. عزیز احمد، تاریخ تفکر اسلامی در هند، صص
200 - 199 .
- ^{xvii}. عبدالمجید ناصری داوودی، تشیع در
خراسان عهد تیموری، آستان قدس رضوی، مشهد،
1378، ص 174.
- ^{xviii}. عزیز احمد، پیشین، صص 62 - 61.

xix. خواند میر، خلاصہ الاخبار فی . . . ، ص 174

.